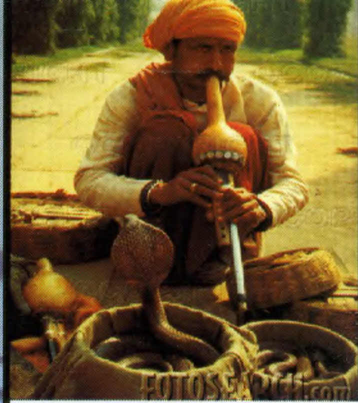
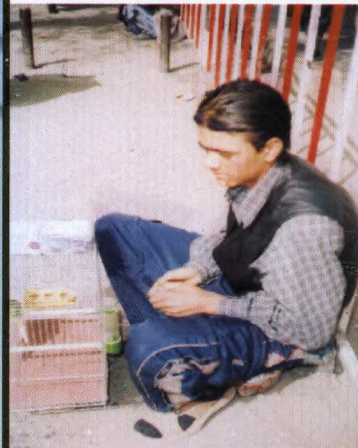
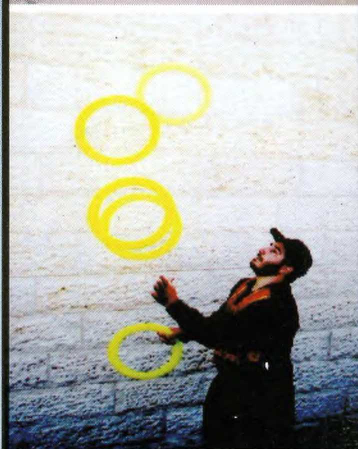
برخی از معلومات
نمایشهای تفننی و رموز آن





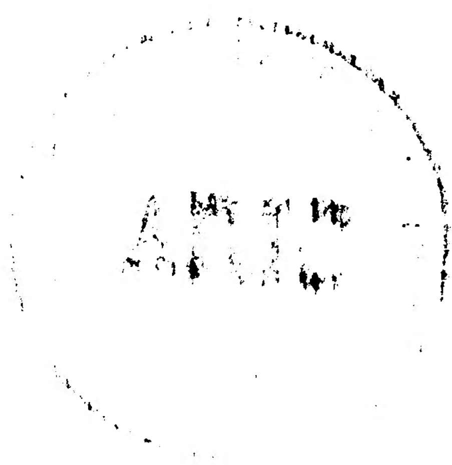






فیض محمد (نایاب - عطایی)

برخی از معلومات، نمایشهای تفننی و رموز آن



نویسنده: فیض محمد (نایاب - عطایی)

کابل: قوس ۱۳۸۳هـ ش /۲۰۰۴م

مشخصات کتاب:

نـــــام کتـــــاب : برخی از معلومات، نمایشهای تفننی و رموز آن

نویســــــــنده : فیض محمد نایاب - عطایی

نا شـــــــــــر : ادارهٔ کتابخانه های سیار اریک

شمارهٔ مسلســـــل : ۱۴۳

طبـــــع اول : ۱۳۸۳ هجری شمسی، توسط ناشر، پشاور

تیـــــــــــراژ : ۱۰۰۰ جلد

تعداد صفحـــــات : ۱۳۰

ســــــــــایز : ۱۳،۵×۲۱ سانتی متر

آدرس ناشـــــر : خانه نمبر B-5، گل مهر رود،
پوست بکس۱۰۸۴ یونیورستی تاون- پشاور
تیلفون:۵۷۰۴۳۹۲ ، ۵۷۰۱۷۲۹ ، ۵۷۰۲۵۳۱
فکس:۰۹۱-۸۴۰۴۷۱ پوست الیکترونیکی: aric@brain.net.pk

محـــــل طبـــــع : مؤسسه انتشارات الازهر - تیلفون:۰۹۱-۲۵۶۴۴۱۴

محل توزیع و فروش : دفتر اکبر (ادارهٔ هماهنگی کمک ها برای افغانها)

بسم الله الرحمن الرحیم

مرکز منابع نشراتی و اطلاعاتی اکبر (اریک) از هشت سال به این سو پروگرام ارسال کتابخانه های سیار را به ولایات افغانستان روی دست گرفته است. کتابخانه های سیار که به شکل صندوق های فلزی ساخته شده اند، در محل خاصی گذاشته می شوند. مردم منطقه کتاب ها را طور عاریت می برند، میخوانند و به مردم گرد و نواح خویش می شنوانند.

وقتی تمام کتاب های کتابخانه در منطقه خوانده شد، کتابخانه به منطقهٔ دیگری انتقال داده می شود و یا تعدادی از کتاب های جدید به آن علاوه گردیده در همان محل باقی می ماند.

ما تلاش ورزیده ایم برای کتابخانه های سیار کتاب ها و نشراتی را گرد آوریم که زبان نگارش آن ساده و روان بوده، مطالب مورد نیاز مردم را داشته باشد، تا آنها را در زنده گی روزمرهٔ شان در مسایل دینی، اجتماعی، اقتصادی، تعلیمی، تربیتی، صحی، تاریخی، فنی، مسلکی و... کمک رساند.

ما در پهلوی پروگرام کتابخانه های سیار، این سروی را نیز انجام میدهیم که مردم به چه نوع آثار و مواد نیاز دارند و آرزومند مطالعهٔ کدام موضوعات و مطالب اند. ما نخست کوشش می نماییم تا مواد و کتاب های تقاضا شده را از منابع مختلف (کتاب فروشی ها، مراکز نشراتی) تهیه و خریداری کنیم. در صورت عدم موجودیت آثار و مواد مطلوب در مراجع مذکور، اریک تلاش میورزد تا با تألیف، ترجمه و چاپ آثار مورد نیاز این خلاء را پر

نماید. به منظور تحقق این هدف از پنج سال قبل کار برای چاپ و نشر کتاب های مورد نظر خواننده گان آغاز شده و از آن زمان تا اکنون ادارهء کتابخانه های سیار اریک با تشریک مساعی مؤسسات محترم همکار، در این راستا گامهای استواری برداشته و فعالیت های ثمر بخشی را به انجام رسانیده است.

برای کار بهتر و سیستماتیک هیأتی مشترک از نماینده گان ادارهء اریک وعده یی از محققان و نویسنده گان انتخاب گردیده اند تا مراحل پلان گذاری، آماده ساختن، چاپ و انتشار کتاب های مطلوب را که توسط مؤلفان و نویسنده گان ماهر و مسلکی تألیف میشود، مشترکاً به پیش برند.

این هیأت متشکل از همکار صمیمی افغان ها خانم نانسی هچ دوپری، محقق سید محی الدین هاشمی، فیض محمد نایاب عطایی، پوهنیار روضت الله مجید، محمد شکیب افضلی و محمد رفیع فاروق است.

ما از خواننده گان عزیز خویش در دهات و شهر های مختلف کشور، که از کتاب خانه های ما مستفید می گردند، توقع داریم که نیاز ها، خواهشها، پرسش ها و پیشنهادات خویش را بفرستند و از نویسنده گان و عالمان وطن تقاضا می کنیم که در این راه با ما همگام گردند تا بتوانیم برای مردم خود کتاب های بهتر و مفید تر را تقدیم نماییم.

با احترام

ادارهء کتابخانه ها ی سیار اریک

فهرست

عنوان	صفحه



پیشگفتار

مهمترین اختراع و با ارزش ترین گنجینهء معلومات و دانش بشری کتاب است. کتاب معلمی است که بدون آزار و محنت ما را تربیت و رهنمایی می کند. به وسیلهء کتاب ادبیات، تاریخ، تمدن و فرهنگ جوامع حفظ گردیده و به نسل های بعدی انتقال می یابد. با مطالعهء کتاب می توان با مهمترین وقایع، افکار، اندیشه ها و کلتور کشور ها و تمدن ها آشنایی حاصل نموده و سیرتکامل جوامع بشری را نیز تاحدی قیاس و پیشبینی کرد.

در یکی از کتب درسی صنوف ابتدائی مکاتب شعر زیبائی گنجانیده شده بود که به عنوان حسن آغاز به عاریت گرفته می شود:

همنشینی به از کتاب مخواه   که مصاحب بود گه و بیگاه
اینچنین همدم لطیف که دید   که نه رنجید وهم نه رنجانید

کتاب حاضر که اینک به دسترس شما علاقمندان علم و دانش قرار دارد، محصول عمری از مشاهدات، مطالعات، افکار، اندیشه ها، تجارب و همچنان نتیجهء دهها سال تحقیق و تتبع پیرامون دریافت چگونه گی از نتایج برخی از علوم و فنون قدیم و معاصر و فشرده ای از تحقیق و جستجو در بیش از دهها عنوان کتب، مجلات، رسالات و مقالات مختلف و متعدد علمی، فلسفی و تاریخی به شمار می رود.

شاید این نخستین کتاب نمایشهای تفننی در کشور ما باشد که اینک به رشتهء تحریر در آمده است.

علاوتاً کتاب حاضر محصول عمری از مباحثات، مناقشات و مجالسات با اربابان علوم و فنون مختلف بوده و یک مجموعه ای از پیشنهادات، امیدواری ها، افکار و نظریات تحقیقی نوینی نیز خواهد بود که تا کنون به علت عدم توانمندی مالی چاپ نه شده بود.

مطالعهء این کتاب به قسمتی از اسرار و رموز برخی از علوم و فنون قدیم و جدید چون ریاضی، کیمیا و فزیک، جهت جلوگیری از سؤ استفاده های شخصی و جلوگیری از برخی از مفاسد اجتماعی پرداخته است. البته چگونگی درک، آموزش و انتقال تجارب آن نیز نیازمند دقت و توجه کامل، مشق و تمرین فراوان و مبادرت به تحقیق و تجربه های بیشتری است. تابه آنها مشق و تسلط کامل حاصل نموده هموطنان ما منبعد به تجارب مذکور به عنوان جادو، چشم بندی و اصطلاحاتی از این قبیل نه نگرند و دیگر جعل کاران، فریبکاران و دجالانی به حقه و نیرنگ ظرفی مملواز آب خوشگوار کشور مان را به بهانهٔ حاضر کردن آب از دریا های دجله و فرات و یا آب گنگاو جمنا تلقی نه کرده و چربی های عادی و معمولی را به عنوان روغن مار و ماهی و قطان به هموطنان ما دارو گویا نه فروشند و آنها را به بهانهء نمایش جنگ مار و موش نه فریبند و پولهای دست داشتهء شان را که ماحصل زحمات و مشقات شبا روزی شان هست، به خدعه و فریب از جیب

های شان نه ربایند و همچنان ساحرانی هم به القاب فالبین و تعویذ نویس و عامل، به بهانهء طلسم و تعویذ و جادو، فرهنگ پلید کینه، انتقام، سوء ظن و بدگمانی را در میان مردم پاک نیات ما تبلیغ و ترویج نه کنند.

این کتاب، به همکاری و مساعدت ادارهء کتابخانه های سیار اریک (توانا ABLE) امکان و اقبال چاپ یافت. این اداره (توانا) از سالیان متمادیست که در پهلوی تأسیس و تقویهء کتابخانه های متعدد از طریق تهیه و توزیع هزاران عنوان کتب مفید و آموزندهء علمی، ادبی، اجتماعی و فرهنگی به کتابخانه های مرکز و ولایات کشور به طبع و توزیع یک سلسله کتب جدید علمی و تحقیقی در حیات مردم ما نیز پرداخته است. یقیناً نگارش، طبع و توزیع کتب جدید علمی، تحقیقی، اجتماعی، ادبی و فرهنگی در عرصه های نوینی از حیات کشور جنگ زدهء ما افغانستان، گامیست بی نهایت ارجناک و تاریخی در جهت همکاری برای احیا و اعمار مجدد و بازسازی فکری و فرهنگی پایدار در کشور. علاوتاً تحریر، طبع و تدوین کتب جدید علمی، ادبی، اجتماعی و فرهنگی می تواند وسیله ای باشد برای رهنمایی کشور به شاهراه ترقی و تعالی، و ترویج علوم و فنون تازه منطبق برخواست و نیاز عصر و با در نظرداشت نورمها و معیار های جدید پذیرفته شدهء بین المللی.

امیدوارم داشته های این مجموعهء کوچکی از معلومات و دانستنی ها، هرچه بهتر و بیشتر مورد استفاده و استفاضهء شما خوانندهگان عزیز

و گرامی قرار گرفته و هنگامی که برخی از نمایشات تفننی را روی ستیژ صحنه، پردهء تلویزیون و یا سینما می بینید، به رموز آن پی برده و حقیقت آنرا دریابید، آرزومندم نشر این کتاب نیز خدمتی باشد در راه اصلاح و بهبود مزید امور اجتماعی و فرهنگی، توسعه و گسترش خدمات علمی، ادبی، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی در کشور عزیز ما افغانستان.

با تشکر مجدد از ادارهء کتابخانه های سیار اریک (توانا) که زمینه چاپ و توزیع کتاب حاضر را مساعد ساخته است.

با حرمت بی پایان

نایاب — عطائی

فصل اول:

بحث های نظری

مقدمه:

بشر همواره جهت اصلاح و بهبود جوامع مربوط در جستجوی طرق و قوانینی بوده است تا بتواند به وسیلهء آن به اسرار و رموز زنده گی گذشته انسانها پی برده و بر مبنای آن وضع موجود حیات مردم را درک و آیندهٔ آنان را تا حد ممکن نیز پیشبینی کند.

به همین اساس انسانها از ادوار بسیار قدیم، به این حقیقت پی برده اند که یکتعداد اوراد، تلقینات، شگونها، گیاهان، سنگ ها و اشیای دیگر، تأثیر معجزه آسایی بالای وجود انسان، حیوان و نباتات دارند.

در قرون اولیه، انسانها به وسیلهء شمردن ستاره گان، خطوط دست، انداختن قرعه، مشاهدهء بعضی علایم و همچنان مراجعه به برخی از شگون ها، به عنوان وسایلی برای پیشبینی میزان خیر و شر، سعادت و شقاوت افراد می پرداختند و آنانرا از وقایع حال و گذشته و اخبار آیندهء شان مطلع ساخته و به آنها امید می بخشیدند و گاهگاهی هم وسایل تفریح و سرگرمی آنان را فراهم می ساختند. که به این ترتیب کم کم فنون و حرفه هایی چون رمالی، فالبینی، تعویذ نویسی، کف شناسی، شعبده بازی وغیره، منحیث فنون و دساتیر اخلاقی، اجتماعی، هنری و فرهنگی برای نجات بشر از مصایب یأ س و نومیدی، رنجها و

آلام و خود داری از جرم و جنایات، اصلاح و بهبود زنده گی اجتماعی مردم به وجود آمد؛ نه آنچه اکنون برای سؤ استفاده های شخصی، اخاذی، ترویج سؤ ظن و بد گمانی ها در بین مردم رواج یافته است.

لذا در بد و امر فنون متذکره جدا از شیادی‌ها و فریبکاری هایی بوده است که اکنون در برخی از جوامع بشری به شکل بسیار مضحک و تجارتی آن رواج یافته و به یک رشته در آوردن پول از مردم مبدل گردیده و شماری از بیکاره ترین افراد جامعه، باسؤ استفاده از احساسات، رسوم و عقاید پاک مردم در کنار جاده های عمومی، پارک ها، دکانها و منازل شان لمیده و با وعده و وعید های بیجا و بیهوده از مردم پول می ستانند و هر گاه فرصت میسر شد، به هوسرانی های نا مشروع و غیر مجوز نیز خواهند پرداخت.

البته روی سخنانم به آنعده بزرگوارانی نیست که هدفی جز خیر خواهی و خدمت به نوع بشر ندارند و جهت رفع مشکلات مردم و بر آورده شدن حوایج مشروعهء نیازمندان، دست دعا به بارگاه رب العزت بلند می کنند و هیچگونه طمع و توقع شخصی از مردم ندارند.

به همین اساس تاکنون هم در بعضی از کشور ها به پیمانه های مختلف این فنون، رهروان و پیروانی نیز دارد و هستند عده ئی از این سالکان که فنون متذکره را منحیث رشته های جداگانه ئی از علوم می دانند و حتی شماری تا درجهء تقدیس به آن احترام و اعتقاد دارند.

بر عکس هستند عده ئی که به فنون متذکره کدام ارزش علمی قایل نه بوده و بر همین اساس در تقسیمبندی علوم جائی برای مواردی چون رمل و فال بینی، کف شناسی، تعویذ نویسی، شعبده و فنونی از این قبیل وجود ندارد.

ایجاب می کند در زمینه تحقیقات وسیع و پیگیری علمی به عمل آمده و چگونه گی اساسات فنون مذکور بر پایهء تجارب و علوم امروزی توضیح و تشریح گردد. زیرا در صورت صدور احکام پدیده های از این دست دارای برخی جوانب منفی و مثبتی نیز بوده که جوانب مثبت و علمی آن قابل حفظ، نگهداشت و انکشاف ولی جهات منفی آن مورد غور، بررسی و تعدیل خواهد بود که جهت توضیح مطلب برخی از جهات موضوع را تحت عناوین جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

۱- تجربه ما در علوم است:

علم را معرفتی منظم خوانده اند که با به کار بستن قواعد و روشهای معین تجربی به دست آمده و روابط پایدار بین اشیا و پدیده های طبیعی، اجتماعی و تفکر را بیان میدارد.

علم بر اساس تجربه و جستجوی رابطهء علت و معلول استوار بوده از نظر علمی معلولی بدون علت نیست. هر گاه دریافت رابطهٔ علت و معلول در مسایل طبیعی باشد، ما با علوم طبیعی (ساینس) سروکار داریم

و هرگاه موضوع دریافت علت و معلول در مسایل اجتماعی باشد، با علوم اجتماعی و هرگاه دریافت رابطهٔ علت و معلول، در مسایل فکری و سلوکی باشد ما با روانشناسی و روانکاوی و هرگاه دریافت رابطهء علت و معلول در موضوعات اجتماعی و فرد می باشد، ما با علوم نیمه اجتماعی سروکار داریم.

البته کلیه علوم فوق بر اساس تجارب و تحلیل های معقول و منطقی و مرتبط باهم به وجود آمده و تحت شرایط معین به صورت یکسان قابل تطبیق و تکرار اند.

تجاربی که تحت عین شرایط قابل تکرار نباشند، قانونمند نه بوده و یک تجربهء علمی گفته نمی شوند. اما با وجود آنهم نمی توان گفت که کلیه، دانش و معرفت هایی که در معرض دید و تجربهٔ اشخاص و افراد نیاید، واقعیت نه داشته و موضوعات علمی نه خواهد بود. بطور مثال تجارب بالای مخلوقات بی شمار خداوند (ج) در کائنات که با امکانات فعلی از محاسبه و تجربهء بشر به دور است.

در حالیکه وسعت و پهنای کائنات و تعداد بیشمار موجودات آن با اینهمه نظم و نسق و زیبائی ها و نسبت ها، خود دلیلی است بر موجودیت خالق و ناظم (پروردگار) یگانه ایکه مثل و مانند و نظیر و شریکی نداشته و مافوق عالم مخلوقات است. خداوند (ج) کائنات را با اینهمه بزرگی و وسعت آفرید، و انسان را در حیات همهء مخلوقات با زنیت علم و عقل آراست و گرایش به علم و تجربه و تحقیق و تفکر

را در نهـاد وی گذاشـت و انسـان را اشـرف المخلوقـات نامیـد و همـه کائنات را در خدمت انسان و برای استفاده و بهره برداری وی قـرار داد تا با تحقیق و تجربهء خود این شایسته گی را بیابـد کـه همـه کائنـات را مسخرو در خدمت خود قـرار دهـد و از نعمـات بیشـمار آن کـه بایـک عالمی از زیبایی، ظرافت و حکمت خلق گردیده، کسب فـیض و بهـره برداری کند. اما این تحقیق ها و تجارب نیازمند زمانی طولانی و امکانـات وسیع و گسترده ایست که در حال حاضـر میسر نبـوده و نمـی زیبـد تـا انسان منکر اینهمه واقعیت ها باشد.

طوریکه دیده می شود آنعده تجاربی که بـا قـدرت دیـد، تحقیـق و تفکر مردم منطبق باشند به سرعت منحیث بخشـی از علـوم مـورد قبـول واقع می شوند و اما آنعده از تجاربی که رابطهء علـت و معلـول در آن کتمان گردد، گاهی منحیث جـادو، شـعبده، طلسـم و عنـاوین دیگـر تلقی می گردد و اکثراً تجاربی ازین دست با استفاده از خواص فزیکی، کیمیاوی و ریاضی اجسام صورت می گیـرد کـه خـود بخشـی از علـوم ساینس چون ریاضی، فزیک و کیمیا را تشکیل می دهد. تفنن، شوخی، سر گرمی و نمایش با غیر پرستی و جادو فرق کلی دارد.

۲- روح پرستی و جادو:

از همان روز های نخستین پیـدایش انسـان بـر کـره ارض تـا کنـون، تعدادی از انسان ها به این عقیده بوده اند که واقعیـت جهـان و کائنـات

معلول نیروی عظیم و بزرگیست که به ارواح مختلف و اشیای مختلف تجسم می یابد و به اثر آن در هر پدیده ئی مقدار معینی از ارواح موجود است. به نظر آنان همه کوهها، رود خانه ها، سنگ ها و درختان، ستاره گانِ آسمان و خلاصه همهء اشکال و صور خارجی، دارای روح اند. همچنان در اکثر ملل قدیم تا کنون عقیده به موجودیت دیو ها و پری ها و داشتن ترس از آنها موجود بوده است.

به نظر بابلیان قدیم (کهن ترین مدنیت جهان در عراق امروزی) همه چیز حتی سیارات هر کدام دارای روحی اند که بر سرنوشت انسانها حاکم اند.

حتی سر جیمز، نویسنده و فیلسوف معاصر غرب نیز می گوید:

"درخواست مساعدت یا خشنودی قوای فوق انسانی به اعتقاد مردم گردانندۀ حوادث طبیعت و حیات انسان ها بوده و به آن مسلط اند"

با عقیده بر موجودیت روح در اجرام سماوی، برخی از قبایل می گویند که گاهگاهی دیو ها بالای مهتاب و دیگر اجرام آسمانی حمله ور می شوند و از همین رو هنگام خسوف (مهتاب گرفته گی) صدای وحشتناکی می کشند تا دیو ها را از حمله بالای مهتاب باز دارند.

کپلر معتقد بود که هر سیاره دارای روحی است و آنرا در مدارش هدایت می کند.

به همین ترتیب انسانهای ابتدایی وقتی جهان را پُر از ارواح دانستند و نتوانستند بر آن مسلط گردند، شروع به جلب رضایت و استمداد از

ارواح نمودند و در بدو امر جادوگری به مثابهٔ فن جنگی روح پرستی ایجاد شد، که برای جلب همدردی ارواح به کار رفته و بر پایهٔ اقتراح (به ذوق خود چیزی را جلوه دادن) و تلقین استوار بوده است.

پس در جادوگری تلقین از افسون، یگانه نیرویی است که هم افسون کننده است و هم فرد معتقد به افسون را به خود می کشاند و چه بسا اوقاتی که این معتقدات به حقایقی نیز مبدل می شوند. به طور مثال افسون کننده در برخی از جوامع بشری برای جلب باریدن باران از بالای درختی آب بر زمین می پاشد و دیگران نیز از وی پیروی می کنند.

تا همین امروز هم در بالکان و بعضی قسمت های آلمان، اگر باران مدتی نبارد، دختر جوانی را برهنه نموده و با تشریفات خاصی آب بر سر و روی او می ریزند و در ضمن بر آن اوراد سحر آمیز و جادویی می خوانند. در سوماترا زنان نازا بچه یی از چوب می تراشند و آنرا در آغوش می گیرند و خیال می کنند که این عمل نازایی آنانرا درمان و تداوی خواهد کرد.

در "مجمع الجزایر بابار" زن نازا عروسکی از پنبهء سرخ درست می کند و چنان وا نمود می سازد که او را شیر می دهد و اورادی بر آن می خواند و پس از آن در قریه اش شایع می سازند که این زن بچه یی زاییده است و دوستانش برای تبریک و تهنیت او می روند.

در میان دایاک ها (بومیان برنئو) اگـر زنـی را درد زایمـان (ولادت) بگیرد، جادوگری را می خواهند تا درد او را تسکین دهد و کـودک را زود به دنیا بیاورد.

جادوگر نزد مریض رفته به خود می پیچد؛ گویی او را هم درد زادن اولاد گرفته است و جادوگر پس از چند دقیقه اظهار درد ساخته گـی، سنگی از کمر خود بر زمین می اندازد و وردی می خواند مبنی بر تعلیم جنین به تقلید از سنگ و بیرون آمدن از رحم مادر.

اتفاقاً برخی از معالجات مشهور و مؤثق تاریخی از روی جـادوگری بوده است. چنانچه یکی از دانشـمندان موسـوم بـه دوکتـور جیمـز جـی والش، این معالجات را در کتاب دل انگیزی جمع کرده و یکی از ایـن معالجات به گونهء مثال آورده می شود. بطور مثال اگـر شـما از جـوش جوانی (بخار های مشهور به جوانی دانه) در سر و صورت خود شکایت دارید، شبها به آسمان صـاف و پُـر سـتاره نگـاه کنیـد تـا سـقوط سـتاره شهاب ثاقب (تیر شیطان یا ذوات الاذناب) را مشاهده کنید و فوراً دست به صورت خود بمالید. همه آن بخار ها از میان خواهد رفت.

در قرون وسطی مردم دشمنان خود را جادو می کردند. بدینگونه که شکل و صورت آنان را از موم می ساختند و بعد آن را سوراخ سـوراخ می کردند. حتی امروز هم مردم تصویر دشمنان خـود را مـی سـوزانند، چنانچه قبایل پروییها این کار را (روح سوزانی) می نامند.

معمولاً مردم یک مؤفقیت جادوگران را بر دهها ناکامی آنان به خاطر می سپارند و همواره یاد می کنند.

جادوگران بعضاً هم بیشتر از مردم عام و عادی به جستجوی علل و نتایج نمایش ها می پردازند و برای مقاصد مطلوب در جستجوی وسایل و ابزار کاری آن می بر آیند.

جادوگران با به کار بردن برخی از وسایل، ادوات و ابزار مخصوص، مختلف و خود ساخته، چنان وا نمود می سازند که گویا توسط خواندن افسون و تومار های خویش مؤفقیت های خود را انجام می دهند. مثال دیگر آن مارگیران و شعبده بازانی اند که با تولـه زدن های پیهم دور ادور مارها به حدی می گردند که بالآخره ماران از دور خوردن ها، روگردانیدن ها و مراقبت های پیهم خسته شده و سر بر زمین می گذارند تا کمی راحت شوند و آنگاه مارگیر یا شعبده باز دست در گلو و دم مار انداخته و یا جال مارگیری را بالای آن انداخته و مار را به دام می افگند. که بعضاً دندانهای زهری و یا نیش مار را بیرون کشیده و آنگاه چنان تلقی می‌کند که گویا تمام حکمت در افسون و جادوگری وی نهفته است.

اما گاهگاهی از کار بردتلقین، شعبده و تفنن ؛ طبیب، حکیم، ستاره شمار و ستاره شناس، کیمیاگر و کیمیادان های واقعی نیز به وجود آمده است.

بهتر است تمامی اعمال، حرکات و گفتار ساحران و جادوگران را در پرتو نتایج علم و عقل مقایسه نموده و با تحقیق در شعبه های مختلف علوم یا تاریخ علوم آنها را مقایسه نموده و از همان آغاز خود را به سوابق، حقایق و واقعیات فرو بریم و اما اگر زود تسلیم شده و مسایل را زود قبول یارد کنیم، ممکن است بعضی از حقایق را بر گزینیم و از بعضی حقایق غافل بمانیم. چنانچه دانشمندی گفته است:

اشتباه از عجلهء شخص در قضاوت به میان می آید.

پس دیده می شود که جادوگری ها گاهگاهی نه تنها به دانش و نمایش و درامه های جدیدی منجر شده، بلکه یک سلسله رسم ها و رواجهای جدیدی را نیز به میان آورده است.

چنانچه دیده می شود برخی از افسون ها به شکل اعلانات جادوگرانه در آمده و به تکرار آن ها تاکید بیشتر می شود. طوریکه بسیاری از لعن نامه ها (هجو نامه ها) و طلسمات شکل تکامل یافته و افسونگری ها هستند.

آتنی ها برای مواقع فوری که مستلزم استغاثهء فوری از خدایان شان بود، همیشه عده یی محکوم آماده داشتند و اگر قحطی و طاعون و انواع امراض و مصایب دیگر پیش می آمد، دو جنایت کار و مجرم را قربانی می کردند، یکی از طرف مردان قبیله و دیگری از طرف زنان قبیله یونانیان و بیشتر اقوام قدیم از مرده گان خود استمداد می جستند. مردم به جامعهء مرده گان به حدی معتقد بودند که در بعضی از ادیان

مردم به آنها پیام می فرستادند. به ترتیبی که رئیس قبیله غلامی را می خواست و پیامی را شفا هی به او می گفت وبعد سر غلامش را می برید.

اگر در آن پیام رئیس قبیله چیزی را فراموش می کرد، به غلام دیگری گفته و بعد سر او را نیز می برید و گویا پیامش را به این طریق نزد دیگر مرده گان می فرستاد.

این امر با عواطف فرزندی بسته گی داشت که درآن ترس از مرده به تدریج به عشق به مرده و حتی مرده پرستی مبدل گشت.

به همین لحاظ پیامبر گرامی ماحضرت محمد (ص) ازهفت چیزی که مردم را از آن به اجتناب نمودن امر فرموده است، یکی هم خودداری از قتل نفس و دیگری گرایش به سحر و جادو است. زیرا جادو سبب فتنه، تفرقه، بدبینی و بدگمانی بین افراد جوامع انسانی می گردد.

۳- فالبینی و طالع نگری (Astrology)

فالبینی و طالع نگری Astrology فنی است مبتنی بر این فرضیه که گویا حرکات و سکنات سیارات نظام شمسی وسایر اجرام سماوی بر سرنوشت بشر تأثیر مستقیم دارد.

فالبین ها و طالع نگر ها (استرولوجر ها Astrologers) بیش از همه به تأثیر آفتاب (شمس)، مهتاب (قمر) و سیارات پنجگانهٔ دیگر (زحل، مشتری، عطارد، زهره و مریخ) بر سرنوشت بشر معتقد اند.

احتمالاً گنجانیدن آفتاب و مهتاب در قطار سایر سیارات نظام شمسی، ناشی از این اندیشهٔ قدیم بوده باشد که گویا زمین مسطح، هموار و ساکن بوده و تمامی سیارات دیگر به شمول آفتاب و مهتاب به دور آن می چرخند.

فالبین ها که اکثراً خود را منجمین هم می نامند، هر سال و ماه و هفته و روز و ساعت را به یکی از این اجرام هفت گانه منسوب می دانند، و برای هر یک از اجرام متذکره خواص جداگانه یی نیز قایل اند. مانند داشتن خواصی از سعد و نحس، گرمی و سردی، آبی و آتشی، بادی و خاکی، شمالی و جنوبی، شرقی و غربی، جوهری و عرضی وغیره وغیره.



نمایی از بازار تعدادی از فالبین ها در جناح غربی مسجد شاه دوشمشیره(ع) در شهر کابل

فالبین ها اکثراً به طرق مختلف و گوناگون به فالبینی پرداخته و احوالات خیر و شر، خوب و بد، زشت و زیبای زنده گی آیندۀ افراد را پیشبینی می کنند. یکی از این طرق، منسوب ساختن طالع و سرنوشت افراد به یکی از ماههای دوازده گانه است. که برای منسوبین هر ماه؛ چگونه گی طول عمر، تولد، ازدواج، تعداد فرزندان، درجهء استعداد، ذکاوت، ثروت، مسایل خیر و شر، خوبی و بدی، زشتی و زیبایی، سعادت و شقاوت، نیکو کاری و بد کاری و حتی میزان گناه و ثواب وغیره در مردم را نیز پیشگویی می کنند.

معمولاً فالبینی بر چهار طریق صورت می گیرد:

الف- فالبینی بر اساس وقت و زمان تولد

ب- فالبینی بر اساس استفاده از جدولها

ج- فالبینی بر اساس محاسبهء اسم و ولد

د- فالبینی بر اساس بعضی شگون ها

الف- فالبینی بر اساس وقت و زمان تولد:

نمونۀ این گونه فالبینی ها در کشور های مختلف امروزی، در بعضی از روز نامه ها، جراید، مجلات و کتابها نیز به مشاهده می رسد و بر اساس آن یکسلسله پیشبینی هایی در برخی از کتابها و فالنامه ها صورت گرفته که برای متولدین هر ماه، به طور جداگانه می خوانند و به تلقین می پردازند.

ب - فالبینی و طالع نگری بر اساس محاسبهٔ اسم و ولد:

معمولاً درین گونه فالنامه ها؛ اسم اشخاص جمع اسم مادرش به حساب ابجد گرفته شده و بعد از طرح دو ازده گانه، هر عدديكه باقيماند، از ماه اول سال الی دوازدهم، مطابق به عدد باقیمانده به یکی از ماهها منسوب دانسته شده و پیشبینی هایی که مربوط همان ماه است، خوانده می شود.

مسلماً این گونه فالبینی ها و طالع نگری ها با تاریخ پیدایش خط و کتابت در جهان ارتباط داشته و مدتها بعد از اختراع و پیدایش خط و کتابت به وجود آمده است.

هر چند تاریخ دقیقی برای ایجاد نخستین شیوهٔ خط و کتابت در جهان معلوم نیست؛ اما قدیمی ترین نمونه ای از خط و کتابت که از بین النهرین (عراق امروزی) .کشف گردیده؛ به روایتی مربوط به (۳۳۰۰ ق.م) و به روایت دیگری مربوط به (۵۵۰۰ ق.م) شناخته شده و به حیث یک مبدأ در تاریخ بشریت قبول گردیده است.

ممکن روزی بشر به آثاری قدیمی تر از آن نیز دست یابد. چنانچه در این زمینه، تحقیقات باستان شناسی ادامه دارد. گفته می شود که فنیقی ها نخستین اقوامی بودند که در ایجاد خط و کتابت نقش مهمی داشتند و بعد هندی ها، پارسها، یونانی ها و آتنی ها آنرا انکشاف داده و شیوه های دیگری از خط و نوشتن را به وجود آوردند. به همین ترتیب در هر مدنیتی و در هر کشوری انواع و اشکال مختلفی در ازمنه های

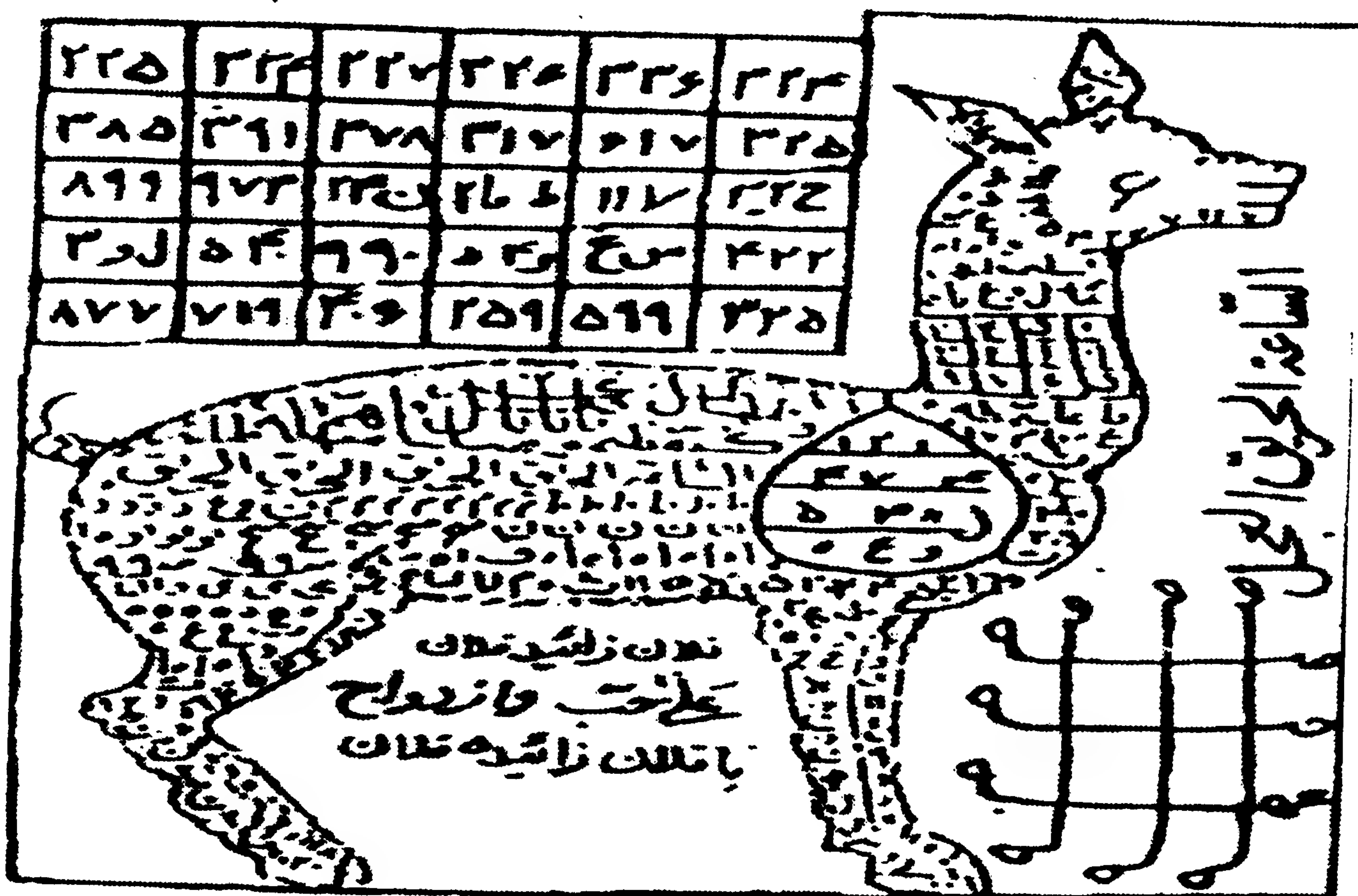
مختلف انواع مختلف خط و کتابت به وجود آمده، گاهی با رشد و انکشاف جوامع و مدنیت ها، راه تعالی و ترقی را پیموده و زمانی هم با سقوط و نزول مدنیتها، از بین رفته و آثار و علایم بجا ماندهٔ آن همچنان ناخوانده باقیمانده است.

از انواع و اشکال این گونه خطوط یکی هم علایم و اشکالی است که در برخی از کتیبه ها و آثار مکشوفهٔ باستانشناسی بدست آمده و به شکل رموز و اسرار نا شناخته باقیمانده است. حتی نمونه ها یی از این گونه اشکال و صور در برخی از رساله ها و کتب فالبینی و تعویذ نویسی ها نیز به صورت نا خود آگاه راه یافته و برخی از فالبین ها و تعویذ نویسان بدون توجه به معنی و مفهوم آن، از آنها به عنوان نقش و طلسم وغیره یاد کرده و در موارد مختلف به کار می برند. در ذیل توجه تان را به یک نمونهء یک از طلسم منتخب از صفحهء ۱۵۲ کتاب میرداماد کبیر جلب می کنیم که نوشتهء آن روی پوست آهو و نگهداری آن در کلاه برای جلب محبت و دوستی مفید خوانده شده است.

چنان معلوم می شود که نگارش این گونه حروف، کلمات و اعداد شاید در زمانش بخشی از یک گزارش یا هدایاتی بوده برای چگونه گی اجرای برخی از اعمال، افعال و اقوال و نیز احتمال احکام و فرامین

مدحیه و یا مرثیه ها یی بوده است که اکنون فالبین ها و تعویذ نویسان امروزی،به غلط وبه طورناخود آگاه این گونه نوشته ها را برای خوردن، دودکردن، دفن کردن و یا درمعرض باد قرار دادن توصیه می‌دارند.

خلاصه از روز گاری که معلوم نیست چه تاریخی بوده و چگونه خط نویسی آغاز و ابداع گردیده و چه تحولاتی را به خود گرفته، ادبیات وسایر میراث های فرهنگی بشر به وسیله خط و کتابت از خطر نابودی مصئون مانده است.



نمونه منتخب از صفحه (۱۱۸) کتاب طم طم هندی که نقش آن بروی لوحی از طلا برای جلب محبت مفید خوانده شده است.

کتیبه های بدست آمده از روز گاران عصر باستان حاکیست که خط در آغاز شکل تصویری داشت، و وقتی خط نویسی آغاز شد، کاهنان و اربابان بسیاری از مذاهب قدیم به شدت با آن مبارزه می کردند و آنرا مایهء فساد و ضرر می پنداشتند، اما دیری نه گذشت که کاهنان با

درک فواید و نیازمندی های آن خود به فرا گرفتن خط اقدام کردند و حتی خط و کتابت را در انحصار خود در آوردند تا اینکه پس از مدتها طبقه یی به نام راویان، مداحان و منشیان در مدح شاهان، بیان قهرمانی ها و شجاعت های گذشته گان و کار نامه های شاهان و شهزاده گان پرداختند و حتی مؤرخان به ثبت اوضاع زمان خود و علاوتاً به شرح حال جنگ های شاهان و شهزاده گان پرداختند و آهسته آهسته تعدادی از منجمین، فالبین ها و طالع نگرها نیز به در بار ها راه یافتند. و درین میان گروه فالبینی و طالع نگر با انسجامی شبیه به یک دستگاه اطلاع رسانی و شبکهٔاستخباراتی در خدمت شاهان و شهزاده گان و در باریان قرار گرفت که سبب دوام و استحکام نظامهای مختلف و متعددی در طی اعصار و قرون نیز گردیده است.

فنیقی ها منحیث نخستین پایه گذار فن خط و کتابت، کلام را به (۲۸) حرف تقسیم کردند. به نظر آنان برای هر حرف ستاره یی و برای هر ستاره اعدادی مقرر است و به ملاحظهٔ، خواص فرض شدهٔ هر یک از ستاره ها، تمامی اعمال خوب و بد، سعد و نحس، ممکن و ناممکن، مربوط به افراد و اشخاص قابل پیشبینی دانسته شد.

آنها برای هر حرف به سه نوع اعداد قایل بودند. که عبارتنداز اعداد کبیر (ابجد کبیر)، اعداد صغیر (ابجد صغیر) که بعد از طرح عدد (۱۲) به دست می آید، و اعداد وسیط که جای هر حرف در جملات معین را نشان می دهند.

جدول آتی تعداد حروف، اعداد و جای هر حـرف را در دایـرۀ حـروف ابجـد (نظیرهء ابجدی) نشان می دهد:

دایره حروف ابجد(نظیرهء (ابجدی)	اعداد وسیط در دایره ابجد	اعداد کبیر	اعداد صغیر
ا	۱	۱	۱
ب	۲	۲	۲
ج	۳	۳	۳
د	۴	۴	۴
هـ	۵	۵	۵
و	۶	۶	۶
ز	۷	۷	۷
ح	۸	۸	۸
ط	۹	۹	۹
ی	۱۰	۱۰	۱۰
ک	۱۱	۲۰	۸
ل	۱۲	۳۰	۶
م	۱۳	۴۰	۴
ن	**۱٤**	**۵۰**	**۲**
س	۱۵	۶۰	ساقط
ع	۱۶	۷۰	۱۰
ف	۱۷	۸۰	۸
ص	۱۸	۹۰	۶
ق	۱۹	۱۰۰	۴
ر	۲۰	۲۰۰	۸
ش	۲۱	۳۰۰	ساقط
ت	۲۲	۴۰۰	۴
ث	۲۳	۵۰۰	۸
خ	۲۴	۶۰۰	ساقط
ذ	۲۵	۷۰۰	۴
ض	۲۶	۸۰۰	۸
ظ	۲۷	۹۰۰	ساقط
غ	۲۸	۱۰۰۰	۴

باید متذکر شد که دایرۀ ابجدی به دلایل مختلف و از جمله به دلیل تحریر نقش ها، استخراج دایره های دیگری چون ابتث، اهطم وغیره و همچنان استخراج جواب از (سوال طریقۀ سؤال و جواب) از همه بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و نزد رمال ها، فالبین ها و طالع نگرها به نام جفر نیز معروف است که انشاء الله در یکی از رساله های جداگانه پیرامون فن جفر ورمل معلومات مفصلی تقدیم خواهیم داشت. قابل یاد آور ایست که دایره های مختلف و متعدد دیگری چون دایرۀ ابتث، اهطم وغیره در موارد مختلف جهت مقاصد مختلف به کار می رود و بحث پیرامون آنها از حوصلۀ این مقالۀ مختصر بیرون است.

ج- فالبینی و طالع نگری به اساس جداول:

معمولاً از مراجعه کننده خواسته می شود که چشم های خود را ببندد و انگشت سبابهء خویش را روی یکی از خانه های دایره ها یا جداولی که فالبین در کتب مربوط نشان می دهد، بگذارد.

سپس فالبین ها به خواندن پراگرافهایی می پردازند که قبلاً در کتاب مربوط گنجانیده شده و باز هم همان چند جملات کلی، یکنواخت و تکراری از گذشته ها و آینده ها و دادن بیم و امید به مراجعه کننده و وعده و وعید ها به انواع مختلف تعویذ ها وغیره و سپس گرفتن پول و مطالبهء نذرانه ها.



د- فالبینی یا طالع نگری بر اساس بعضی شگون ها:

در نزد اکثر جوامع و ملل جهان یکسلسله شگونهایی مختلف و متنوع وجود دارد. مثلاً در کشور ما افغانستان در برخی از خانواده ها آمدن عکه بالای بام و یا دیوار خانه، نشانهء خبر خوش دانسته می شود. و یا آمدن قاصدک نیز نشانهء شنیدن یک خبر خوش هست و بر عکس دیدن بوم و یا آمدن زاغ بر بام و یا دیوار خانهء اشخاص، شگون بد تلقی شده و به هم زدن ناخنها و یا شور دادن کلید ها که نشانهٔ جنگ و جدال و قوله کشیدن سگ که شنیدن خبر مرگ یکی از دوستان عنوان شده و یا خاریدن دست راست نشانهء گرفتن پول و خاریدن دست چپ نشانه از دست دادن پول و یا خاریدن پای راست نشانهء سفر و خاریدن پای چپ نشانهء شنیدن خبر مرگ تلقی شده است و از این قبیل شگون های دیگر.

یکنوع فالبینی دیگری نیز در بعضی از کشور ها معمول است. به طور مثال فالبین یکی از پرنده گان را تربیه نموده است تا حینکه ویرا رها می کند به داخل قفسه یی که در آن فالنامه ها به داخل پاکت ها گذاشته شده است، و یکی از پاکت ها را از جمع دیگران بیرون می آرد و بعد فالبین به خواندن آن پرداخته و از مشتری پول می ستاند.



نمایی از فالبینی توسط پرنده گان در کنار پارک زرنگار شهر کابل

به همین ترتیب برخی از مردم این نشانه ها را وسیله فالبینی و فال نگری می دانند. و معمولاً در هنگام یاس و نومیدی ها به فال نگری و فالبین ها مراجعه نموده و از آنها طالب کمک می شوند، در حالیکه نزد برخی از علماء و دانشمندان فالبینی و فال نگری یک عمل مردود و ساده لوحانه است.

در حــدیثی از رســول اکــرم حضــرت محمــد (ص) آمــده اســت: (کسیکــه نــزد فالبینی برود و چیـزی از او پرسـد، چهـل شـب نمـازش قبول نمی شود).

٤- دعا، تعویذ نویسی و فالبینی نیست:

دعا یا نیایش در حقیقت یک درخواست، آرزو یا خواهشی است از جانب مخلوق به پیشگاه خالق بـی نیـاز بـرای نجات بشـر از مصـایب، مشالفت های زنده گی، رفع مشکلات، برآورده شدن حاجـات، بهبـود، حیات دنیوی واخروی و اظـهار عجز نـزد پروردگـار عالمیـان. دعـا در تمامی ادیان و مـذاهب موجـود است و درآئین نجات بخـش اسـلام، دعایك فـریضـه، یـک وجیبه و یـک سنت پیامبرخـدا(ج) و طریقـهٔ اولیا الله است.

خدای متعال فرموده است:

(الله (ج) را زیاد یاد کنید تا شما رستگار شوید)

سورهٔ مبارك الجمعه آیه مبارکهء/۱۰

رسول اکرم حضرت محمد (ص) فرموده اند:

(به تحقیق که دعا عین عبادت است) و باز هم تأکید می فرماید:

(هیچ چیزی نسبت به دعا نزد خداوند (ج) محبوب تر نیست)

در دعا حکمت های فراوانی موجود است که در همهء آن خیر، سعادت و رفاه بشر مضمر و نهفته است. علاوتاً دعا یک پناه گاه ذهنی و قلبی انسانها برای نجات از مأیوسی ها و نومیدی ها نیز می باشد.

در دین مبین اسلام برای دعا آداب و شرایط خاصی مقرر است؛ چنانکه آمده است:

(چون بنده گوید یا رب! حق تعالی گوید: لبیک عبدی.) و این بعد مدتی باشد یا در آخرت و یا اینکه خیر او در این کار نباشد. زیرا خدای متعال خیر بنده گان خود را بهتر می داند و آنرا موقوف به صلاح و ارادهء خود فرماید.

در دعا نظر خاص به رحمت پروردگار عالمیان باید داشت.

روایت است از رسول مقبول حضرت محمد (ص): چون سوال کنید (دعا کنید) از حق تعالی پس به کف های هر دو دست و نه خواهید به پشت دست ها و چون فارغ شوید از دعا هر دو دست بر روی فرود آرید. هنگام دعا چپ و راست نه نگرید و در دل بیهوده نه اندیشید و به دست بازی نه کنید و جای دیگر نظر نه کنید. آواز بلند نه کنید در دعا الحاح و زاری کنید و دعا کنید که خدایا!

هر چه میخواهم برایم عنایت فرما در عافیت من و رضای خودت، زیرا هر نعمتی که در آن رضای تو و عافیت بنده نباشد، بلا هست و بیماری. به قول حکیم، فیلسوف و شاعر با معرفت نظامی گنجوی:

رهی پیشم آور که انجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

دعا کننده باید از علم و ایمان کامل به خدا (ج) و پیامبر بزرگوارش (ص) بر خوردار بوده پرهیزگاری و تقوی را از دست نه دهد. رزق حلال طلب کند، دروغ نه گوید و اختلاط و همنشینی با مردم کجروش و بد گهر هرگز نداشته باشد. توبه و استغفار و درود بسیار گوید، غیبت نه کند، طهارت کامل داشته باشد. از حسد، کبر و کینه دوری جوید، همیشه خاشع و خاضع بوده و از دربار خداوند (ج) امید قوی داشته باشد که خدای عزوجل مجیب الدعوات و قاضی الحاجات است و هیچگاهی مخلوق را ناامید از رحمت خود نمی گرداند.

متأسفانه طوریکه دیده می شود عده یی از مردم و مخصوصاً زنان بیشتر از دیگران جهت رفع مشکلات و بر آورده شدن حاجات مشروع و نامشروع شان اکثراً نزد فالبین ها، ساحران و جادوگران مراجعه نموده و از آنان کمک و معاونت و حاجت طلب می کنند که طبعاً در نتیجهٔ این امر ناجایز، ناشایسته و قبیح شان هم نقص اعتقادی، هم ضیاع وقت و هم نقص مالی به آنها وارد می گردد.

در دین مبین اسلام نماز بزرگترین و گرامی ترین دعا، صریح ترین راز و نیاز و کوتاه ترین رابطه بین مخلوق و خالق دانسته شده است.

آیات قرآنی، اسما و صفات بی شمار خداوندی(ج) همه دارای حقانیت، شکوه، عظمت و جلال بی پایان بوده و یک وسیلهٔ شفا و صحت یابی افراد از امراض و نجات بشر از مصایب و بدبختی هاست. هر حاجتمندی می تواند خود به آن توسل ورزد و با ایقان و اخلاص به

ذکر آنها پرداخته و خواهان حوایج مشروعهء خود از دربار پروردگار عالمیان گردد. و در یک کلام "دعا مغز و خلاصهء عبادات، سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان در زمین است"

لازمست انسان هر چه می خواهد از خداوند (ج) بخواهد که مالک دنیا و آخرت و ارحم الراحمین است. خدای متعال فرموده اند: " ازمن بخواهید که خواسته و دعای شما را قبول میکنم"

رسول اکرم حضرت محمد (ص) در حدیثی مبارکی فرموده اند که ترجمه آن چنین است:

(بدون شک رب شما حیا کننده و کریم است. وقتیکه بنده دست دعا را نزدش بلند می کند، حیا می کند که بندۀ خود را تهیدست بگذارد) و باز هم می فرماید: "هرکه دعا نه کند، خداوند(ج) از او ناراض می گردد و طبق ارشادات نبوی(ص) دعای اشخاص مجبور نادار بی کس، مظلوم و ستم دیده ولو کافر هم باشد زود قبول می شود همچنان دعای پدر و مادر برای اولاد، دعای حاکم عادل، دعای اولاد صالح، نیکو کار و خدمتگذار پدر و مادر، دعای مسافر، دعای روزه دار در وقت افطار و دعای هر نیکو کار نیز زود تر قبول درگاه حق خواهد شد. انشاء الله

پس هر کاری را باید با یاد و نام خداوند (ج) آغاز کنیم و برای رضای خداوند (ج) انجام دهیم و از خداوند (ج) یاری و کمک بخواهیم و جز از درگاه خداوند (ج) به هیچکسی امید وار نباشیم و

هیچگاهی امید خود را از خداوند (ج) قطع نه کنیم تا کامیاب و سعادتمند گردیم. درست است که دعا با قرائت آیات قرآنی و ذکر اسمای خداوند (ج) از ارج و اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا قرآن مجید منحیث جامع ترین و کامل ترین کتب آسمانی، کلی ترین قانون نامه و وسیع ترین آئین نامه و هدایت نامهٔ آسمانیست که نه تنها برای هدایت و رهنمایی مسلمانان، بلکه برای هدایت و رهنمایی تمام افراد بشر نازل گردیده و کلام بر حق خداوندیست. علاوتاً قرآن وسیلهء نجات، شفا و رحمت برای مؤمنین نیز می باشد.

نوشتن آیات قرآنی روی پارچه های کاغذ، تکه یا پوست حیوانات به عنوان تعویذ و به منظور اخذ جنس و پول، مردود است. زیرا از یک جانب حفظ و نگهداشت آیات کلام الله مجید به شکل تعویذ و کاغذ پاره های جداگانه مشکل و حتی نا ممکنست و از جانبدیگر گرفتن پول و اجناس در برابر آن بی احترامی به آیات قرآنی است. همچنان نوشتن اعداد و اشکال روی کاغذ پاره ها و تکه ها و پوست حیوانات به عنوان تعویذ و توتکه و طلسمات وغیره و اخذ پول و اجناس از مردم، جز خدعه و فریب مردم چیز دیگری بوده نمی تواند.

شاید دیده باشید فالبین ها، ساحران، جادوگران و تعویذ نویسانی را که چند جملهٔ کلی را برای همه تکرار می کنند. مثلاً سفری در پیش داری، خطری را سپری کرده ای، مفلس و قرضدار هستی، مسافری داری که دیریست از وی خط و احوالی نداری، مریضی داری، دشمنی

داری که تشنهٔ خون توهست و ترا جادو کرده و چیزی خورانیده است، دست بی نمک داری، به هر که دوستی و نیکی می کنی او در حق تو بدی می کند، کسی را دوست داری و او نسبت به تو بی اعتنا است، تو را کسی با این نشانی... جادوی سختی کرده که باید کشیده شود و امثال اینگونه موضوعات که بسیاری از مردم و مخصوصاً زنان به این جملات فالبین ها و تعویذ نویسان مزد بگیر، زود فریفته شده و پول های گزافی را در این راه به مصرف می رسانند و چه بسا مواردی که مورد سؤ استفاده بعضی ازین شیادان نیز قرار می گیرند.

دوستی را می شناسم از دیار هجرت جناب خواجه صاحب که صادق، نیک سیر، صاحب مطالعه و اهل قلم نیز هست.موصوف باری در جمع همکاران حکایه کرد، که زمانی نزد یکی از این قبیل فالبین ها در پشاور رفتم، که به دفع سحر و کشیدن جادو معروف و شهرهٔ شهر بود و آن فالبین به وی نیز گفته بود که ویرا جادو کرده اند، مبلغ پنجصد روپیه از وی مطالبه کرده بود تا جادوی نوشته شده و مدفون را بکشد.

خواجه افزود: برایم جالب بود که این فالبین و در این غرفهٔ نصب کرده شده در گوشه یی از حویلی محقرش، چگونه قادر خواهد شد تا جادوی نوشته شده و دفن شده در خانه ام را از خانهٔ خود حاضر می کند.

و این دوست برای فالبین گفته است که عوض پنجصد روپیه، هزار روپیه بستان و جادو را فوراً بیرون آر، فالبین بعد از یادداشت نام خودش و نام مادر این دوست، یکی دو روز مهلت خواسته و وعده گذاشته بود که روز چهارشنبهٔ همان هفته مراجعه کند تا جادو را در خانهٔ خود از خانهٔ خواجه بیرون آرد.

به قول این دوست، روز موعود به خانهٔ فالبین رفتم و بعد از انتظار زیاد و تخلیهء غرفهء چو بینش فالبین از خواجه مطالبه کرده است که هر چیزی دید نبایدبترسد و از جا نجنبد و بعد فالبینی مذکور به شور دادن سر و کله و دهان پرداخت و بعد از دقایق طولانی مشاهده کرد که غرفه زلزله وار به جنبیدن افتاد و به قول خواجه صاحب (فکر کردم زلزله واقع شده و باید چند قدمی به بیرون از غرفه رهپیمود و وقتی سر از غرفه بیرون کردم، دیدم غرفه بر پایهٔ جوبینی استوار است و خانمی در زیر غرفه مصروف شور دادن غرفه است و در این اثنا تعویذی که قبلاً توسط همین فالبین به اسم خودم نوشته شده و در گوشه یی از رفک های بالایی غرفه جابجا کرده بود، به داخل غرفه افتید و فالبین ادعا کرد که تعویذ را توسط خواندن حاضر کرده است، و آنگاه خواهان مبلغ پنجصد روپیه شیرینی خود نیز گردید.

پس دیده می شود که توسل به این گونه نیرنگ ها و حقه بازی ها از یکجانب جعل و فریب با مردم بوده و از جانبی هم در بین مردم تخم

کینه، نفاق، بدگمانی و سؤ ظن را می پاشد که یک کار غیر اخلاقی و غیر انسانی نیز هست، آنهم به منظور ربایيدن پول از جیب مردم.

مردم به این آقایان می گویند که هر گاه اینقدر آگاه و دانسته هستید که از حال و احوال مردم غیب گویی می کنید و تعویذ و جادو را از خانه های مردم بیرون می آرید، لطف نموده چشم به جیب و دست مردم نه دوزید، بروید گنجهای زیر زمین را با فال و غیب گویی خود در یابید که هرگز و ابداً چنین کاری از آنها ساخته نیست.

و خدای متعال فرموده است:

(بگو جز خداوند (ج) هیچیک از کسانیکه در آسمانها و زمین قرار دارند، غیب را نمی دانند) سورهٔ مبارکه النمل آیهء مبارکهء۶۵

واما، چنانکه به ملاحظه می رسد، فالبینان اکثراً به ملاحظهٔ طرز بیان و کلمات مراجعه کننده، هدف و مقصد ویرا حدس می زنند و برای تحمیق آنها، یکمقدار مسایل کلی را از گذشته های افراد بیان می دارند. مانند اینکه یک مریضی سختی را سپری کرده یی، یک خطری را پشت سر گذاشته یی و امثال آن و یکمقدار سخنانی را هم به طور کلی برای آیندهٔ افراد پیشگویی می کنند. مثلاً سفری و یا معامله یی در پیش داری که در آن ضرر خواهی کرد یا مشکلی داری که به کسی گفته نمی توانی و لازمست تعویذ گشایش بگیری وغیره.

آورده اند که فالگیری در زمان لویی شانزدهم پادشاه فرانسه مرتکب خطایی در پیشگویی شده بود و آن خطا به گوش شاه رسید.

لویی شانزدهم (پادشاه فرانسه) امر کرد او را بدربار بیاورند و ضمناً به قراولان دستور داد تا به محض اشارهٔ شاه، فالگیر را از پنجره به بیرون پرتاب کنند.

فالگیر را احضار کردند، لویی شانزدهم از او سؤال کرد. تو که فالبین فهمیدهٔ هستی، بگو به بینم خودت چه وقت خواهی مرد؟

فالبین از لحن کلام دریافت که خطری در کار است و بی درنگ جواب داد: سه روز قبل از اعلیحضرت.

شاه تعجبی کرد و علاوه به اینکه از فرمان قتلش منصرف شد، دستور داد تا کلیهء وسایل حفاظت و حراست فالبین را مهیا دارند.

از یک فالبینی پرسیدند این خطوط و نقشه ها و اعدادی که روی کاغذ یا ظروف یا تخم مرغ وغیره می نویسی، چه رمز و راز و چه تأثیری دارد؟

فالبین گفت:

شاید نه رمز و راز و نه تأثیری داشته باشد و اما اگر مراجعه کننده مریض باشد و تصادفاً بهبودی یابد، رونق بازار ماهست و اگر بمیرد تصور می کنند که مردنی بود و اگر مشکلات خانواده گی و سری داشت، در صورتیکه منظورش بر آورده شد، تصور می کند که تعویذ ما مؤثر واقع شده و اگر منظورش برآورده نه شد. و پس از آنکه مدتهای طولانی نفع مراجعه کننده گان برای ما رسید، آنگاه هم نمی توانند شکایت کنند و اسرار خود را به کسی ابرازنمایند.

۵- کف شناسی (Palmistry):

کف شناسی را نیز اکثر فالبین ها وسیلۀ استفاده جویی و اخاذی قرار داده و حقایق آنرا از نظر ها دور داشته اند.

کف شناسی بر این قیاس استوار است که دست آدمی نمایندۀ صفات و استعداد ذاتی او است و به نظر آنها، در دست هر شخصی علایم و آثاری وجود دارد که نظیر آنها در دست دیگری نیست، بلکه میزان رفتار و کردار، اخلاق و درجۀ استعداد هر فردی را از تولد الیٰ مرگ هم به ملاحظۀ خطوط و رموز دست وی می توان دریافت.

بر اساس این فرضیه ها حتی مراکزی بنام داکتیلو سکوپی Dactyloscopie در بعضی از کشور های اروپایی به وجود آمد. اصطلاح داکتیلو سکوپی Dactyloscopie به مفهوم شناختن اشخاص به وسیلۀ آثار انگشتان دست و پای افراد به کار رفته است. اما کار این مراکز هم تا کنون به نتیجهء مطلوبی نه رسیده و کف شناسی همچنان در بیراهه ها ره می پیماید.

آورده اند که: کف شناسی را برای معالجۀ کودک مریضی بردند، کف دست کودک را اینسو و آنسو مطالعه کرد، نقشه ها و اعدادی را نوشت و به خورد کودک بیچاره داد تا بخورد. با تردسی روی او را پوشانید و برخاست.

آنگاه به والدین کودک اطمینان داد که بچه به کلی خوب شده است و با نیرنگ همه اعضای خانواده را مطمئن ساخت. مبلغ گزافی گرفت و از منزل به سرعت خارج شد.

والدین کودک بعد از مشایعت فالبین. با خوشحالی نزد طفل آمده و **رو کش را از** روی طفل برداشتند، به سر و صورت کودک شان متوجه **شدند، دیدند** که کودک جان به جان آفرین داده و فالبین بی جهت **پولهای ایشان** را **گرفته** است. چنانکه دیده می شود که کف شناسان نیز **یکتعدادی از خطوط** و علایمی را برای پیشبینی طول عمر، تعداد **فرزندان، کسب و کار، چگونه** گی امراض و صحت یابی، نوع و مدت **سفر ها وغیره جوانب زنده** گی افراد، فرض کرده اند، اما نمی شود **چگونه گی تمامی زنده گی انسان،** محیط و خانوادهٔ آنها را بر اساس **خطوط فرضی دست و پا خلاصه کرد.**



کف شناسی **به یک** پیشه نان آور و کار روادر گوشه های مختلف شهر کابل مبدل گردیده است.

اگر شرح تمامی حال و احوال زنده گی مردم در خطوط دست و پای آنها نوشته می شود، پس نباید شباهتی در حوادث مرگ ومیر و دیگر حوادث زنده گی مردم در کار باشد. زیرا طوریکه به ملاحظه می رسد، خطوط دست و پای هیچ فردی به خطوط دست و پای افراد دیگری مطابقت نداشته و کاملاً یکسان نیست. اما روزانه دهها نوع واقعات مرگ ومیر در اطراف و اکناف جهان به وقوع می پیوندد که بسیار مشابه همدیگر اند. به طور مثال در اثر سقوط طیاره یی، دهها تن از سر نشینان آن جان خود را از دست می دهند و یا در اثر وقوع زلزله، صد ها تن از ساکنین یک منطقه جان می بازند. آیا خطوط دست و پای آنها همه یکسان بوده است که در عین حادثه یکسان جان داده اند؟

جواب به این گونه پرسشها نیازمند یکسلسله تحقیقات و تجسس های بیشتری هست که درین مختصر نمی گنجد و اما ذکر یک نکته مهم تلقی می گردد که چگونه گی صحت و امراض، چگونه گی طبایع و برخی از خصایل جسمی و روانی افراد بدون شک با آثار و علایم جلدی و جسمی انسان ها بدون ارتباط نبوده و بلکه قانونمند نیز می باشد، که علایم و خطوط دست و پا یکی ازین موارد خواهد بود و شاید در آینده های دور و با صرف مساعی و وقت بیشتر، چگونه گی ارتباط آنها با زنده گی جسمی و روانی افراد منحیث جزئی از دانش بشر به شکل قانونمند در آید و تا آنگاه دست زیر چشم و دهان هر ناخوانده ملا و هر نا بافته جولابردن کار شایسته یی نیز نخواهد بود.

۶- علم هیأت و نجوم Astronomy:

این علم یکی از رشته های بسیار کهن دانش بشری است که به کمک علم ریاضی، فزیک مخصوصاً جغرافیای فزیکی و علوم معاونهٔ دیگر به تشخیص و تثبیت حرکات و سکنات سیارات نظام شمسی و دیگر اجرام آسمانی می پردازد.

نجوم برعکس آنچه بعضی ها فکر می کنند به تثبیت سر نوشت افراد کاری ندارد و در قطار یکی از رشته های ساینس (علوم مثبته) جا دارد.

بابلیان قدیم یکی از اساسگذاران علم نجوم اند که در آن پیشرفتهای فراوانی نیز کردند. آنها جا های ستاره گان را در آسمان تخمین کردند و نقشه یا مدار حرکات مهتاب، آفتاب سیارات دیگر و چگونه گی کسوف (آفتاب گرفته گی) و خسوف (مهتاب گرفته گی) را ترسیم نمودند. و برای اولین مرتبه بابلیان قدیم ثوابت و سیارات را از همدیگر جدا دانستند.

ثوابت مانند آفتاب بزرگترین اجرام سماوی (آسمانی) اند که دارای نور و حرارت بوده و اجرام دیگر سماوی مانند سیارات، اقمار، ذوات الاذناب ها (نیبولا ها) را دور خود می چرخانند. و به آنها نور و حرارت می بخشند.

سیارات مانند زمین آن اجرام بزرگ سماوی اند که ازخود نور و حرارت نه داشته و نور و حرارت خود را از ثوابت (مانند آفتاب) می گیرند. و در مدار های معین بدور ثوابت در حرکت اند. اقمار مانند

مهتاب آن اجرام نسبتاً خوردتر سماوی اند که مانند سیارات از خود نور و حرارت نداشته و بدور سیارات در حرکت اند. اقمار نیز نور و حرارت خود را از ثوابت "مانند آفتاب" می گیرند.

ذوات الاذناب یا شهاب ثاقب که نزد مردم، به تیر های شیطان نیز شهرت دارند، اجرام نسبتاً کوچکتری اند که در فضای لایتناهی کائنات در حرکت اند. اکثراً دارای نور و حرارت اند و به علت خورد بودن اجرام آنها، بعضاً در ثوابت، بعضاً در سیارات و بعضاً هم در اقمار دیگر جذب می شوند.

نیبولا ها یاگرد و غباری که در فضای بیکران کائنات در حرکت اند. بعضاً به شکل کره های آتشینی دارای نور و حرارت و بعضاً هم نور و حرارتی ندارند و تحت فشار هوا و قوهٔ جاذبهٔ اجرام مختلف بعضاً جذب می شوند. و در حرکت اند.

بابلی های قدیم معتقد به حرکت زمین به دور آفتاب و حرکت مهتاب به دور زمین بودند و بر همین بنا سال را به (۱۲) ماه قمری و ماه را به (۴) هفته و هفته را به (۷) روز و روز را به (۲۴) ساعت تقسیم کردند. بابلیان دایره را نیز به (۳۶۰) درجه و هر درجه را به (۶۰) ثانیه تقسیم کردند.

بابلیان قدیم اولین ساعت آبی و اولین ساعت آفتابی را نیز اختراع کردند. (البته اختراع به معنی ساختن چیزی که در گذشته ساخته نه شده و اکتشاف یعنی شناختن چیزی که در گذشته شناخته نه شده باشد.)

علم نجوم یا علم هیأت (Astrology) با اختراع تلسکوپ کسب اهمیت و شهرت بیشتری کرد.

تلسکوپ از کلمه یونانی تله به معنای دور و اسکوپین به معنای دیدن است. لذا تلسکوپ یک آلهٔ دور بین مانند قوی است که به وسیلهٔ آن می توان اجرام سماوی را از فاصله های بسیار دور به وضاحت مشاهده کرد. تلسکوپ ها انواع و اقسام مختلف دارند و اولین تلسکوپ دنیا به وسیلهٔ هانس لیپرشی Hans Lippershey در (۱۶۰۸) میلادی ساخته شد و در (۱۶۰۹)م گالیلهٔ ایتالوی تلسکوپ جدیدی ساخت که می توانست اشیا را (۳۳) مرتبه بزرگتر نشان دهد. گالیله به کمک تلسکوپ خود بسیاری از اجرام آسمانی، مانند سطح مهتاب، اقمار سیاره مشتری، کهکشان سحابی وغیره را مورد مطالعه قرار دهد.

بعد ها انواع مختلف تلسکوپهای بسیار قوی و کمپیوتری ساخته شد و در حال حاضر بزرگترین رادیو تلسکوپ جهان در انگلستان نصب شده و قطر آن (۸۵) متر است، و با این همه اختراعات و اکتشافات اکنون علم نجوم در قطار سایر علوم مثبته و دانش قانونمند بشری جا دارد و از هر گونه طالع بینی و فال نگری به دور است.

۷- تیاتر و بساط مداری ها:

هنر تیاتر یکی از قدیمی ترین و مؤثر ترین ارکان هنر های نمایشی و یا هنر های زیبا شناخته شده است.

تاریخ مبدا و پیدایش این هنر عجین شده با تکامل زنده گی انسان ها در کرهٔ ارض و گذشته ای بیش از پنج هزار سال دارد.

تیاتر در یونان به عنوان هنری ارزنده تبارز کرد. چنانچه در جشنواره های یونان باستان، خاصتاً در تجلیل هایی از (خدای انکور) و بعداً در تیاتری بنام ARENA که در پای تپه یی اعمار شده و تماشاچی ها دورا دور می نشستند و تماشا می کردند و برای نخستین بار اسم تیاتر روی آن محل گذاشته شد.

درین گونه نمایشها، خوانش اسطوره (افسانه های کهن)، قصاید، داستانهای اجتماعی و انتباهی به طور کلی شکل نمایشنامه هایی را به خود داشتند.

در کشور های مشرق زمین تیاتر بیشتر شکل مذهبی داشته و بالعموم داستانهای مذهبی و شهکار های قهرمانان افسانوی در آن بیان و نمایش داده می شد.

تیاتر در افغانستان حتی در دورهٔ آریانای کهن (۲۵۰ ق.م) وجود داشت. چنانچه تیاتریکه بعد از حفریات آی خانم ظاهر شد. گرچه مؤرخین داخلی و خارجی چیزی های کمتری در مورد آن صحبت کرده اند، اما جسته و گریخته مطالبی را از نوع گردهمایی هایی که به زعم آنان گویا به تیاتر های کلاسیک یونان باستان شباهت داشت، رقم زده اند، چنانچه جمع شدن تماشاچیان در اطراف مداحان، سادهو ها و مداری های دوره گرد و بعد ها در اجتماع خانقاه ها و یا مراسم جشنواره ها و روز های نوروز و میله‌ها، انواع و اشکال مختلف تیاتر در افغانستان را واضح می سازد. به همین ترتیب مداری ها در کشور ما

از دیر زمانی به اینطرف به حیات کوچی گری ادامه داده، معمولاً در زمستانها در جاهای گرم مانند هند و پاکستان و در تابستان بعضاً در کشور ما نیز ره می گشایند و با اجرای نمایش هایی بساط هموار می کنند و با نواختن توله و دهلک مخصوص و به اصطلاح جادویی خود که در میان پارسایان هند و نیز رایج است، مردم را دور خود جمع کرده به اجرای نمایش های شان می پردازند و از مردم پول می گیرند. این نمایشها اکثراً برای تحمیق و اغفال مردم و بدست آوردن پول از مردم برپا می شود. نمایشهای مداری ها را اکثراً شاگردان شان که بنام (جمبوری ها) یاد می شوند، با حرکات خنده دار شان جالب و جالبتر می سازند.

بطور مثال در یکی از نمایش ها وقتی مداری می خوا ست نمایش تازه یی را اجرا کند بالای شاگردش صدا می زد:

جمبوری بچیم؟

جمبوری: جی استاد.

مداری: نامت چیست؟

جمبوری: جی استاد نامم (...) است.

مداری: چند بیادر داری؟

جمبوری: سه بیادر دارم

مداری: چند خواهر داری؟

جمبوری: سه خواهر دارم.

مداری: یک خواهر ته به مه نمیتی؟

همه حاضرین می خندند، و جمبوریٔ می گوید:

نی استاد جی اجازه مادر و پدرم نیست.

باز هم مداری به شوخی پرداخته می پرسد: جمبوری بچیم.

مداری: چند مادر داری؟

جمبوری: سه مادر دارم.

مداری: چند پدر داری؟

جمبوری: سه پدر دارم.

تماشاچیان همه می خندند و آنگاه مداری با خشونت، به دو و دشنام می پردازد که آدم حلالی سه پدر ندارد.

جمبوری: هان استادجی، غلط کدم یک پدر دارم؟

معمولاً مداری ها ضمن چند دوره نمایش و جمع کردن پول در جریان نمایش ها یک دوره دواهاء و در دوره های دیگر تعویذات گوناگون را با تعریفات اغراق آمیز با گرفتن تأیید و تصدیق جمبوری ها و شاگردان و گماشته گان شان در بین تماشاچیان، به فروش می رسانند و از مردم پول می گیرند.

جالبترین قسمت نمایش مداری ها، زمانی هست که مداری توله خود را به اصطلاح بندمی کند و یکی از گماشته گان و یا جمبوری های مداری که در جمع تماشاچیان نشسته است، ادعا می کند که وی تولهٔ مداری را بند کرده است.

آنگاه مـــداری با الـــحاح و زاری که گویا (ما چوچـه دار هستیم، چرا ما را آزار می دهید، و تولهء ما را بند می کنید) و یا اینکـه بـه حـال خود رحم کنید و آنگاه از همـدیگر بـه مسـابقه دعـوت مـی کننـد و از مردم پول می خواهند.

معمولاً نمایش های مداری ها با کشیدن مار و موش خرما و به وعدهٔ اینکه آنها را جنگ می اندازند به پایان می رسد. در جمع شعبده بـازان مشهور افغان، خاکیشاه مداری و محمد علی شناور را می توان نام برد.

فصل دوم:

پاره ای از نمایشهای تفننی و طرز اجرای آن

اساساً شعبده یا شعبذه و شعوذه به معنی نیرنگ، تردستی، حقه بازی، افسون، سحر و جادو نیز آمده و در اصطلاح عامهٔ مردم به معنی چشم بندی نیز به کار می رود.

شعبده یکی از نمایشهای بسیار کهن تفننی به شمار می رود که جهت بذل شوخی، تفریح و سرگرمی مردم به وسیلهء برخی از هنرمندان و صنعتگران قدیم به وجود آمده است.

در تاریخ تمدن بشر، فن شعبده هزاران سال قبل از پیدایش هنر تیاتر در کشور ها، مجامع و محافل مختلف رواج داشت و بیشتر در دربار شاهان، شهزاده گان و امپراطوران نامدار، جهت تفنن و سرگرمی آنان به کار می رفت. آهسته-آهسته به یک فن و هنر مردمی جهت تفریح و سرگرمی مردم، در کوچه ها و پس کوچه ها ره یافت.

اکنون در کمتر جوامعی هست که شعبده و تفنن وجود نداشته باشد. چنانچه از کوچه ها و پس کوچه های شهر ها و دهات گرفته تا سالونها و تیاتر های نمایشی، پردهٔ سینما، صفحات تلویزیون ها، ویدیو ها و حتی شبکه های جهانی انترنت،

در ذیل برخی از نمایشهای تفننی و رموز آن به بحث گرفته می شود تا خواننده های عزیز در موقعی که آنهـا را روی پـردهٔ تلویزیـون و فلـم های نمایشی و یا در میدان شعبده بازی ها مشاهده می کنند، به رموز آن پی برده و جوانب علمی، تجربی و میکانیکی آنرا نیز از یاد نبرند.

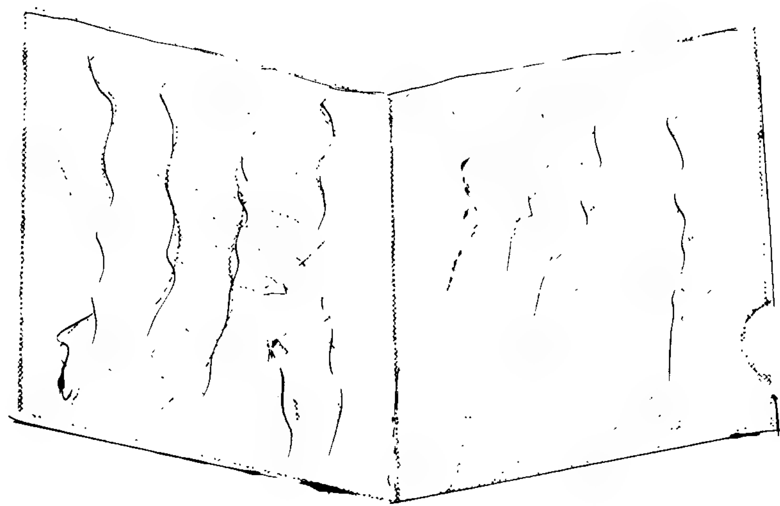
۱- کتابچه جادویی:

شعبده باز کتابچه یی در دست دارد. کتابچه را طـوری وا نمـود مـی سازد که گویا با گفتن "فر" و تکان دادن آن بالای زمین، میز، دیـوار و یا بالای سر یکی از تماشاچیان، کاملاً سفید می سازد. و در تکان دومی مملو از نوشته ها ساخته شما را به تعجب وا می دارد.

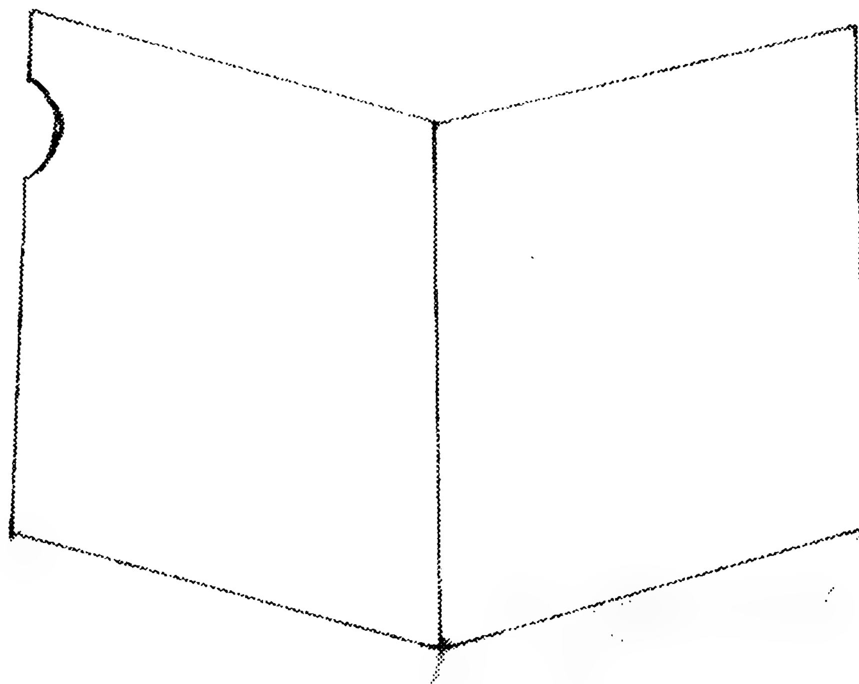
طرز اجرا:

کتابچه به هر قطع وصحا فتی که باشد، ممکنست این عملیهٔ جادویی گونه بالای آن تطبیق شود و معمـولاً شـعبده بـاز کتابچـه یـی بـا قطـع و صحافت جیبی را ترجیح خواهد داد، مخصوصاً کتابچه هایی که دارای کاغذ نرم و افتیدهٔ، خط دار و ضخیم باشند.

شعبده باز مطابق شکل (۷) هر دو صفحه بعد را خـط خـط نمـوده و مطابق شکل (۸) هر دو صحفه بعدی را سفید گذاشته است.



شکل (۷) نمونه ای از صفحات خط خط شده که کناره‌ء راست پایانی آن به شکل نیمه مقوس قیچی شده است



شکل (۸) نمونه ای از صفحات سفید گذاشته شده که کناره‌ء چپ بالایی آن به شکل نیمه مقوس قیچی شده است.

و به این ترتیب شعبده باز کتابچه را از شروع الی ختم، دو صفحه را خط خط نموده و دو صفحه را سفید گذاشته است.

همچنان شعبده باز هر یک صفحهٔ بعد را از قسمت نزدیک به انجام پایانی صفحات، مطابق به شکل کناره های قیچی شده صفحات (۱ و ۲) قیچی نموده است تا هنگام صفحه گردانی، یک صفحه باز و صفحهٔ دیگر باز نشود.

در جریان نمایش شعبده باز انگشت بزرگش را روی یک طرفی از کتابچه که قیچی شده است می گذارد و با سرعت و مهارت کتابچه را الی ختم صفحه گردانی می کند. درین جریان صرفاً صفحاتی باز می شود که خط خط شده است و تماشاچیان چنان فکر می کنند که کتابچه تماماً مملو از نوشته ها هست.

بعد شعبده باز با چالاکی دست و لاف و گزاف گویی ها، بدون اینکه شما احساس کنید، کتابچه را بادست دیگر گرفته رو گردان مینماید و آنگاه انگشت بزرگش را بالای کنار دیگر کتابچه، جایی که قیچی کاری شده است، گذاشته و کتابچه را الیٰ ختم، صفحه گردانی می کند. درین اثنا صرفاً صفحاتی باز می شود که سفید گذاشته شده است، و شما چنان فکر می کنید که کتابچه کاملاً سفید شده است و شما را متعجب خواهد ساخت.

متوجه باشید که ساحهٔ قیچی شده با ظرافت خاصی به شکل نیمه مقوس مطابق اشکال ۷ و ۸به طول تقریباً ۳-۲ سانتی متر و قطر ۳-۲ ملی متر قیچی گردیده است.

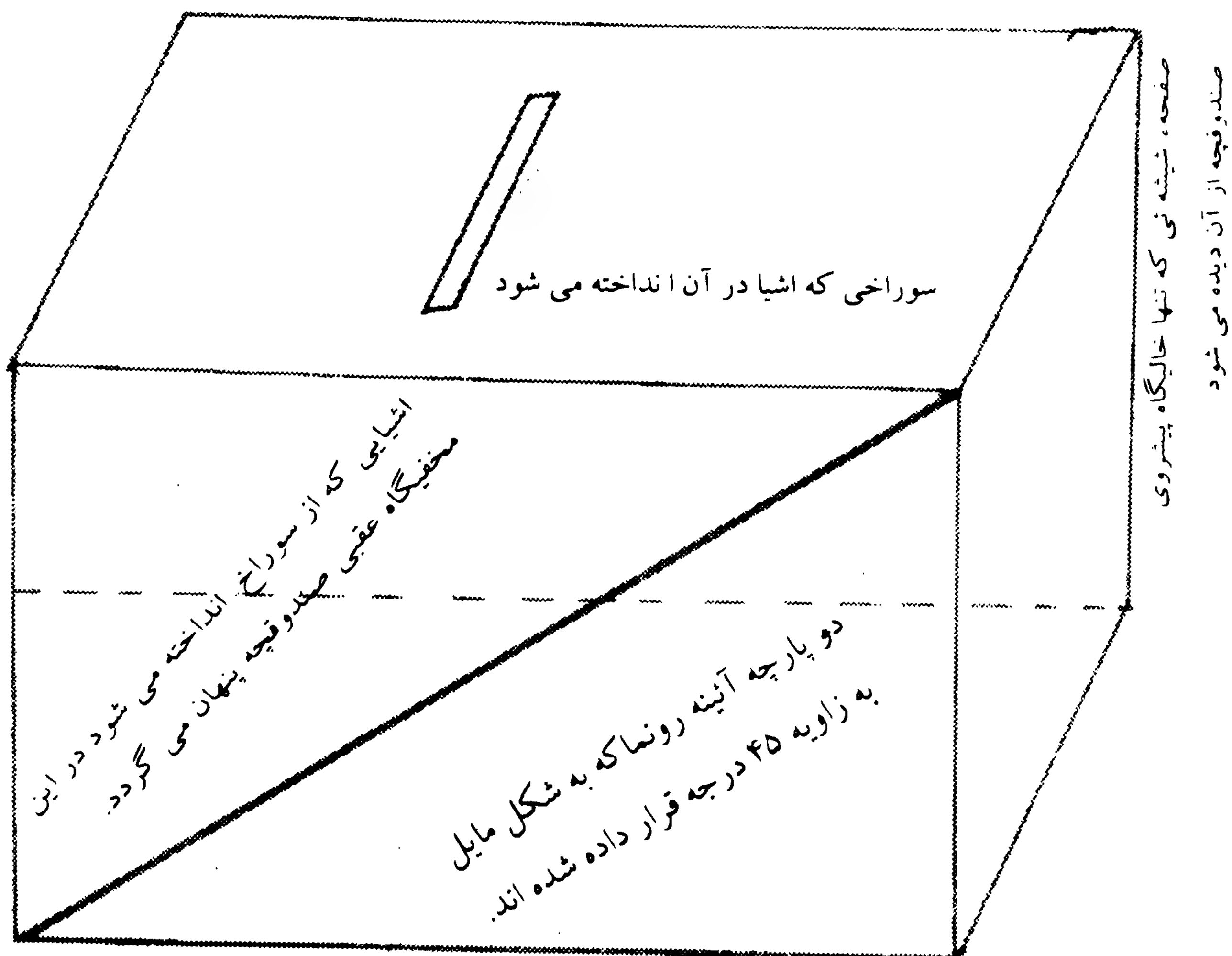
۲- صندوقچه ای جادویی:

شعبده باز قوطی آئینه بندانی را به شما نمایش خواهد داد که درست مانند یک خانهٔ روشن آئینه بندان می درخشد و شما می توانید آنرا در یک کنجی بالایی اتاق یا الماری نیز بگذارید. شعبده باز پیوسته سکه

های فلزی را در سوراخی که در قسمت بالایی آن صندوقچه گذاشته شده است می ریزد، ولی در داخل این صندوقچه تمام این سکه ها ناپدید می گردند که باعث تعجب شما خواهد شد.

طرز اجرا:

صندوقچه در اصل از (۶) پارچه آیینهٔ رونما و (۱)پارچه شیشه عادی هم سطح و هم قد به شکل یک صندوقچه آیینه یی مکعب مانند و یک پارچهٔ آیینه نسبتاً طویلتر به اندازهء خط مایل بین صندوقچه ساخته شده است. صندوقچه کاملاً به شکل یک مکعب به هم چسپیده و در وسط آن (پارچه هفتم آیینه) به شکل مایل به زاویه ۴۵ درجه بالای راس یا قاعدهء صندوقچه که آنهم یک پارچهء آیینهء رونما است. در وسط صندوقچه قرار داده شده است.



نمونه ای از یک صندوقچهء جادویی

نظر به قانون انکسار نور، از قسمت پیشروی تصاویر قسمت بالایی و پایانی صندوقچه روی صفحه آیینه مایل افتیده و صندوقچه به شکل مکمل چهار ضلعی معلوم می شود. در حالیکه صندوقچه توسط همین آئینه مایل به دو حصهء مساوی مثلث گونه تقسیم شده و در نیمهٔ بالایی صندوقچه در عقب، یک خالیگاه مخفی وجود دارد که سکه ها در قسمت عقبی آیینه مایل قرار می گیرد و چون در قسمت عقب آیینه، مایل قرار گرفته است، سکه ها به چشم نخورده و باعث تعجب بیننده ها خواهد شد.

۳- گم کردن سکهٔ فلزی:

شعبده باز سکهٔ خورد فلزی را از جیب بیرون آورده و به شما نشان خواهد داد تا از حقیقی بودن سکه مطمئن شوید. سکه را روی میز می گذارد و آنگاه قوطی گوگردی را که روی میز قرار دارد و یا از جیب دیگرش بیرون آورده سگرت خود را با آن روشن می کند و بعد قوطی گوگرد را روی سکه می گذارد.

پس از چند لحظه لاف و گزاف قوطی گوگرد را از روی میز بر می دارد اما از سکهٔ پول فلزی خبری نیست. سپس با لاف و گزاف بیشمار اظهار می دارد که سکه را به هوا فرستاده و یا در جیب خود و یا یکی از تماشاچیان گذاشته است. وقتی او جیبش را تفتیش می کند، و یا

جیب یکی از تماشاچیان گماشتهء خودش را تلاشی می کند، سکه را از جبیش بیرون آورده شما را غرق تعجب خواهد ساخت.

طرز اجرا:

شعبده باز قبلاً یک پارچه آهن ربا را در بین قوطی و زیر چوبک های گوگرد پنهان نموده و حتی با اسکا جتیب محکم نموده و روی آن چوبک های گوگرد را گذاشته، وقتی قوطی گوگرد را روی سکه می گذارد، سکه در زیر قوطی گوگرد چسپیده و آنرا بر می دارد.

شخصیکه از جیبش سکه را بیرون می کند، همکار شعبده باز است که سکهء دیگری را در جیش دارد و شعبده باز آنرا بیرون کرده تعجب شما را بیشتر میسازد.

۴- آفتابهٔ خالی پرُ آب می شود:

شعبده باز آفتابهء فلزی خالی گونه را به نمایش می گذارد و آنرا سر چپه نموده و از نوله پف می نماید. گویا کاملآ خالی هست. سپس با توله و دهلک و لاف و گزاف های بیشمار توله را در داخل آفتابه نموده و گو یا چیزی را می کوبد و آب از دریای فرات و یا دریای گنگا و جمنا می خواهد و تماشاچیان می بینند که در آفتابه آب زیاد پیدا می شود و حتی دو بار و سه بار آنرا سر چپه و سر راسته نموده و آب از آفتابه بیرون می ریزد.

طرز اجرا:

داخل آفتابهٔ فلزی یک پردهٔ لوله مانند فلزی نصب گردیده که می تواند مقداری از آب را ذخیره نماید و تمام آب آفتابه و خریطهٔ پلاستیکی که در آن گذاشته می شود، بیرون نیاید. مقداری آب در داخل یک خریطهٔ پلاستیکی به داخل آفتابه قبلاً جابه جا شده و سر آن نیز محکم بسته شده است. وقتی آفتابه را قبل از نمایش سر چپه و سر راسته می کند، چون سر خریطهٔ پلاستیکی بسته است، آب نمی ریزد.

شعبده باز پس از مطمئن ساختن تماشاچیان که گویا آبی در آفتابه موجود نیست، شروع به لاف و گزاف نموده گویا توسط توله آب از دریای دجله و فرات و گنگا و جمنا می آرد و به داخل آفتابه می ریزد و درین حال تولهٔ فلزی اش را محکم محکم به داخل آفتابه مانند هاون می کوبد. در این حال خریطه سوراخ شده و آب بافشار توله به بالا می پرد و آفتابه مملو از آب می شود. آفتابه را چندین مرتبه سر چپه و سر راسته می کند، آب به دفعات از داخل آفتابه به بیرون می ریزد و پردهٔ فلزی را که قبلاً در داخل آفتابه نصب نموده، مانع افتیدن خریطه و مانع یکباره خالی شدن آب می گردد.

۵- اره کردن بدن انسان:

این بزرگترین و وحشت انگیز ترین نمایشی خواهد بود که در فن نمایش ها اجرا می شود و یک انسان بیچاره را در مقابل چشمان وحشت زدهٔ تماشاگران اره می کنند.

به فرمان شعبده باز صندوقی روی میز بزرگی به تالار یا میدان نمایش می‌آورند. آنگاه خانم یا آقایی را فرمان می دهد تا در بین صندوق دراز بکشد. صندوق در چهار طرف خود پنج سوراخ دارد و در قسمت بالایی صندوق ؛ سوراخ بزرگی برای بیرون کردن سر، در قسمت پایینی صندوق دو سوراخ برای بیرون کردن پاها و در دو طرف بالایی دیگر دو سوراخ برای بیرون کردن دو دست.

به دستور شعبده باز سر صندوق بسته می گردد و از شخص مذکور خواسته می شود تا سر، دستها و پاهای خود را از سوراخ های صندوق بیرون بکشد. بعداً از وی خواسته می شود که سر، دست ها و همچنان پاهای خود را حرکت دهد.

سپس ارهٔ بزرگ چوب بری دو نفره را می آرند و با وجود گریه، زاری و نالهٔ شخص مذکور، صندوق را به دو نیم اره می کنند. خون های زیادی از صندوق جاری می شود وقتی دستها و پاهای شخص داخل صندوق از حرکت باز ماند. صندوق دوپارچه شده را از هم جدا می کنند. بعداً به دستور شعبده باز صندوق های بریده شده را دو باره با هم یکجا نموده و با هم میخ می کنند.

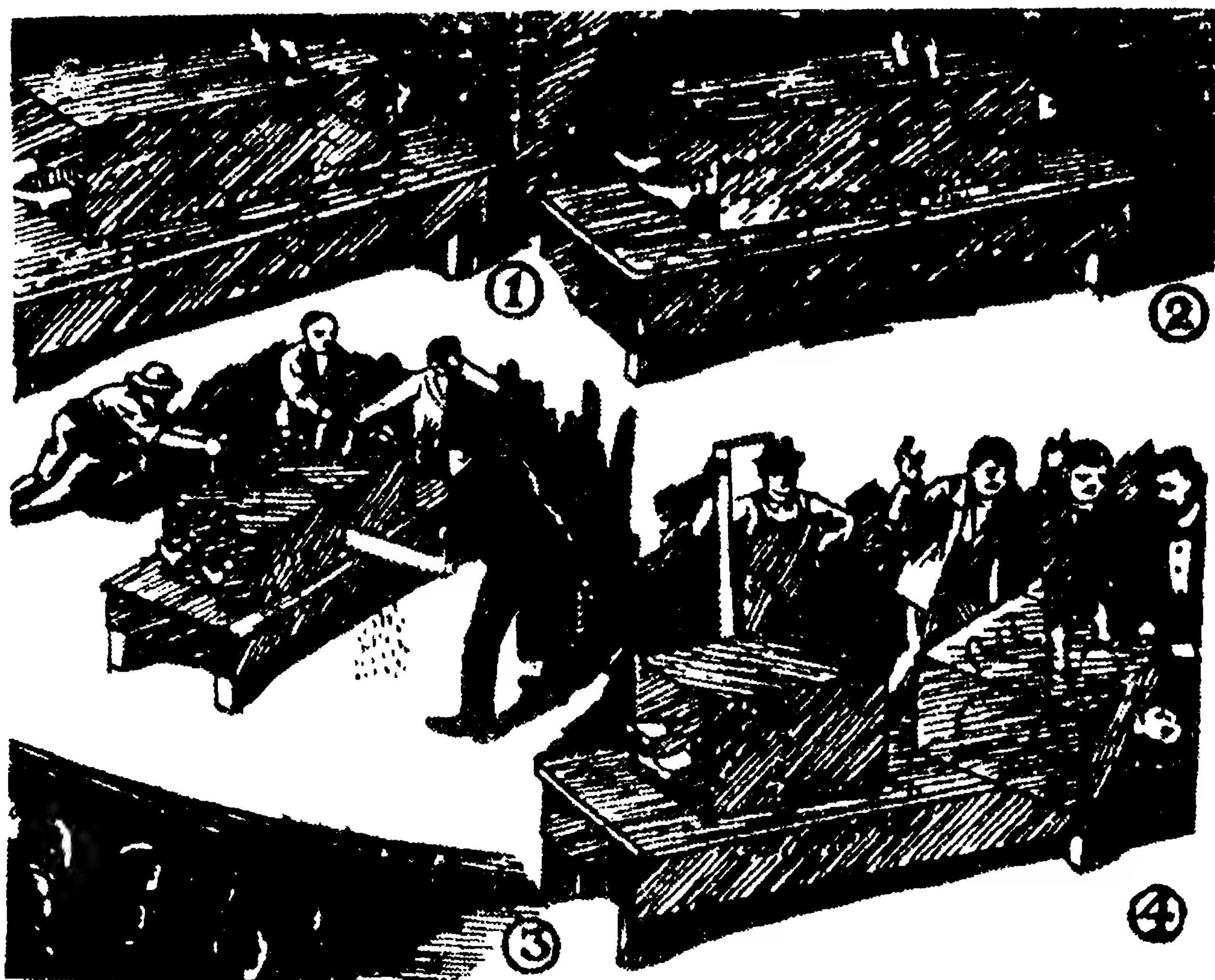
آنگاه شعبده باز به جسد دو نیم گونهء مذکور هدایت خواهد داد که سر، دستها و پاهای خود را جمع نموده و از صندوق خارج شود و چنان هم می کند. شخص مذکور دوباره سر، دستها و پاهاي خود را از سوراخ ها، داخل صندوق نموده و صحیح و سالم از صندوق مي برآید. و شما را متعجب خواهد ساخت.

طرز اجرا:

صندوق خیلي بزرگ است و یک نفر قبلاً در بین آن خوابیده است، وقتي شخص دومی در محضر مردم داخل صندوق گردیده و برایش دستور داده مي شود تا سردتها و پاهای خود را از سوراخهای صندوق بیرون بکشد، شخصی اولی که قبلاً در صندوق مخفی گردیده به داخل صندوق نشسته و پاهاي خود را از سوراخهای پایانی صندوق بیرون مي کشد.

و شخصي که در محضر تماشاچیان داخل صندوق مي شود، سر و دستهاي خود را از سوراخ هاي بالایی صندوق بیرون مي کشد و پاهایش را روي شکم خود جمع مي گیرد.

البته صندوق از قسمت وسط یعنی جایي بریده مي شود که هیچیک از قسمت هاي بدن آن دو نفر در آن قرار ندارد. صرف یک خریطۀ خون رنگ در آن قسمت وجود دارد که در جریان اره کردن صندوق خریطه از هم دریده و رنگ خون جاري مي شود.



وقتی دو پارچهٔ بریده شدهء صندوق باهم وصل می گردند و به دستور شعبده باز دستها و پاهای خود را به داخل صندوق می کنند، شخص دومی که به دستور شعبده باز در محضر تماشاچیان داخل صندوق گردیدهِ بود، دوباره صحیح و سالم از صندوق خارج می شود و شخص اولی همچنان در صندوق مخفی است.

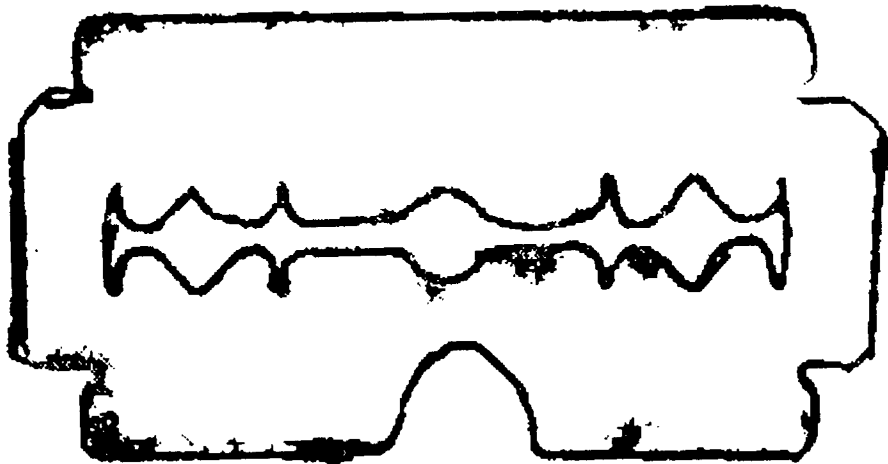
۶- فرو بردن پاکی در دست، گوش و یا بینی:

شعبده باز شاید پاکی یی را در دست گرفته و بعد از نشان دادن به شما، پاکی را در دست، گوش و یا در بینی خود فرو برد.

بدون اینکه قطره یی از خون وی به زمین بریزد و شما را متعجب و متأثر خواهد ساخت.

طرز اجرا:

پاکی به اندازۀ یک کلک دست و یا به اندازه یی که صرف گوش و یا بینی شعبده باز در آن داخل شود، از یک جناح وسطی پاکی مطابق شکل ذیل قطع شده است.



هنگام نمایش شعبده باز قسمت قطع شده را در دست خود پنهان میدارد و ساحۀ کامل را به شما نمایش خواهد داد. و برای نمایش به آهسته گی انگشت، گوش و یا بینی خود را در قسمت قطع شدهٔ پاکی داخل می نماید آنگاه چنان معلوم می شود که پاکی در داخل بینی، گوش و یا دست شعبده باز فرو رفته و شما را غرق تعجب خواهد ساخت.

۷- فرو بردن کارد یا شمشیر در بازو:

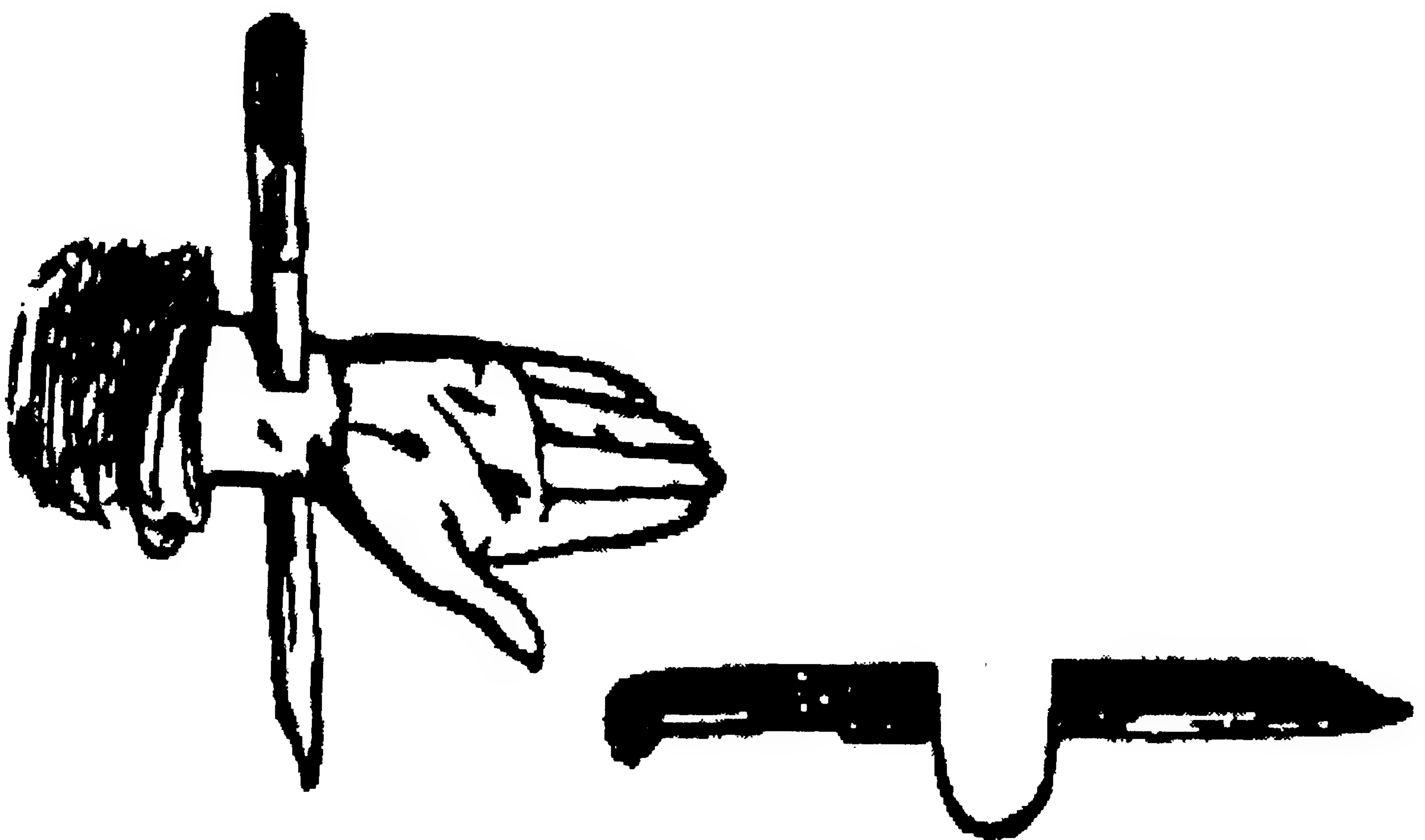
شعبده باز شاید ادعا کند که می خواهد کارد یا شمشیر را در بازوی شاگرد (جمبوری) خود فرو برد. کارد یا شمشیری را می گیرد و با آن قطعه چوبی را پارچه پارچه می کند.

شاگرد هر قدر مي خواهد كه تا از اين كار منصرف شود، شعبده باز نمی پذیرد.

شاگردش با آه و ناله بازویش را به تماشاچیان نشان می دهد که کارد یا شمشیر در آن فرو رفته و شما را حیرت زده خواهد ساخت.

طرز اجرا:

کارد یا شمشیر دو قبضه است، یکی اصلی و معمولی که قبلاً در دست شعبده باز بوده و آنرا به همه نشان می دهد. و با آن چوب را پارچه پارچه می کند، و دیگری تقلبی که در وسط آن بریده گی خاصی وجود دارد و خالیگاه آن توسط دو پارچه فلزی که در عقب آن دو عدد سپرنگ (فنر) قرار دارد، جابجا شده است. و این کارد یا شمشیر دور از چشم تماشاگران نگهداری می شو د.



در اثنایی که می خواهد در باز وی شاگردش فرو برد، کارد و یا شمشیر اصلی را کنار می گذارد و کارد یا شمشیر تقلبی را گرفته و قسمت بریده شده گی اش را در بازوی شاگردش فرو می برد و مانند یک کارد یا شمشیر واقعی معلوم می شود که در بازوی شاگردش فرو برده و شما را متعجب خواهد ساخت.

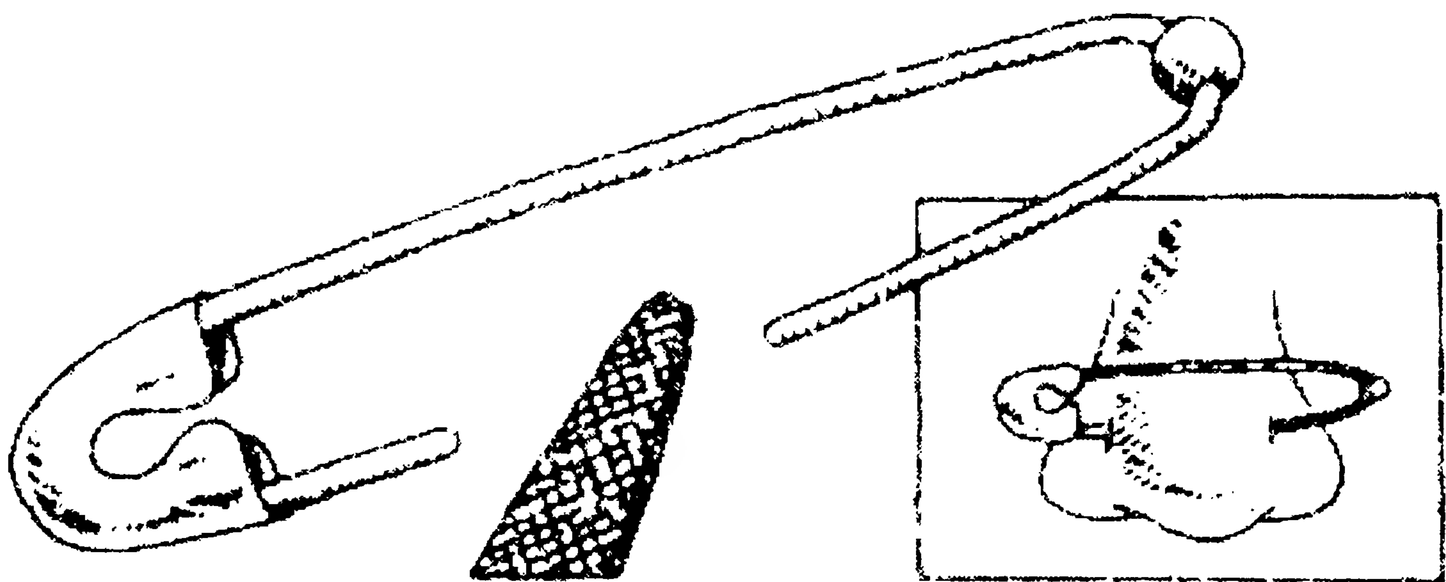
۸- فرو بردن سیخ در بینی، گوش و زبان:

شاید شعبده باز سیخی باریکی را در دست شما دهد که آنرا از نزدیک مشاهده کنید و اطمینان حاصل نمایید که یک سیخ واقعی و فلزی هست. سپس ادعا می کند که این سیخ را از یک طرف زبانش داخل کرده و از طرف دیگر زبانش خارج می کند.

شاید بوتل عطر یا کلونیا را نیز از جیبش بیرون آورده و از آن به عنوان یک دوای ضد خونریزی، ضد درد و ضد مکروب قدری بر زبانش بپاشد و آنگاه شروع به داخل کردن سیخ در زبانش نماید، و به عنوان اینکه شاید بعضی ها تحمل دیدن چنین حالتی را نداشته باشند و ناگزیر است روی خود را به عقب بر گرداند و فوراً روی خود را به تماشاگران نشان خواهد داد که چه سان سیخ را در زبانش داخل نموده است و شما را بیشتر متعجب خواهد ساخت.

طرز اجرا:

شعبده باز دو میل سیخ باریک و همرنگ دارد، یکی عادی و مستقیم که به شما نشان داده است و دیگری تاب وقطع شده که در دست، خریطه یا جیبش پنهان کرده است. البته بعد از مشاهده شما این سیخ عادی را در خریطه یا جیبش پنهان کرده و سیخ تاب وقطع شده را در بینی، گوش و یا زبانش جابجا کرده.



آنگاه سیخ چنان معلوم می شود که گو یا در زبانش داخل شده و از طرف دیگر زبانش خارج شده است.

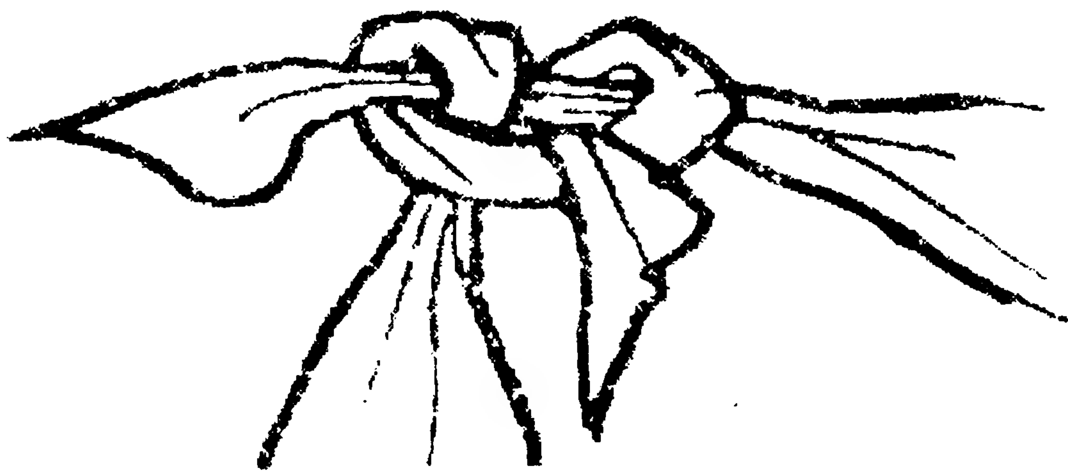
۹- گره کردن دستمال و باز کردن آن با یکدست:

شعبده باز معمولاً یک دستمال نرم و نازک را به شما نمایش خواهد داد. سپس دو کنج مقابل همدیگر را گرفته و دو یا بیشتر از دو گره خواهد زد. یک سر دستمال را خود می گیرد و سر دیگر را به یکی از حاضران مجلس خواهد داد. تا آنرا کش نماید، طوری که کاملاً گره سخت و محکم گردد و هیچکسی توان بازکردن آنرا، حتی بادو دست نخواهد داشت. آنگاه گوشهٔ دیگر دستمال را بایک دست گرفته و بالای همان دست خود می اندازد که گره در یک دستش هست.

آنگاه به آسانی بایکدست در زیر دستمال گره را باز کرده و دستمال را ازدست خود دور میکند. شما خواهید دید که دستمال کاملاً باز هست که این کار شما را به تعجب وا می دارد.

طرز اجرا:

دو انجام مقابل دستمال را طوری باهم گره می زند که هر دو یا بیشتر از دو گره کاملاً به دور یکی از انجام های دستمال گره می خورد و انجامی که دور آن گره می خورد به آسانی از داخل گره ها خلاص شده می تواند.



شعبده باز دستمال را روی دست خود می اندازد و به آسانی همان انجامی را که از داخل گره ها کشیده می شود، کش می نماید گره در دست شعبده باز خلاص می شود. آنگاه دستمال را دور کرده شما را متعجب خواهد ساخت.

۱۰- نی ها یا میله های توله مانند جادویی:

شعبده باز شاید دو عدد میله یانی های توله مانندی را به شما نمایش دهد که از هم کاملاً جدا بوده و هر دو انجام این میله ها توسط کاغذ و یا رابر تیپ پلاستیکی پوشانیده شده تا محتوی داخل آن دیده نه شود. هر یک ازین نی ها یا میله های توله مانند، در قسمت نیمهٔ بالایی خود سوراخی داشته و از سوراخ تاری ضخیمی خارج شده که در انجام آن پوپک گل مانندی بسته شده است.

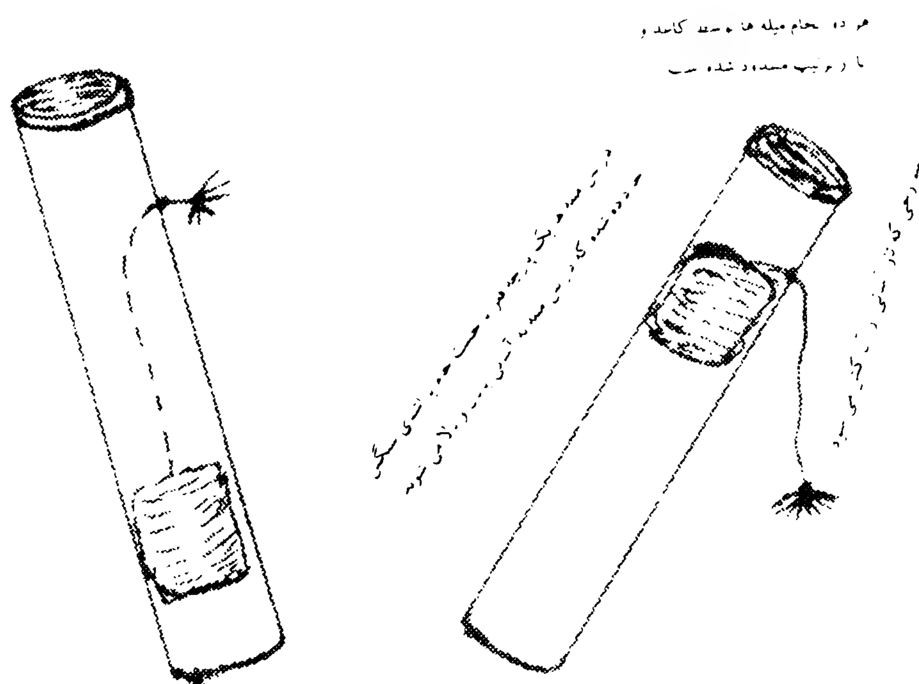
شعبده باز یک یک انجام این میله ها را در یک زاویه تقریباً ۶۰ درجه به یک دست گرفته و با دست دیگر یکی ازین پوپک ها را کش می کند. این تار دراز و دراز تر شده می رود و بر عکس هر قدر این تار کشیده می شود. به همان اندازه تار میلهٔ دوم کوتاهتر شده می رود،

گویی این دو تار و دو میله به هم بسته اند. در حالیکه میله ها را دو باره با دو دست گرفته از هم جدا می کند و شاید شما را غرق تعجب سازد.

طرز اجرا:

در داخل هر یک از میله ها توته های گل خشک میله مانند که به آسانی در داخل میله پایین و بالا شده می تواند، به صورت پنهانی جابجا شده و با یک سر تار ها محکم بسته شده است.

شعبده باز ابتداً هر دو نی یا میله های توله مانند را به زاویهٔ تقریباً ۶۰ درجه در یک دست خود می گیرد.



سپس میله یی را که دارای تار دراز است، به زاویهٔ (۶۰) درجه در دست می گیرد، در هنگام کش کردن تار، میله اولی را به زاویهٔ (۴۵) درجه می خوابانند و میله دومی، آهسته آهسته به شکل قایم راست گردیده و تار آن نیز آهسته آهسته به داخل میله فرو رفته طوری معلوم می شود، که گویا این دو میله باهم مرتبط اند و با کش کردن یکی از تار ها، تار دیگر نیز کش می شود.

۱۱- دانستن چوبک (نخ) گوگردی که شما انتخاب نموده اید:

شعبده باز شاید چند تن را گردهم جمع کند و فرضاً به تعداد (۵) عدد از چوبک های گوگرد را که طور موازی در یک فاصلهٔ معین از همدیگر قرار دارند، به شما نشان دهد. از شما خواهش خواهد کرد که به موافقهء همدیگر یکی از چوبک ها را انتخاب نموده و بالای آن دست بگذارید و خود از اتاق بیرون خواهد شد. وقتی دوباره بر می گردد، مستقیماً بالای همان چوبکی دست می گذارد که شما آنرا انتخاب نموده اید.

طرز اجرا:

یکتن از همکاران شعبده باز حتماً در جمع شما قرار دارد و شاید او بیشتر از دیگران با شعبده باز جار و جنجال و سختگیری هم کند؛ اما در حقیقت دستیار شعبده باز است. و در جمع شما نشسته و هر چوبکی را که انتخاب می کنید، توسط اشاره به شعبده باز می فهماند، بطور مثال شما از راست به چپ چوبک سوم را انتخاب نموده اید. همکار شعبده باز شاید قرار گذاشته باشد که برای اشاره نمودن به چوبک اول دست خود را بر کدام حصهٔ وجود گذارد و برای چوبک دوم و سوم و الی پنجم. فرضاً قرار این باشد که اشاره برای چوبک سوم دست روی دستش گذارد. وقتی شعبده باز بعد از انتخاب چوبک وارد مجلس میگردد، نخست متوجه دستیارش می شود که دست روی دست گذاشته و آنگاه می فهمد که شما چوبک سوم را انتخاب کرده اید و مستقیماً چوبک سومی را برداشته و شما را غرق تعجب و تحیر خواهد ساخت.

۱۲- شکستاندن چوبک گوگرد و دوباره سالم کشیدن آن:

شعبده باز شاید چوبک (نخ) گوگرد سالمی را به شما نشان دهد و بعد از اطمینان تان در مورد سالم بودن آن، چوبک را در بین دامن و یا دستمال جیبی اش پیچانیده و از شما دعوت کند که چوبکی را که در بین دستمال و یا دامنش گذاشته است بشکنید؛ بعد از کسب اطمینان شما در مورد شکستن کامل چوبک؛ دستمالش را باز نماید و چوبک گوگرد را دوباره به شکل سالم بکشد و به شما نشان دهد.

طرز اجرا:

شعبده باز ابتدا چوبک گوگرد دیگری را در بین حاشیه۶ دستمال پنهان نموده است. از اینکه چوبک در بین حاشیۀ دامن و یا دستمال جا سازی شده، بناءً نه شما آنرا دیده می توانید و نه پایین می افتد.

شعبده باز چوبک گوگردی را که به شما نشان می دهد، تقریباً در فاصلۀ ۸-۵ سانتی متر دور تر از حاشیه دستمال می پیچاند و به همان شکل این چوبک ها را در داخل دستمال از هم دور نگهمیدارد و آنگاه به شما چوبکی را می دهد که در بین حاشیۀ دستمال پنهان شده تا آنرا بشکنید، وقتی اطمینان شما در شکستاندن چوبک گوگرد حاصل شد، دستمال را باز کرده و چوبکی را که به شما نشان داده است دو باره سالم بیرون می کشد. چوبک شکسته شده در حاشیۀ دستمال و یا دامنش همچنان پنهان است.

۱۳- قوطی گوگرد پُر یا خالی:

شعبده باز شاید برای روشن کردن سگرت خود به شما قوطی گوگردی را نشان دهد که کاملاً پُر است و یک چوبک آن را بر دارد تا سگرتش را روشن کند.

چوبک گوگرد بدون روشن کردن سگرت در دستش باقی می‌ماند و خود را عمداً به لاف و گزاف مصروف می سازد تا چوبک گوگرد خاموش گردد. آنگاه به طور ساخته گی خود را متوجه سگرت می سازد که تا هنوز دودنه کرده است، دو باره می خواهد چوبک دیگر از قوطی گوگرد بگیرد تا سگرتش را مشتعل سازد، اینبار وقتی قوطی گوگرد را باز می‌کند، متوجه می شود که قوطی گوگرد کاملاً خالی است و چوبکی درآن وجود ندارد و شما را به تعجب و امیدارد.

طرز اجرا:

قوطی گوگرد در دو طرف خود عین مارک یا نشان را دارد تا کسی متوجه نه شود که قوطی سر چپه شده است. زیرا قسمت داخل قوطی یعنی چوبک دانی گوگرد از یکطرف کاملاً خالی هست و در قمست عقبی آن یک صف چوبک های گوگرد پهلو به پهلو محکم سرش گردیده، صرف یک چوبک اضافی روی آن گذاشته شده است.

و چنان معلوم می شود که قوطی کاملاً مملواز چوبک هاست. شعبده باز ابتداء آن رویی از قوطی را باز می کندکه چوبک ها روی آن سرش گردیده است،وقتی یک چوبک جدا شده و اضافی را میگیرد،

درجریان لاف و گزافه گویی ها، به آهسته گی روی گوگرد را دور میدهد و بعداز خاموش شدن چوبکی که روشن کرده است، روی دیگر قوطی را بازمی کندو شمارا متعجب خواهد ساخت که اینبار قوطی گوگرد کاملاً خالی است.

۱۴- قوطی گوگرد خالی:

شعبده باز قوطی گوگرد خالی را به شما خواهد داد که آنرا ارزیابی نموده و مطمئن شوید که در قوطی چوبک گوگردی وجود ندارد.

سپس دست ها، بین انگشتان و حتی آستین خود را به شما نشان خواهد داد تا وا نمود سازد که چیزی در آن وجود ندارد. آنگاه دستش را به پشت سر خود می برد، وقتی پایین می آرد یک چوبک گوگرد همراه دارد و آنرا توسط قوطی یی که قبلاً نشان داده است، می سوزاند و شما را متعجب خواهد ساخت که چوبک گوگرد از کجا شد؟

طرز اجرا:

شعبده باز قبلاً یک چوبک گوگرد را در بین موهای خود پنهان کرده است که در یک فرصت مناسب دستش را به عقب سرش برده و آنرا می گیرد.

۱۵- سر های چوبکهای گوگرد ناپدید می شوند:

شعبده باز قوطی گوگرد را برداشته و شمع روی میز را روشن می کند. بعداً باز هم قوطی گوگرد را باز کرده و چوبکی را از آن برداشته

روشن می کند و قوطی گوگرد را به همه حاضران نشان میدهد که همه دارای سراند و بعد قوطی را تحویل حاضران می دهد. حاضران مشاهده خواهند کرد که همه چوبک های گوگرد بدون سراند و متعجب خواهند شد.

طرز اجرا:

شعبده باز قبلاً سر های همه چوبک های گوگرد را تراشیده و تنها دو چوبک گوگرد را سالم مانده است، یکی برای روشن کردن شمع و دیگری برای روشن کردن نمایش، بقیه همه چوبک ها بدون سراند و صرف کاغذی را که روی آن سرهای چوبک ها رسم شده به جای سر چوبکها گذاشته است.

شعبده باز قبل از آنکه قوطی گوگرد را تسلیم حاضران دهد، آن پارچهٔ کاغذ رسامی شده را با زرنگی از بین قوطی گوگرد بر میدارد. و به این ترتیب گوگردی دارای چوبکهای بدون سر به دست حاضران قرار می گیرد و آنها را به تعجب وا می دارد.

۱۶- قطع کردن رشمه ها یا ریسمان و سالم کشیدن آن:

شعبده باز رشمه یا ریسمان باریکی را به شما نشان خواهد داد و حتی یک انجام آنرا به دست تماشاچیان خواهد داد تا آنرا کش نموده و اطمینان حاصل کنند که فریبی در کار نیست. سپس رشمه را گرفته به شکل دو حلقهٔ جداگانه در یک فاصلهٔ معین هر دو حلقه ها را قرار خواهد داد. آنگاه شعبده باز نقطه های تلاقی رشمه را در دست گرفته و

بعد از گره دادن نقطهٔ تلاقی اولی، از شما دعوت خواهد کرد تا قیچی را برداشته و گویا پارچهٔ تقاطع وسطی را قیچی نمایید. شما حتماً تصور می کنید که رشمه به دو نیم از هم بریده شده است.

بعداً شعبده باز یک انجام رشمه را به شما خواهد داد تا محکم گیرید و بقیهٔ رشمه را آهسته آهسته از قسمت وسط رها کرده والی انجام دیگر که در دست خودش باقی می ماند، رشمه دوباره صحیح و سالم می بر آید که از بریدن آن توسط قیچی هیچ آثاری موجود نیست و با اینکار اسباب تعجب بیشتر شما را مساعد خواهد ساخت.

طرز اجرا:

شعبده باز در مرتبهٔ اولی که هر دو حلقه را در دست میگیرد، حلقهٔ دومی را طوری رها می کند که انجام دومی را روی نقطهٔ تلاقی جعلی در دست دوم می گیرد. و همان انجام دومی را به دور انجام اولی گره می بندد تا به آسانی از وسط آن رشمه را رها دهد.

آنگاه قسمت گره شده را در دست خود گرفته و انجام دومی رشمه را به شما خواهد داد تا آنرا قیچی نمائید. شما فکر می کنید که رشمه از قسمت وسط قیچی شده، در حالیکه صرف همان انجام دومی گره شده قیچی شده است که آن گره را در دست گرفته و رشمه را الی ختم از وسط آن رها می‌کند. در اخیر صرف گره رشمه در دست شعبده باز باقی می ماند که آنرا بازرنگی در جیب خود می گذارد و یا به دور می افگند و به اینترتیب بقیهٔ رشمه صحیح و سالم باقی می ماند و شما فکر

می کنید که هیچ چیزی از رشمه قطع نه شده است، در حالیکه قسمتی از رشمه کوتاه شده است که هر گاه رشمه را در ابتدا اندازه می گرفتید، حتماً مشاهده میکردید که رشمه به اندازهٔ ۵ الی ۱۰ سانتی متر کوتاه شده است.

۱۷- قطع کردن و سوزانیدن دستمال و سالم کشیدن آن:

طرزِ قطع کردن و سوزانیدن دستمال و دستار توسط شعبده باز عیناً مثل طرز قطع کردن رشمه یا ریسمان های باریک است. یعنی دستمال یا دستار را شعبده باز طوری از قسمت وسط به دو حلقه تقسیم نموده و یک انجام آنرا گره می زند،که گویی دستار یا دستمال به دو حلقهٔ جداگانه تقسیم گردیده است.

آنگاه شعبده باز قسمتی از دستار را بین دو دست خود خواهد گرفت و از شما خواهد خواست تا دستار را در فاصلهٔ بین دو دست وی قیچی نمایید؛ بعداً قسمتی از دستار را با دست خود از دستار بیرون آورده و آتش خواهد زد و شما فکر خواهید کرد که شعبده باز یا شما دستار را از وسط به دو نیم تقسیم کرده اید.

آنگاه شعبده باز دستار یا دستمال را به شکل حلقه های مدور و پیچاپچ زیر کلاه خود خواهد ساخت. و بعد از مدتی آنرا صحیح و سالم بیرون خواهد کرد و شما را متعجب خواهد ساخت.

طرز اجرا:

شعبده باز به همان ترتیبی که در بخش قطع کردن رشمه ها یا ریسمانهای باریک گفته شد، قسمتی از گوشهٔ دستار یا دستمال را قطع می نماید و آنرا مـــی ســــوزاند تا آثاری از آن باقی نه ماند. در حالیکه قسمتی از دستار کوتاه شده است، شما فکر می کنید که دستار یا دستمال، مانند قبل صحیح و سالم است. در حالیکه قسمتی از آنها کوتاه شده است.

۱۸- شکستاندن چارمغز، بادام و خسته با دست:

گاهی شعبده باز برای تفنن و شوخی، چند عدد چار مغز، بادام و یا میوهٔ دارای خستهء نسبتاً نرم پوست، مانند زرد آلو یا قیسی را خورده و کف دست چپش را مانند یک میله چوب بالای خسته بگذارد و با مشت دیگر در قسمت آرنج دست چپ ضربه وارد نموده خسته ها را یکایک بشکند و به خوردن آنها بپردازد.

طرز اجرا:

خسته را زیر تولهٔ استخوان دست چپ قرار داده و در ضمن فشار زیاد بالای خسته وارد میکند. و علاوتاً با مشت به آرنج همان دست، ضربه وارد می کند، خسته می شکند و شما را به حیرت وا می دارد.

۱۹- شمع به دستمال تبدیل می شود:

شمع تقریباً بزرگی در شمعدان روی میز قرار دارد. شعبده باز با یک گوگرد شمع را روشن می کند. و ضمن بیان مطالب شوخی آمیز، ادعا می کند که قادر است شمع را به دستمال مبدل سازد. آنوقت آستینهایش را بالا می زند و دست ها و بازو های خود را به همه نشان می دهد، تا همه یقین کنند که او دستمال هایی همراه ندارد و نمی خواهد کسی را فریب دهد. سپس با یک خیز شمع را خاموش نموده بر می دارد و در حالی که فریاد می کشد شمع را کف مال نموده و پارچه پارچه می سازد و آنرا به دستمال های حریر به رنگ های متفاوت مبدل می سازد و فاتحانه روی صحنه می آید و با تعظیم به تماشاچیان، دستمال ها را برای آنها نشان می دهد.

طرز اجرا:

قبلاً سه دستمال حریر به رنگ های متفاوت مثلاً سیاه، سرخ و سبز را در داخل کاغذ سفید به شکل شمع پیچانیده است و صرف یک قطعه شمع کوچک به طول یک یا دو سانتی متر، در قسمت بالایی استوانه قرار دارد.

شعبده باز با مقدمه چینی، شمع مزبور را با دو دستش ریزه ریزه و خورد می سازد. دستمال ها را از بین آن خارج می کند. شمع و کاغذ خورد شده را در دستش نگهمیدارد که کسی متوجه آنها نه شود.

۲۰- کشیدن دستمال از ورقهٔ مقوا:

شعبده باز پوستری را که در دیوار نصب است، فرود آورده و به تماشاگران می سپارد تا هر قدرِ می خواهند آنرا بررسی و معاینه کنند. وقتی آنان مطمئن شدند که پوستر یک ورقهٔ عادی بوده و کدام حقه یی در آن به کار نه رفته است، آنرا دوباره گرفته و ادعا می کند که می تواند از بین آن دستمال های رنگارنگی بیرون سازد. موصوف پوستر را دولا (قات) کرده با یک دست می گیرد و با دست دیگر تعدادی از دستمال های رنگارنگ و حتی بیرق کشور را نیز خارج می سازد؛ در اخیر خونسردانه پوستر را باز کرده دوباره در دیوار سر جایش قرار می دهد.

طرز اجرا:

پوستر واقعاً عادی و معمولی‌بوده و اما آستین شعبده باز غیر عادی است. یعنی دستمالها، قبلاً در آستین شعبده باز مخفی شده است. وقتی پوستر را روی دست خود دولا می نماید؛ تماشاگران نمی توانند، کشیدن دستمال ها از آستین شعبده باز را ببینند. و شعبده باز به راحتی دستمال ها را از آستین خود کشیده و به تماشاچیان نمایش می دهد.

۲۱- کشیدن دستمال از کاغذ:

شعبده باز شاید یک چراغ دستی را به شما نشان دهد که گاهی روشن و گاهی خاموش می شود. سپس پارچهء کاغذی ضخیمی را

بگیرد و به دور آن بپیچاند، و آنرا با اسکاجتیپ ببندد. سپس چراغ دستی را چند بار به یک سر کاغذ لوله شده داخل نموده و از طرف دیگر آن خارج سازد.

پس از چند مرتبه داخل و خارج ساختن، چراغ دستی را کنار گذاشته و از بین کاغذ لوله شده دستمال های رنگارنگ خارج ساخته و شما را متعجب سازد.

طرز اجرا:

چراغ دستی از دو قسمت ساخته شده است، قسمت اولی چراغ دستی که به آسانی گل و روشن می شود و قسمت دومی یا عقبی، متشکل از دستمال های رنگارنگ است که به داخل یک میلهٔ فلزی همرنگ چراغ قرار دارد.

شعبده باز در جریان چند مرتبه داخل کردن و خارج کردن چراغ دستی به داخل کاغذ لوله شده، قسمت دوم چراغ دستی را که حاوی دستمال های رنگارنگ است، در بین لولهٔ کاغذ نگهمیدارد و بعداً دستمال های رنگارنگ را یکایک از کاغذ لوله شده بیرون می سازد و شما را به تعجب وا میدارد.

۲۲- تبدیل کردن اشیا در کلاه شپو:

شعبده باز وارد صحنه شده و به علامت تعظیم کلاه خود را بر می دارد و داخل آنرا به همه نشان میدهد.

خارجِ و داخل کلاه با تکه یی از رنگ سیاه بخملی پوشانیده شده است. شعبده باز می خواهد نشان دهد که کلاه کاملاً خالی هست و چیزی در آن وجود ندارد. سپس سه پارچه اجناس مختلف مانند تسبیح، گُل پلاستیکی و ساعت بند دست خود را در داخل کلاه گذاشته و کلاه را بر سر خود می نهد، و چنان می نمایاند که گویا به کار دیگری می پردازد و ناگهان کلاه خود را از سر بر می دارد و از بین آن سه مدال جواهر نشان، به جای اشیاء پیش پا افتادهٔ قبلی بیرون میآورد و همه را متعجب می سازد.

طرز اجرا:

داخل کلاه توسط یک قطعهٔ مقوای بیضوی شکل به دو حصه تقسیم گردیده و در وسط مقوا یک قطعهٔ چوب چفتی مانند نصب شده است. و این قطعات مقوا نیز با بخمل سیاه رنگ پوشانیده شده است و به این صورت دو خانه در دو طرف قطعهٔ چوب در بین کلاه ایجاد شده است که در یکی از آنها می توان اشیایی مانند مدالها را قبلاً جا سازی کرد. و اشیایی را که پیش نظر تماشاچیان می گیرد، در خانهٔ دوم آن گذاشته کلاه را طوری بر سر می گذارد که قبل از گذاشتن جوایز، مدال ها را از خانهء دوم کشیده و دم دست قرار می دهد. وقتی کلاه را بر می دارد، جوایز بیرون می افتند.

۲۳- کشیدن دستمال ها از کلاه:

شعبده باز به یکی از تماشاچیانی که کلاهی بر سر دارد خواهد گفت: چرا در کلاه تان دستمال را گذاشته اید؟

احتمالاً تماشاچی کلاه خود را برداشته و خواهد گفت: نه کلاه من خالی هست.

شعبده باز بار دیگر تأکید خواهد کرد که اگر باور ندارد کلاه را به او دهد تا آنرا مشاهده کند و در جریان گرفتن کلاه آنرا قصداً به زمین می اندازد که گویا سهواً به زمین افتاده است.

آنگاه یک برس عادی را که بالای میز قبلاً گذاشته است، بر می دارد و با ابراز معذرت خواهی که گویا کلاه تماشاچی مملو از خاک شده است، کلاه را پاک می کند. بعداً یکایک دستمال ها را از کلاه بیرون می کشد.

طریقهٔ اجرا:

دستمال های نازک حریر گونه را قبلاً در قسمت عقبی و یا در یک طرفی از برس طوری جابجا نموده که از سمتی که در مقابل چشمان دیگران قرار دارد، دیده نه شود. در جریان پاک کردن کلاه، دهان کلاه را به طرف بالا باز نموده و با زیر کی دستمال های جابجا شده را در آن می اندازد.

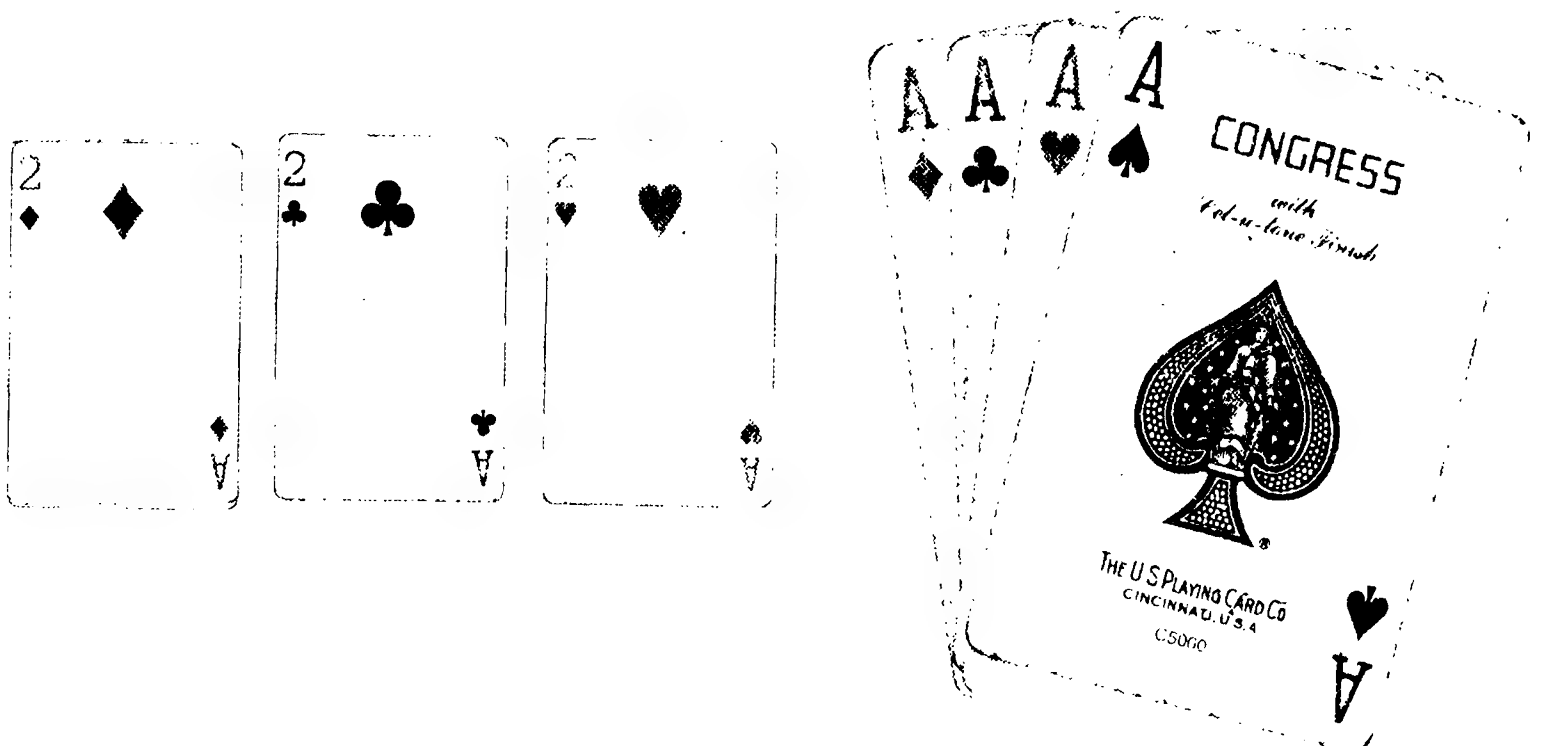
برس را دو باره به جایش در روی میز میگذارد و آنگاه دستمال ها را یکی پی دیگری از کلاه بر می دارد.

۲۴- اوراق عادی به طوس ها مبدل می‌گردد:

شعبده باز سه ورق عادی قطعه را بصورت نیمه یکی بالای دیگر به شما نشان میدهد؛ به طور مثال دو تایی پشه، دو تایی لال و دو تایی خشت را آنگاه این سه روق ها را جمع نموده آنرا گد می زند و دو باره همان سه ورق ها را به صورت نیمه یکی بالای دیگر نشان میدهد که هر سه، یکی طوس پشه دیگری طوس لال و سومی طوس خشت گردیده اند و شما را متعجب خواهد ساخت.

طرز اجرا:

هر یک از این سه ورق ها به صورت دوسری طوری ساخته شده که در یک نیمهء آن دو تایی و در نیمه دوم آن علامت طوسها سرش گردیده است یعنی شعبده باز قبلاً علامهٔ کنار بالایی طوس پشه، طوس لال و طوس خشت را به صورت نیمه توسط قیچی قطع نموده و در یک یک کنار دو تایی پشه، دو تایی لال و دو تایی خشت سرش نموده است.



وقتی یک کنار این سه ورق را یکی بالای دیگر نشان میدهد، شما می بینید که دو تایی پشه، دو تایی لال و دو تایی خشت است و وقتی اوراق را معکوس نموده و انجام دیگر قطعه ها را نشان می دهد، طوس پشه، طوس لال و طوس خشت است.

۲۵– سفید کردن اوراق قطعه:

شعبده باز ابتدا تعدادی از اوراق را به شما نشان خواهد داد که همه دارای انواع مختلف خال ها اند. بعداً آنها را دو باره جمع نموده و به شما نشان خواهد داد که کاملاً سفید اند.



طرز اجرا:

برای این کار نیز اوراق به صورت دوسری ساخته شده است. نخست یک کنار تمامی اوراق تراش گردیده و سفید شده است. در این مورد قطعه هایی از نوع پلاستیکی خیلی مناسب است. همچنان یکی از

اوراق، مثلاً یکی از طوس ها را که کاملاً تراش نموده است، در روی اوراق دیگر قرار داده و آن گوشه یی از اوراق را نشان می دهد که تراش شده است و اوراق کاملاً سفید به نظر می رسد.

۲۶- شناختن ورقی که شما خوش کرده اید:

شعبده باز قطعه را راسته گرفته گد می زند، بعد از عملیهٔ گد زدن، اوراق را در یک دست گرفته و هموار می کند. آنگاه اوراق هموار شده را به شما نزدیک ساخته ومی خواهد که یکی از اوراق را به طور پنهانی کشیده ببینید و بدون اینکه شعبده باز آنرا ببیند، دوباره در جمع اوراق بگذارید و آنرا گد هم می زند. سپس اوراق را راسته نموده، ورقی را که خوش نموده اید، بیرون می کشد.

طرز اجرا:

شعبده باز وقتی قطعه را راسته گرفته و گد می زند، در جریان گد زدن اوراق، یکی از آنها را شناسایی نموده و درست آنرا در قسمت نزدیک به وسط پرها وجدا از دیگران مانند یک نقطهٔ نیرنگی پیش کشیده هموار می کند. و همان قسمت را به شما نزدیکتر می سازد تا برای شما انتخاب همان ورق آسانتر باشد و برای اغفال کردن شما تأکید می‌کند، که فوراً انتخاب نمایید. و شما نیز همان ورق را که در جمع سایر اوراق اندکی بیرون کشیده شده است، انتخاب نموده بر می دارید، نگاه میکنید و دوباره در جمع سایر اوراق می گذارید.

آنگاه شعبده باز اوراق قطعه را مجدداً راسته نموده و بعد از گد زدن همان قطعه را بیرون آورده و به شما نمایش خواهد داد و شما را متعجب خواهد ساخت.

۲۷- دریافت اوراق قطعه در حال افتادن از دست:

شعبده باز قطعه را در یکدست طوری گرفته و یکی پی دیگری به پایان می ریزد که خودش قادر به دیدن آن نیست و از شما می خواهد یکی از اوراق را بدون اینکه وی بفهمد، در دستش انتخاب کنید. آنگاه اوراق افتیده را جمع نموده و روی ورق دستش می گذارد که شما انتخاب کرده اید و بعد از گد کردن اوراق، ورقی را که انتخاب کرده اید، برای تان بیرون می کشد.

طرز اجرا:

شعبده باز از جمع اوراق افتیده، یک ورق را شناسایی نموده و آنرا در شروع تمامی اوراق جمع نموده و در پیشروی ورقی که شما انتخاب کرده اید، می گذارد و بعد از گد زدن اوراق آنها را یکایک جدا می کند تا اینکه به ورقی برسد که خودش دیده و در قسمت پیشروی ورقی گذاشته است که شما انتخاب نموده اید. در اینجا در عقب ورق انتخاب شدۀ او ورق انتخابی شما قرار دارد که به شما نشان میدهد و شما را متعجب خواهد ساخت.

۲۸– گد زدن اوراق و جدا کردن آنها :

شعبده باز اوراق را به شکل کات با هم گد می زند و سپس در حالی که هیچیک از آنها را نمی بیند هر یک از اوراق را به ترتیب همدیگر به چهار کتگوری (دسته) از اول الیٰ اخیر تقسیم می کند.

وقتی اوراق را رو گردان نمود، دسته های اوراق را خواهید دید که تمامی خشت ها در یک دسته، تمامی لال ها در دستهٔ دیگر، تمامی قره ها در دستهٔ دیگر و تمامی پشه ها در دستهٔ دیگر قرار گرفته اند.

طرز اجرا:

شعبده باز قبلاً یکا یک اوراق قطعه را طوری به ترتیب چیده که اول قره، بعد لال، بعد خشت و بعد پشه را پشت سر هم قرار داده است. وقتی آنها را گد می زند، هیچ کدام تغییر در ترتیب آنها رخ نمی دهد. و وقتی آنها را تقسیم می‌کند، یعنی ورق اول را جدا ورق دوم را جدا سوم را جدا و ورق چهارم را جدا می گذارد بعداً ورق پنجم را بالای ورق اول ورق ششم را بالای ورق دوم، ورق هفتم را بالای ورق سوم الیٰ اخیر ادامه می دهد.

وقتی اوراق را رو گردان می کند، خواهید دید که تمامی قره ها در یک دسته،تمامی لال ها در دستهٔ دیگر و تمامی خشت ها در دستهٔ جداگانه و همچنان تمامی پشه ها در دستهُ دیگر قرار گرفته اند.

۲۹- گد زدن قطعه و جدا کردن اوراق به ترتیب خالها:

شعبده باز قطعه ها را باهم گد می زند و آنگاه اوراق قطعه را به ترتیب در ۱۳ جا به طور جداگانه تقسیم می کند که بالای هر یک از کوت ها، چهار چهار ورق به ترتیبی تقسیم گردیده که تمام اوراق از دو تایی الیٰ طوسها هر یک جدا جدا تنظیم یافته، بدون اینکه شعبده باز آنها را دیده و جدا کرده باشد.

طرز اجرا:

شعبده باز قبلاً هر یک اوراق را از دو تایی الیٰ طوس به شکل جداگانه طوری چیده، که اوراق پشه جدا، قره جدا، لال جدا و خشت جدا می باشد. و در جریان گد زدن اوراق صرف به صورت کات جدا می شود و به ترتیب اوراق زیانی نمی رسد.

وقتی شعبده باز (۱۳) ورق را طور جدا گانه پهلوی هم می چیند، ورق چهاردهم را بالای ورق اول ورق پانزدهم را بالای ورق دوم و الیٰ ختم قطعه به ترتیب تقسیم می کند. وقتی اوراق مذکور را رو گردان مینماید، خواهید دید که تمامی آن به ترتیب خالهای شان تقسیم گردیده که شما را متعجب خواهد ساخت.

۳۰- خوردن شمع:

شمع بزرگی روی میز قرار دارد. شعبده باز ضمن حکایات جالب که مثلاً سالهای پیش در سفری که به فلان کشور داشتم، در جزیره یی

تنها ماندم و یا اسیر یک گروه تبهکار شدم که هیچ نان و آبی برایم نمی دادند و از فرط گرسنه گی، روزانه یک یک شمعی را که با خود داشتم،می خوردم و با آن رفع گرسنگی می کردم. تا اینکه از آن ورطه نجات یافتم و ازآن روز به بعدخوردن شمع برایم به یک عادت تبدیل شده است و درین جریان شمع را می‌سوزاند و بعد از چند لحظه یی آنراخاموش نموده برمیدارد وآهسته آهسته به خوردن آن شروع می کند.

طرز اجرا:

شمع از چاکلیتی ساخته شده که در یک قالب به شکل شمعی ریخته شده است و در قسمت بالایی آن بریدهٔ مغز بادم به شکل تار شمع نصب گردیده و به آسانی می سوزد.

شعبده باز با این کار چنان وا نمود می سازد، که گویا چاکلیت نه بلکه شمع را نوش جان می کند.

۳۱- آتش زدن سگرت با یخ:

شعبده باز پارچهٔ یخی را از گیلاس نوشابه بر می دارد و به سگرتی که در دست دارد، نزدیک می کند. همینکه یخ به سگرت نزدیک شد، سگرت آتش می گیرد.

طریقهء اجرا:

یک پارچهٔ کوچک پتاشیم به اندازهٔ سر سوزن به لبهٔ سگرت خود چسپانیده و با احتیاط لازم یخ را به آن نزدیک می کند.



پتاشیم یک مواد کیمیاوی خیلی حساس است و می تواند بعد از مدت زیاد در هوای آزاد حتیٰ با آب و یخ هم ترکیب شده و آتش گیرد. معمولاً پتاشیم را در بین تیل خاک نگه می دارند، تا مانع رسیدن هوای آزاد به پتاشیم شده و از احتراق آن جلوگیری به عمل آید.

۳۲- روشن کردن شمع با آب:

شعبده باز شمع را روشن کرده از روی میز بر می دارد و آنرا خاموش خواهد ساخت. سپس گیلاس نیمه از آب را بر می دارد و آنرا بالای شمع طوری خم می کند که گویا بالای شمع آب می ریزید. شمع فوراً روشن می شود.



طریقهٔ اجرا:

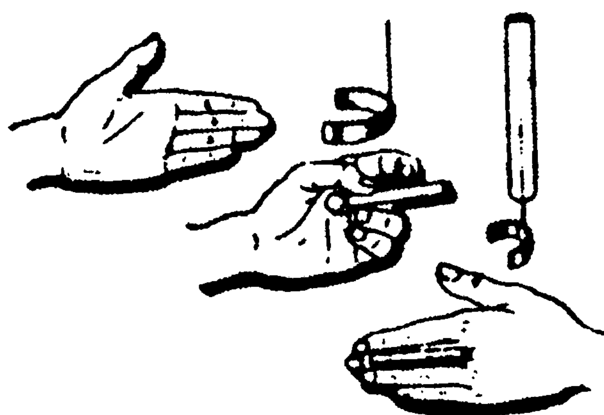
پارچهٔ کوچکی از فاسفورس را توسط موم کوچکی در یک کنار بیرونی گیلاس چسپانیده. فاسفورس در حرارت کم آتش می گیرد. وقتی گیلاس را خم می کند با فاسفورس در حرارت شعلهء نیم مردهٔ فلیتهٔ شمع آتش می گیرد و شمع با آن روش خواهد شد.

۳۳- حاضر کردن سگرت:

شعبده باز دو دست خود را باز گرفته و به تماشاگران نشان می دهد تا آنها مطمئن شوند که دستان شعبده باز کاملاً خالی هست. اما یکمرتبه انگشتان خود را می بندد و درین موقع سگرتی در دست او پدیدار می شود. سگرت را روشن کرده و به پف کردن آن مصروف می شود.

طرز اجرا:

یک پلیت فیته مانند فلزی به شکل نیم دایره خم شده و یک سوزن نیز به آن لیم گردیده است. این سوزن می‌تواند به یک سگرت فرو رود وپلیت فلزی نیز تقریباً مانند انگشتری در انتهای انگشت بزرگ شعبده باز قرار می‌گیرد و سگرت را درپشت دست خود پنهان کرده است.



شعبده باز چندین مرتبه کف دست ها را به همه نشان می دهد و بعد از جلب اعتماد تماشاگران، دستش را تقریباً می بندد تا سگرت آن نمایان نه شود.

۳۴- عقربهٔ ساعت از کار می ماند:

شعبده باز ساعت جیبی اش را به حاضران نشان میدهد که فعال بوده و در حال گردش است، آنگاه ساعت را روی میز قرار داده و به آن نگاه می کند، لحظهٔ بعد ساعت می ایستد و چنان وا نمود می کند که گویا به قدرت چشم هایش حرکت ساعت را متوقف ساخته است. شعبده باز ساعت را دوباره می گیرد و به همه حاضران نشان می دهد، ساعت در حال گردش خواهد بود.

طرز اجرا:

ساعت از نوعی است که ماشین آن کاملاً فلز عادی است و شعبده باز قبلاً یک پارچه آهن ربای قوی و بزرگتری را زیر پرده یی که روی میز هموار کرده، گذاشته است و یا اوراق کتاب بزرگی را به اندازهٔ آهن ربا سوراخ نموده و آهن ربا را در آن جابجا ساخته است، وقتی ساعت را روی آن قرار می دهد به اثر قوهٔ جاذبهٔ مقناطیسی آهن ربا، رقاص ساعت از حرکت می ایستد و وقتی ساعت را از بالای آن بر می دارد، ساعت دوباره به حرکت خود ادامه میدهد.

۳۵- دست مقناطیسی:

تعدادی اشیای مختلف مانند توپ، بشقاب، کتاب، گیلاس، قوطی گوگرد وغیره به طور در هم و بر هم روی میز قرار دارند. شعبده باز ابتدا از مقناطیس انسانی خواهد لافید و از خودش تعریف هایی خواهد کرد که چگونه دستهای او مانند آهن ربا می تواند اشیای گوناگون را به خود جذب کند.

درین موقع شاید توپی را از روی میز برداشته و دستش را بازو توپ را رها کند، با کمال تعجب مشاهده خواهید کرد که توپ در دستش چسپیده و همان طور باقی خواهد ماند. آنگاه توپ را روی میز گذاشته و اشیای مختلف روی میز را یکایک بر می دارد و هر کدام اشیا در دستش می چسپند، بدون اینکه به زمین بیفتند.



طرز اجرا:

شعبده باز هر کدام اشیای روی میز را به طول های مختلف، با نخ های باریک و بیرنگ لاشتکی گونه روی میز میخ نموده است. وقتی موصوف اشیا را می گیرد، نخ را در بین انگشتان خود می **گذارد** و اشیا در کف دست او قرار گرفته و از دست شعبده باز نمی افتد.

۳۶- چوکی‌عجیب:

شعبده باز یک چوکی معمولی را از روی صحن برداشته و به تماشاچیان می سپارد تا از نزدیک بررسی کنند و به معمولی بودن آن پی ببرند، سپس آنرا دوباره گرفته و ادعا می کند که وی چوکی را جادو کرده و تحت اختیار خود در آورده است. و آن وقت دست خود را به قسمت های مختلف آن می کشد تا به اصطلاح جادو کند و بعد کمی عقب می رود و به چوکی دستور تغییر وضعیت می دهد.

چوکی به پیش خم می شود. لحظه یی بعد مجدداً به پیش آمده و دستش را به دور آن حرکت می دهد تا برای تماشاچیان معلوم شود که کدام رشته یی او را به چوکی مربوط نمی سازد.

جای خود را تغییر داده و مجدداً به چوکی دستور می دهد تا این بار نوع دیگر و به طرف دیگر متمایل شود و بالاخره چوکی را برای همکارش می دهد تا از صحنه خارج سازد.

طرز اجرا:

یک انجام نخ نایلونی بی رنگ و باریک و محکم به کمر بند شعبده باز بند است و انجام دیگر آن با چنگک کوچکی به چوکی وصل شده است. وقتی شعبده باز به اطراف چوکی دور میخورد، چوکی به طرف وی کشیده می شود. در بعضی جاها که نخ نایلونی بیرنگ دستیاب نه شود، شعبده باز از نخ باریک سیاه رنگ استفاده می کند و در آن

حالت اطراف تالار باپرده های سیاه رنگ مزین شده است که در سیاهی پرده ها، رنگ سیاه تار معلوم نمی شود.

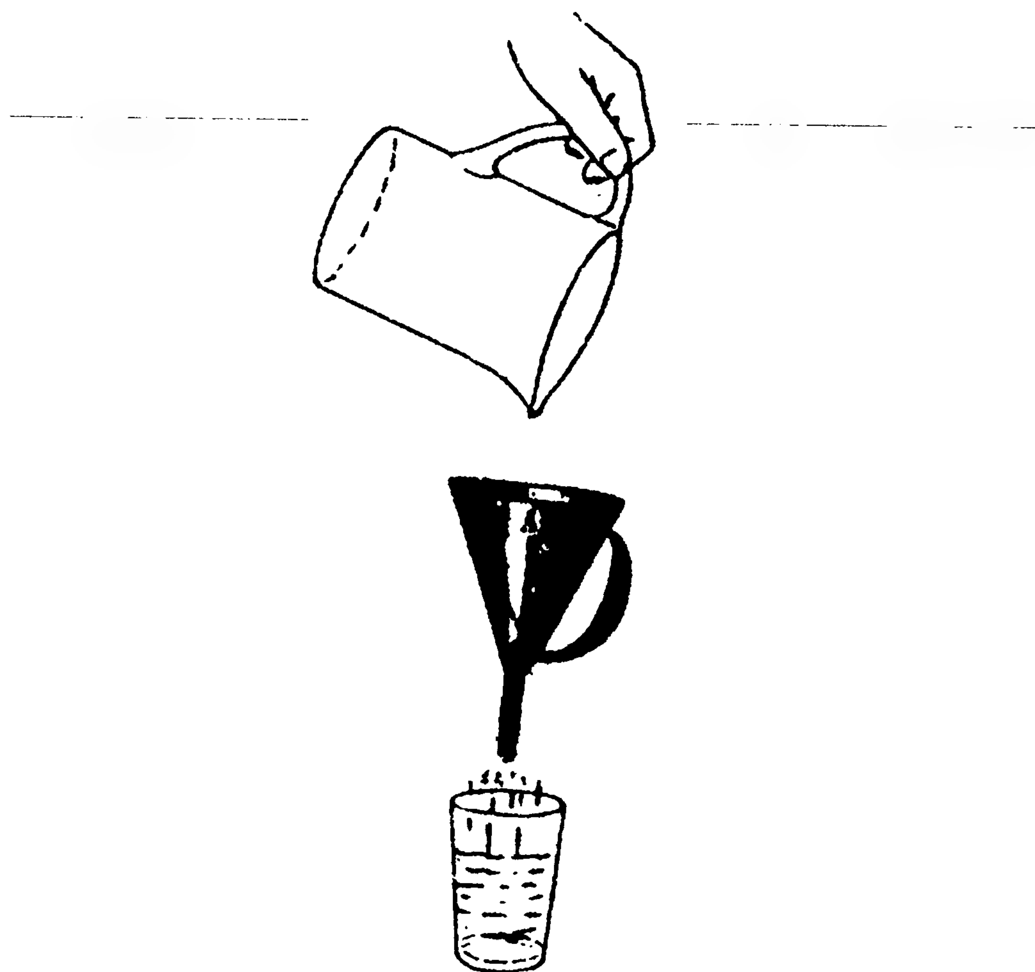
۳۷- گیلاس خالی یا مملو از شربت:

شعبده باز گیلاس ناشکن بزرگ را به شما نشان می دهد و اظهار می کند که درین گیلاس شربت وجود دارد و شما نمی بینید. سپس برای جلب اعتماد بیشتر تان، شاید گیلاس را به شما نیز بسپارد تا آنرا از نزدیک مشاهده نموده وخود را مطمئن سازید.

بعداً یک گیلاس خورد تری را همراه با یک قیف بزرگ آورده و به شما نشان خواهد داد که خالی هست، آنگاه قیف را بالای همین گیلاس خورد قرار داده و گیلاس بزرگ خالی را که اول به شما نشان داده بود، بالای قیف قرار می دهد. گویا می خواهد شربت را از آن به داخل قیف و از قیف به داخل گیلاس خورد بریزد و شاید به حیرت افتید، زیرا شما خواهید دید که گیلاس خورد از شربت مملو می شود.شعبده باز شربت را دو نصف خواهدکرد، نصفی را در گیلاس بزرگ انداخته خود خواهد نوشید و نصفی دیگر را به یکی از تماشاچیان خواهد داد تا بنوشد و معلوم شود که واقعاً شربت است.

طرز اجرا:

نشان دادن گیلاس بزرگ و خالی و تاکید زیاد شعبده باز بر پر بودن آن، فقط برای انعطاف ذهن تماشاگران بوده و یک مطلب فرعی است اصل موضوع در قیف خلاصه شده است؛ اما چطور؟



قیف مزبور دو جداره ساخته شده است. در پشت دستهء قیف سوراخ یا دریچه یی ساخته شده که با فشار انگشت این دریچه باز خواهد شد. شعبده باز قبلاً جدار مابینی قیف را مملو از شربت نموده است. هنگامی که شعبده بازوانمود می کند که در حال ریختن شربت از گیلاس بزرگ است، به دریچهء زیر دستهء قیف فشار وارد می کند تا محتویات قیف پایین بریزد. و به این ترتیب مطلب ساده یی باعث شگفتی تماشاچیان خواهد شد.

۳۸- تخمهای حرف شنو:

شعبده باز شاید چند عدد تخم از تماشاچیان طلب کند و از دو تن بخواهد که حاضر شده و یک یک تخم را انتخاب نموده روی آنها نام های خود را بنویسند.

سپس به یکی خواهد گفت که می خواهد تخمی را که روی آن نامش نوشته شده است، روی آب قرار گیرد و دیگری را بگوید که تخمی را که روی آن نامش نوشته شده، زیر آب قرار گیرد و شاید طعم آب های لوله های شیشه یی را که از قبل تهیه نموده نیز بچشد.

آنگاه یکی از تخمها را قبل از انداختن به داخل لولهٔ شیشه یی اولی مملو از آب، هدایت دهد که مثلاً روی آب قرار گیرد. وقتی تخم را رها میکند، چنان می شود و تخم دومی را هدایت دهد که زیر آب قرار گیرد، تخم در زیر آب قرا می گیرد که شاید شما را به تعجب وا دارد.

طرز اجرا:

شعبده باز قبلاً مقدار زیادی از نمک طعام را در یک ظرفی از آب ریخته و پس از حل نمودن آن در آب، مدت ۲۴ ساعت گذاشته است. پس از خالی نمودن در یک ظرف دیگر و بر طرف نمودن رسوبات آن، ۲۴ ساعت دیگر نیز گذاشته است تا رسوبات آن کاملاً بر طرف شده و آب نمکین، مانند آب دیگر صاف و روشن گردد و با آب بدون نمک به آسانی تفاوت نه کند.

آنگاه در یک لولهٔ شیشه یی آب خالص و در لولهٔ شیشه یی دیگر آب نمک وجود دارد. شرط اینست که تخمها تازه و سالم باشند. تخمی را که در آب خالص می اندازد، زیر آب قرار می گیرد.

تخمی را که در آب نمکی شده می اندازد، روی آب قرار میگیرد. زیرا کثافت تخم کمتر از کثافت آب است.

۳۹- صدای پنجه در چینی شنیده می شود:

شعبده باز شاید سه بشقاب یا سه گیلاس و یک پنجه از شما بخواهد و با نواختن پنجه بر بشقاب ها و یا گیلاس ها (موزیک) نغمهٔ موزونی را سر دهد و شاید به تدریج پنجه را از بشقاب ها یا گیلاس ها از یک فاصله دور و خیلی دور و با اشارهٔ پنجه، نواختن موزیک ادامه یابد و شما را به تعجب وادارد. و این کار را شاید تا مدت زیادی ادامه دهد.

طرز اجرا:

شعبده باز یک تیپ ریکاردر کوچک با یک کست موزیک را با خود دارد که با فشار دادن آن صدایی مانند صدای نواختن پنجه بالای بشقاب یا گیلاس بیرون می آید و آنرا در جیب و یا در کف دست خود، پنهان کرده است.

۴۰- عینک بالا می پرد:

شعبده باز شاید بخواهد عینکی را که در چشم دارد، آنرا داخل پوش آن گذارد.هر قدر می کوشد عینک را به داخل پوش (قوطی) مربوط آن جا بجا سازد، عینک دو باره از قوطی خارج می گردد. هر قدر با فشار چندین مرتبه کوشش می کند آنرا به داخل پوشش بگذارد، دو باره عینک از پوش خارج می شود ناگذیر عینک را دوباره به چشم می گذارد. و شاید شما را متعجب سازد.

طرز اجرا:

دو انجام یک پارچهٔ کوتاه لاشتک پام (برداری) را به داخل پوش عینک دوخته است، وقتی عینک را داخل پوش مینماید، لاشتیک نمی گذارد عینک به طور کامل داخل پوش گردد و به این ترتیب شعبده باز مجبور خواهد شد تا عینک را دو باره به چشم خود گذارد.

۴۱- آب در بین لولهء کاغذی:

شعبده باز ضمن لاف و گزافهای فراوانی شاید پارچه کاغذی را لوله کرده و باز نماید و احتمالاً چندین بار این کار را تکرار کند و ظاهراً بدون توجه آنرا روی میز گذاشته ومجدداً بردارد. بالاخره بدون آنکه از هدف خود شما را آگاه سازد، لولهٔ کاغذی را به شما نشان خواهد داد.

آنگاه یک گیلاس آب خواسته قدری از آنرا خواهد نوشید و قدری دیگر را در بین همین کاغذ لوله شده خواهد ریخت، اما یک قطره آب هم از کاغذ لوله شده نمی ریزد. مکرراً کاغذ لوله شده را سر چپه می کند، باز هم قطره یی از آب نمی ریزد.

مجدداً کاغذ را روی میز هموار خواهد کرد و به شما نشان خواهد داد که قطره یی از آب در آن وجود ندارد.

طرز اجرا:

شعبده باز از قبل یک لولهٔ فلزی همرنگ کاغذ را دور از چشم تماشاچیان جابجا کرده و دربین آن کلوله هایی از پنبه (پخته) را نیز جا داده است. در جریان بازو بسته کردن کاغذ، با زرنگی لوله را در بین کاغذ می نهد. وقتی آب در آن می ریزد، پنبه (پخته) آب را جذب می نماید و در جریان باز کردن لولهٔ کاغذ، بازرنگی لولهٔ فلزی را از آن دور می کند، و تنها کاغذ باقی میماند که آنرا روی میز هموار کرده و شما را متعجب خواهد ساخت.

۴۲- خوش کردن ارقام و دریافت محاسبهٔ آن:

شعبده باز شاید برای تفنن به شما بگوید که برای تان یک مبلغی را حسب دلخواه در ذهن تان انتخاب کنید. سپس خواهد گفت که به همان پیمانه برای وی نیز انتخاب و هر دو را جمع کنید.

سپس خواهد گفت که مثلاً مبلغ ده هزار دیگر را نیز به آن بیفزایید و همچنان مبلغ شش هزار دیگر را که از فلان دوستش گرفته نیز با آنها جمع کنید.

آنگاه از شما خواهد خواست که تمامی پولها را نصف کنید و نصف آنرا از ذهن تان بیرون اندازید، و از باقی پولها مبلغ چهار هزار افغانی به فلان دوستش دهید.

آنگاه به شما خواهد گفت مبلغی را که برای وی انتخاب نموده اید، دوباره از باقی پولها حذف کنید پول باقی مانده مبلغ چهار هزار افغانی خواهد بود.

طرز اجرا:

محاسبه طبق فورمول ذیل اجرا می شود:

$$A+B+C+D \div 2 = B+1/2\ C+1/2\ D$$

در اصل شعبده بازنمی داند که شما مبلغ چند را انتخاب نموده اید. درینجا A عدد انتخابی ایست که برای خود انتخاب نموده اید و B مبلغ معادلی است که برای شعبده باز انتخاب کرده اید. C و D به ترتیب مبالغی اند که شعبده باز گفته است.

وقتی تمامی پولها را جمع نموده و آنها را نصف می کنید، نصف ارقامی را که برای شما گفته همراه با قسمتی که برای خودش انتخاب نموده اید نزد شما باقیمانده مبلغی را که برای خودت انتخاب نموده اید حذف شده. وقتی می گوید مبلغی را که برای او انتخاب نموده اید دوباره حذف نمائید، یگانه مبلغی که نزد شما باقیمانده، نیمهٔ

پولهایی است که وی به شـــما گفته اسـت کـــه بـه ملاحظـه آن بـه محاسبۀ ارقام پرداخته و در یک فرصت مناسب خواهد گفت کـه چنـد نزد شما باقیمانده است.

شعبده باز جـــمعاً (۱۶۰۰۰) شانزده هزار افغانی را بـرای شـما گفتـه بود. وقتی این مبلغ نصـف مـی شـود، ۸۰۰۰ بـاقی مـی مانـد و منجملـه (۸۰۰۰) مبلغ (۴۰۰۰) افغانی را به دوستش می دهیـد، پـس ۴۰۰۰ دیگـر نزد شما باقی می ماند.

۴۳- پاکت خط یا ماشین حساب:

شعبده باز شاید پاکت خط سر بسته یی را از جیبش بیـرون آورده و پیش چشمان شما قرار دهد. آنگاه از شـما بخواهـد کـه حسـب دلخـواه یک عدد سه رقمی بدون صفر را روی کاغـذ بنویسـید و شـما بـه طـور مثال عدد (۵۴۲) را انتخاب کردید. در حالی کـه عـدد انتخـاب شـده را هیچگاهی به شعـــبده بـــاز نشان نمی دهید، از شـما مـی خواهـد کـه این عدد را معکوس یعنی (۲۴۵) سازید و از شما بخواهد ایـن اعـداد را از همدیگر تفریق نمایید یعنی حاصـل تفریـق آن (۲۹۷) شـد. سـپس از شما بخواهد که عـدد حاصـله را نیـز معکـوس کنیـد. یعنـی ۷۹۲ و بعـد بخواهد که هر دو عدد آخرین را با هم جمع نماییـد و بـه شـما اطمینـان دهد که حاصل جمع شـما یعنـی (۱۰۸۹) خواهـد بـود کـه قـبلاً در بـین پاکت نوشته شده است.

طرز اجرا:

نتیجهٔ تفریق هر عدد سه رقمی بدون صفر با معکوس آن را اگر با معکوس عدد حاصله جمع نمایید، ۱۰۸۹ می شود و این یکی از قواعد ریاضی است.

۴۴- بازی با کمپیوتر و یا ماشین حساب:

شعبده باز بدون اینکه صفحهٔ کمپیوتری را به کسی نشان دهد، شاید روی صفحهٔ کمپیوتر عدد (۱۰۸۹) را بنویسد و آنرا بزرگ و برجسته Bold نموده و حفظ Save نماید. و خود نیز از عقب کمپیوتر برخیزد و در جمع تماشاچیان بنشیند.

آنگاه از شما بخواهد که یک عدد سه رقمی بدون صفر را پنهانی انتخاب نموده روی صفحهٔ کاغذی بنویسید. به طور مثال (۵۲۷). بعداً از شما بخواهد که اعداد آنرا به صورت معکوس نیز بنویسید،بطور مثال (۷۲۵). در حالی که خودش هیچیک از اعداد را نه دیده و نمی داند. سپس از شما بخواهد تا این دو اعداد را از همدیگر تفریق نمایید. به طور مثال ۱۹۸=۵۲۷-۷۲۵. شاید از شما بخواهد که عدد حاصله را نیز معکوس نمایید. یعنی (۸۹۱). پس از شما بخواهد که هر دو اعداد حاصله را جمع کنید یعنی:

۱۰۸۹=۸۹۱+۱۹۸ وقتی عملیهٔ جمع را انجام دادید. به شما بگوید که کمپیوتر یا ماشین حساب تمامی این عملیات را در جریان گفته ها جمع

و تفریق نموده و حاصل آن نیز روی صفحهٔ کمپیوتر یا ماشین حساب نوشته شده است. و آنگاه به شما اجازه خواهد داد تا عدد مذکور را روی صفحهٔ اسکرین یا ماشین حساب مشاهده کنید.

مطمئن باشید هر عددی را که شما انتخاب نموده و این عملیه را بالای آن تطبیق کنید، نتیجهٔ آن همان (۱۰۸۹) است.

طرز اجرا:

ماحصل تفریق هر عدد سه رقمی بدون صفر، معکوس آنرا اگر با معکوس عدد حاصله جمع کنید، عدد ۱۰۸۹ را می دهد و این یکی از قواعد ریاضی است.

نوت: شما می توانید عملیه شماره ۴۲ یعنی خوش کردن ارقام و دریافت محاسبهء آنرا نیز به عین روش با استفاده از کمپیوتر انجام داده و دوستان تان را متعجب سازید.

۴۵- عبور دادن حلقهٔ فلزی از سیم و گرفتن جایزه:

شعبده باز شاید صندوقچهٔ بزرگی را به شما نشان دهد که روی شیشهٔ آن یک سیم برقی بدون پوش و برهنه نصب گردیده است. در یک انجام سیم، یک حلقهٔ فلزی ایکه با سیم دیگری وصل است، گذاشته شده و هر دو انجام سیم ها با یک زنگ برقی وصل است که با دو عدد بالتی کار می کند.

شعبده باز از شما خواهد خواست تا حلقهٔ فلزی را طوری از یک انجام سیم به انجام دیگر سیم روی شیشه عبور دهید که زنگ به صدا نیاید و جایزه بگیرید.

از آنجایی که هر دو انجام سیم ها به یک جریان برقی وصل است که توسط بالتی کار می کند و شما و دوستان تان هر قدر سعی کنید تا حلقه را از سیم، بدون اینکه زنگ به صدا در آید، عبور دهید، مؤفق به این کار نه خواهید شد و زنگ حتماً به صدا در می آید.

آنگاه شعبده باز خود حلقه را در دست گرفته و دو سه مرتبه از یک انجام به انجام دیگر سیم به آسانی عبور خواهد داد، بدون اینکه زنگ به صدا در آید و شما را متعجب خواهد ساخت.

طرز اجرا:

دلایلی مختلف اندکه هیچ حرکتی میخانیکی طور مستقیم در جهان بوده نمی تواند.

با توجه به این خاصیت حرکت، وقتی شما و یا دوستان تان حلقه را در دست می گیرید تا از یک انجام به انجام دیگر سیم بدون پوش عبور دهید، حرکت دست تان یک انحنا یا خمیده گی پیدا می کند و در اثر این انحنا، حلقه با سیم در تماس شده و یک جریان برقی به وجود می آید که در اثر آن زنگ به صدا در می آید.

اما وقتی شعبده باز خود حلقه را جهت عبور از سیم بدون پوش در دست می گیرد، ناخن انگشت بزرگ خود را روی سیم بدون پوش

اتکا داده و آنگاه حلقه را در یک فاصلهٔ معین دور از سیم نگهداشته و به آسانی حلقه را از یک انجام سیم به انجام دیگر حرکت می دهد.

از آنجایی که ناخن خود عایق (مانع) جریان برق است، کدام جریان برقی در زنگ به وجود نیامده و زنگ هم به صدا نمی آید. وشما می توانید جایزهٔ خود را نیز بگیرید.

فصل سوم:

برخی از امید ها برای آینده

خوانده گان عزیز و گرانقدر! داشته های این فصل عرصه های وسیعی از مطالعه، تحقیق و تجربه و خلاصهء یکسلسله مضامین و مقالات نیمه تحقیقی است که سالها قبل برشتهٔ تحریر در آورده شده و قسمتی از آن به صورت ناتمام در شماره های نخست مجلهٔ دانا (DANA Magazine) بین سالهای ۱۳۷۴-۱۳۷۵ هـ ش در پشاور (زمانی که سمت مدیریت مسؤول مجله را به عهده داشتم)، اقبال چاپ یافته و متأسفانه به علت اشتغالم در سایر عرصه های کاری، این سلسله مقالات نا تمام باقیماند.

امید وارم با عطف توجه، سرمایه گذاری، تحقیق و تتبع بیشتر دانشمندان روزی مؤفق به دریافت جنبه های عملی و تطبیقی آن گردیده و به رنجها و مصایب ناشی از فقر، حوادث، اتفاقات ناگوار و فقدان مرکبات عضوی نقطهٔ پایان گذارند. انشاء الله.

درباره اینکه گفته اند دانستن توانستن است، باید اندکی غور و تأمل بیشتری مبذول داشت. چه در جریان زنده گی لحظاتی پیش خواهد آمد که هر دانستن، توانستن و هر توانستن دانستن، نیز نخواهد بود.

این موضوع را با طرح برخی امید واریها برای آینده می توان تاحدی وضاحت بخشید. گرچه این امید واری ها با انطباق بر میزان

دانش و تعقل بشری نا ممکن نیست، اما جنبه های تحقق آن در عمل (در حال حاضر و با امکانات فعلی بشر) نسبتاً دشوار به نظر می رسد.

پس این امید واری ها تا کنون جنبۀ نظری داشته و امید وارم با تحقیق و تتبع مزید علما، دانشمندان و محققین علوم و فنون مختلف، روزی این تصور امید وار کننده به حقیقت محض و آشکارا مبدل گردیده و منحیث اختراعات خیلی مهم و ارزنده در خدمت به عالم بشری مورد استفادۀ معقول انسانی قرار گیرد. پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد (ص) فرموده اند: امید و آرزو برای امت من رحمت است.

لذا به عنوان اهدای شیرینی و گرفتن چاشنی، مصلحت را به شما خواننده گان عزیز و گرامی وا گذار می شویم که آیا می خواهید قندی را در آینده نوش جان فرمایید که از ترکیب آب و دود به دست می آید و یا قندی را میل میفرمایید که از آب و ذغال تهیه گردیده باشد.

۱- ساختن محصولات قندی که از آب و دود به دست می آید:

جای شک نیست که نباتات با استفاده از آب و مواد کیمیاوی، عضوی و غیر عضوی زمین که توسط ریشه ها اخذ می دارند، و با استفاده از گازات کاربن دای اکساید (CO_2)، اکسیجن (O_2) و نایتروجن که توسط برگهای خود از هوا اخذ می دارند، در موجودیت نور و حرارت آفتاب، توسط عملیۀ ترکیب ضیایی و یا فوتوسنتسیز

(Photosynthesis) غذای خود   را که مهترین جز آن قند ها هست تهیه می کنند)

قند ها به طور عموم به سه کتگوری تقسیم می شوند. قندهای یک قیمته، دوقیمته، و چندین قیمته. فورمول کیمیاوی (ترکیب) قند های یک قیمته ($C_6 H_{12} O_6$) و همچنان فورمول کیمیاوی قند های دو قیمته ($C_{12} H_{24} O_{11}$) و همینسان فورمول کیمیاوی آب (H_2O) است.

قضاوت را به شما خواننده های گرامی وا گذار می شوم که وقتی یک گیاه ضعیف و ناتوان بتواند آب و کاربن دای اکساید را به قند تبدیل نماید، آیا ما انسان ها با اینهمه اختراعات، اکتشافات، دانش تعقل و توانایی ها، به ساختن چنین قندی مؤفق نه خواهیم شد؟

به قول سعدی علیه الرحمه:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کاراند

تا تونانی به کف آری و به غفلت نه خوری

قرار معادلات و فورمول های کیمیاوی شش مالیکول کاربن دای اکساید در شش مالیکول آب منحل گردد، نتیجهٔ حاصلهٔ آن یک مالیکول قند یک قیمته و شش مالیکول اکسیجن خواهد بود. یعنی:



$$6 Co_2+6 H_2O \longrightarrow C_6 H_{12} O_6+6O_2$$

۲– قندی که از ترکیب آب و ذغال به دست می آید:

هر گاه قندی که از ترکیب آب و دود (کاربن دای اکساید) حاصل می شود، برای تان گوا را نباشد، می توانید از قندی نوش جان کنید که

از ترکیب آب و ذغال به دست می آید. یعنی از ترکیب (۶) مالیکول ذغال ($6C$) با شش مالیکول آب ($6\ H_2O$) که نتیجهٔ آن یک مالیکول قند های یک قیمته یا گلوکوز ($C_6H_{12}O_6$) خواهد بود. یعنی:



$$6\ C + 6\ H_2O \longrightarrow C_6H_{12}O_6$$

۳- چگونه می توان از آب و دود، تیل و دیگر محصولات عضوی مورد نیاز را به دست آورد؟

اساساً تیل، گاز قندیات و شحمیات از جملهٔ مرکبات عضوی بوده و عمدتاً مرکب اند از کاربن (C)، هایدروجن (H_2) و اکسیجن (O_2).

که بالعموم از منابع حیوانی و نباتی به شکل طبیعی و یا به صورت مصنوعی به دست می آیند و نظر به تحقیقاتیکه صورت گرفته تاکنون بالغ بر دونیم ملیون مرکبات عضوی کشف گردیده اند.

البته در چگونه گی ترکیب مواد عضوی فکتور های حرارت، برودت و فشار رول عمده و اساسی را دارا اند. دانشمندان همچنان علت اساسی تنوع و تعدد مرکبات عضوی را مربوط به خواص کیمیاوی و ساختمانی کاربن می دانند. زیرا اتم های کاربن در مدار آخرین خود دارای چهار الکترون بوده و در اثر تعاملات کیمیاوی مختلف، الکترون های خود را با عناصر دیگر به صورت اشتراکی قرار داده و مرکبات مختلفی را به وجود می آورد. به طور مثال کاربن با هایدروجن طوری تعامل مینماید که هر اتم هایدروجن با یکی از چهار الکترون کاربن

رابطهٔ اشتراکی بر قرار می نمایند. لذا چهار اتم هایدروجن با یک اتم کاربن، گازمیتان (CH_4) را می سازد.

نفت ها به طور عموم و به طور خاص تیل موتر (C_8H_{16}) و یا بنزین (C_6H_6) مخلوطی از هایدروجن و کاربن هایی است که در زیر زمین به حالت جامد، مایع و گاز پیدا می شوند و از جملهٔ آنها نفت مایع مصرف زیادی دارد.

البته نفت مایع پس از عمل تصفیه، به دست آمده و از مواد جامد آن جدا می شود که این عمل جدا نمودن آن به وسیلهٔ تقطیر تدریجی حاصل می شود.

معادن مهم نفت و گاز در شرق میانه، روسیه، امریکا وغیره نقاط جهان وجود دارد. علاوتاً طبق تحقیقات مقدماتی ایکه صورت گرفته ا ست، معادن مهم نفت و گاز همچنان در صفحات شمال و شمال غرب افغانستان نیز موجود است که ازمنابع مذکور، صرفاً مقداری گاز استخراج و به کشور روسیه صادر می گردید.

در مورد چگونه گی پیدایش نفت در کرهٔ ارض، گفته می شود که فلزات و مخصوصاً فلزات القلی زمینی، با هایدرو کاربن های موجود در زیر زمین و آب تعامل نموده و از اثر تعامل آنها مواد نفتی حاصل گردیده و در زیر زمین ذخیره می شود. به نظر دانشمندان، نفت از موجودات ذره بینی حیوانی و نباتی که در آب زیست دارند، نیز به دست می آید. زیرا موجودیت فوسیل ها و مخصوصاً بقایای حیواناتیکه

ملیونها سال قبل، در اثر زیر و رو شدن سطح زمین به زیر رفته (و پس از گندیده شدن و تعاملات کیمیاوی دیگر به نفت تبدیل گردیده اند) منبع مهمی برای ایجاد نفت در زیر زمین به حساب می آیند.

نفتیکه در اثر برمه کاری چاههای‌عمیق بیرون آورده می شوند. جهت تصفیه از مواد جامد و نیمه جامد و در اثر تقطیر تدریجی در درجات مختلف حاصل می شود.

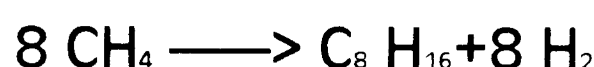
پس نتایج این تحقیقات و مشاهدات، انسان را به این فرضیه امید وار می سازد که سرانجام روزی نفت را می توان به صورت مصنوعی نیز به دست آورد. و یکی از این شیوه ها، نفتی خواهد بود که از ترکیب آب و دود به دست خواهد آمد. چنانچه از ترکیب.(۸) مالیکول آب H_2O با (۸) مالیکول کاربن دای اکساید ($Co2$) می توان یک مالیکول تیل موتر همراه با (۱۲) مالیکول اکسیجن (O_2) را به دست آورد. یعنی:



$$8\ H_2O + 8\ Co_2 \longrightarrow C_8\ H_{16} + 12\ O_2$$

نفت را به شیوهٔ تراکم مالیکولی نیز می توان به دست آورد. در این طریقه مالیکولهای بزرگ را که دارای فارمول تیل موتر می باشند، تولید مینمایند. این طریقه نیز در اثر درجهٔ حرارت پایین و موجودیت کتالست مانند المونیم سلفاید $AL_2\ (SO_4)$ انجام پذیر است.

علاوتاً نفت را می توان به شیوهٔ تجزیه، یعنی از تغییر شکل دادن به هشت مالیکول گازمیتان نیز به دست آورد. یعنی:



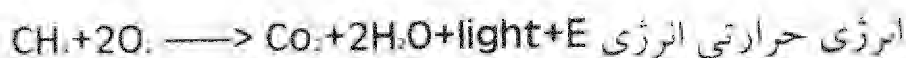
$$8\ CH_4 \longrightarrow C_8\ H_{16} + 8\ H_2$$

۴– استحصال گازمیتان (CH_4) یا گاز معمولی مواد سوخت از ترکیب آب و دود:

البته گاز طبیعی از ترکیب گازاتی چون میتان (CH_4)، ایتان (C_2H_6). هایدرو کاربن ها و گازات غیر عضوی مانند (N_2)، (C_2)، (H_2S) وغیره نیز به وجود آورد. در گاز طبیعی حدود ٪۹۰ فصید میتان (CH_4) وجود دارد. گاز طبیعی به منظور تسخین و پخت وپز، اهمیت زیادی دارد. میتان از یک اتم کاربن با چهار اتم هایدروجن، الکترون ولانسی تشریک نموده که در نتیجه مدار های اخیر کاربن و هایدروجن مشبوع می شوند.

میتان گازی است که در اثر گندیده شدن و فاسد شدن مواد عضوی و در فقدان هوا با موجودیت باکتریا ها تشکیل می شود. از همین لحاظ این گاز را به نام گاز خندقها و جبه زارها نیز یاد می کنند. تقریباً حدود نود در صد معادن ذغال سنگ وسایر منابع طبیعی را گاز میتان تشکیل داده و در معادن پطرول نیز وجود دارد.

اکنون در بسیاری از کشور ها به شمول افغانستان و مناطق نفت خیز، گاز های زیر زمینی استخراج شده و از آن به حیث مواد سوختی و تنویری استفاده می شود. هر گاه یک مالیکول گاز میتان (CH_4) را در موجودیت دو مالیکول اکسیجن (O_2)بسوزانیم، نتیجۀ حاصلۀ آن یک مالیکول گاز کاربن دای اکساید، دو مالیکول آب و مقداری انرژی نوری و انرژی حرارتی خواهد بود یعنی:



$CH_4+2O_2 \longrightarrow Co_2+2H_2O+light+E$ انرژی حرارتی انرژی

میتان به طریقه های مختلف و متعددی تولید خواهد شد که یکی از آن طریقه ها، ترکیب دو مالیکول آب (H_2O) و یک مالیکول گاز کاربن دای اکساید یا دود (Co_2) است. که نتیجۀ حاصلۀ آن یک مالیکول گاز میتان و دو مالیکول اکسیجن خواهد بود. یعنی:



$$2H_2O+Co_2 \longrightarrow CH_4+2O_2$$

۵- تبدیلی مس و برخی از فلزات دیگر به طلا (Au):

طلا (Au) شاید از جملۀ نخستین فلزاتی بوده باشد که بشر آنرا در اعصار ما قبل التاریخ (Prehistory) شناخته است. امکان دارد این فلز به خاطر داشتن رنگ زیبای زرد و سرخ و نیز نرم بود نش که استفاده از آن را آسان می سازد، مورد توجه انسانهای اولیه قرار گرفته باشد. لذا طلا فلزی است که از هزاران سال بدینسو مورد استعمال قرار دارد. و یکی از موارد استعمال آن ساختن زیورات تزئینی از طلا بوده است.



صحنه یی از یک بازار طلا فروشی در ساحه پل باغ عمومی کابل

طلا همواره به خاطر استحکام و دوام خاصیت، رنگ و وزن، شکل و کیمیابی آن بعد ها به حیث مادهٔ متبادلهٔ عمومی اجناس و کالاهای تجارتی، مستقیماً به شکل سکه های داد و ستد تجارتی مورد استعمال قرار داشته است.

طلا اکنون به حیث یک پشتوانهٔ بین المللی اسعار کشور های جهان به کار می رود. اما آنگاهی دیر نخواهد بود که با کشف اسرار و چگونه گی رمز و راز ساختن طلا به حیث یک اختراع جدید، ممکنست این پشتوانهٔ بین المللی اسعار دنیا (طلا Au) بنابر کثرت پیدایش و وفرت آن در جهان، روزی به متاع متروک و بی ارزشی در قطار ملیارد ها ملیارد سنگ و سنگ پارچه ها قرار گرفته از بازار های تجارتی دنیا برچیده شود. و آنگاه نسل های بعدی دنیا بر این داد و ستد های تجارتی معمول (که ملیونها تن گندم، نفت و امتعه های مختلف کشور ها که با تحمل هزاران گونه رنج، زحمت و مشقات تهیه می شود با مقدار ناچیزی از بانکنوت ها و یا طلا و مسکوکات دیگر تبادله میگردد) نقطهٔ پایان بگذارند. و آنگاه نسل های بعدی بر اینهمه قتل و کشتارهای بیرحمانه یی که تا کنون صورت گرفته و یا تا آنگاهی صورت می گیرد، بخندند و با تعجب حکایه کنند که در تاریخ بشریت روز و روزگاری هم وجود داشته است که مردم طلا را منحیث یک متاع گرانقیمت تجارتی، پشتوانهٔ اسعار جهان و یک وسیلهٔ نایاب تزئینی به کار می بردند.

خواص فزیکی و کیمیاوی طلا:

طلا دارای وزن اتومی (۱۹۷)، نمبر اتومی (۷۹) و ۶ مدار بوده که در مدار اول (۲) الکترون، در مدار دوم (۸)، در مدار سوم (۱۸)، در مدار چهارم (۳۲)، در مدار پنجم باز هم (۱۸) و در مدار ششم دارای (۱) الکترون است. بنابر آن ولانس یا قوهٔ اتحاد طلا (Au) نظر به الکترون مدار آخر آن (۱+) می باشد.

طلا در طبیعت به حالت خالص نیز یافت می شود. و معمولاً در کوارتز (S_1 O_2) و یکنوع سنگ های بلوری مخصوص پیدا می شود. البته سنگ های مذکور توسط آب، هوا، باد، باران و عوامل دیگر تخریب گردیده و در بسیاری از دریا ها، مانند دریای کوکچه در افغانستان به شکل گرد های خورد و کوچک توأم با ریگ و آب پیدا می شود.

به همین دلیل حدس زده می شود که بیش از ملیونها تن طلا (Au) در ابحار وجود خواهد داشت.

طلا دارای رنگهای زرد (طلای کاهی) وزرد مایل به سرخی (طلای احمر) می باشد.

این فلز در حرارت (1065 C) درجهٔ سانتی گرید، ذوب گردیده و اگر زیاد حرارت داده شود، به بخار تبدیل می گردد و نسبت به تمام فلزات سنگینتر است.

دلایل، شواهد و امکانات تبدیلی مس و فلزات دیگر به طلا:

تا کنون دلایل و شواهد فراوانی مبنی بر امکان تبدیل نمودن مس و برخی از فلزات دیگر به طلا موجود است. این دلایل، شواهد و امکانات طی دو کتگوری جداگانه مورد بحث و بررسی مختصر قرار می گیرد:

الف- دلایل و شواهد نقلی ب- دلایل و شواهد عینی

الف- دلایل و شواهد نقلی مبنی بر تبدیلی مس به طلا:

در برخی از روایات دینی به ویژه دین مقدس اسلام، تغییر و تبدیل عناصر مختلف بایکدیگر ممکن و عملی دانسته شده است. چنانچه آمده است که خدای متعال (ج) همه موجودات عالم را به علم، قدرت، اراده و حکمت قدیم خویش، از یک نور واحدی آفریده است.

قرآنکریم می فرماید: (جز این نیست حکم خدا (ج) چنان است که چون بخواهد آفریدن چیزی را (به مجرد اینکه اراده کند) گوید برای او (موجود) شو. پس موجود می شود)

در صفحات (۱۲۶-۱۲۹) قصص الانبیأ فارسی، حکایتی مذکور است که امکانپذیری تبدیل نمودن مس (Cu) را به طلا (Au) و همچنان امکانپذیری تبدیل نمودن برنج (Cu Ag) را به نقره (Ag) می رساند و خلاصهٔ حکایت چنین است:

(... چون موسی (ع) قوم خود را گفت که آن لوحها را نسخه کنید و بخوانید و به آن عمل نمایید، اوشان نسخه ها ساختند. آنگه فرمان آمد

که یا موسی (ع) بگو که این توریت (تورات شریف) را به انواع زینت ها بیارایید.

موسی (ع) گفت: الهی ما چیزی نداریم که توریت را زینت دهیم! جبرئیل (ع) در رسید و گفت: یا موسی (ع) گیاهی که گفته بودم تراکه گوساله را از این گیاه بسوزان، آن گیاه را با دو قسم گیاه دیگر با هم بیامیز، اگر بر مس نهی زر (طلا) و اگر بر برنج نهی سیم (نقره) شود...

و موضوع گوساله، اشاره به گوسالهٔ سامری بوده و حکایت آن چنین است.... در قوم بنی اسرائیل زرگری بود سامری نام داشت و نسب خواهرزاده گی با موسی (ع) را داشت.... در وقت غرق شدن فرعون (و لشکر یانش) سامری... سواری را دید که بر اسپ خنگ (سفید) نشسته، چون اسپ وی قدم برداشتی، از زیر سم (پای اسپ) او گیاه رستی. (سامری) دانست که این سوار جبرئیل (ع) است که به مدد موسی (ع) آمده، مشتی گل از زیر سم اسپش بر گرفت و نگاه میداشت تا آن زمانی که گوساله ساخت....

و حکایت گوساله ساختن سامری چنان است که ... چون موسی (ع) هارون را به نیابت خود گذاشته با آن هفتاد کس روی به کوه طور نهاده بود، در آن زمان فرصتی انگاشته سامری (قوم) بنی اسرائیل را جمع کرد و گفت: ..... امروز بیست روز شده که موسی (ع) هفتاد پیری را به رفاقت خود برده است. خدای موسی (ع) به من خبر داد که آنها هلاک

شدند. اگر می خواهید تا خدای موسی (ع) را به شما بنمایانم تا احوال ایشان را بگوید؟

گفتند روا بود. سامری از گل صورت جسم گوساله ساخته در زمین نهاد و بر قالب آن آتش انداخت و ایشان به طوع (دلخواه) و رغبت خود هر یک دینار سرخ و زیورات زرین آورده در آتش انداختند. زر آب شده در آن قالب می رفت، تاپرگشت. سامری آتش فرو نشانید.

قالب را بر گرفت و گوسالهٔ زرین از قالب بیرون آورد و پاک گردانید و آنگاه بنی اسرائیل را گفت: بیایید سجده کنید. همه در پی او افتادند، نزدیک گوساله رسیدند. سامری آن مشت گل در دهن گوساله انداخت تا به سخن در آمد .... چون بنی اسرائیل آواز شنیدند. سامری گفت.... اینک خدای شما و خدای موسی (ع). قوم موسی (ع) این معنی پسندیدند و اکثری سجده کردند و به گوساله پرستی مشغول شدند و از آنها دوازده سبط (طایفه-قبیله) که ایمان کامل داشتند، از ایشان هجرت نموده و به کوه قاف بر آمدند و آنجا مقیم گشتند و مسجد ها بنا نهادند و عبادتهای خدای متعال می کردند و سزاوار نعمت های گوناگونی شدند....

[البته خواننده گان گرامی می توانند جهت معلومات مزید به اصل کتاب قصص الانبیاء فارسی مراجعه فرمایند.]

علاوتاً در باب امکانات تبدیلی مس به طلا قصص، روایات و حکایات متعددی نیز نقل شده است که معروفترین آن حکایت فولکلوریک (گفته های مردم) سنگ فارس است که توسط دانشمندان

مختلف و متعددی از جمله مرحوم دکتور پوهاند صاحب جاوید استاد فاکولتهٔ ادبیات پوهنتون کابل نیز به رشتهٔ تحریر در آمده و فشردهء این حکایات چنین است:

در زمانه های قدیم و در شهر قدیم کابل دو برادری بودند به نامهای علی رضا خان و علی مردان خان. علی رضا خان را فرزندی بود در نهایت حسن و شباب و جوانی. که با علوم و فنون روز مجهز و در غایت حسن سلوک و خوش رفتاری با مردم شهرهٔ شهر گردید و اما یکباره وضع این پسر دگرگون شد و روز تا روز به ضعف و زردی ولاغری و دوری از مردم گرایید و بیماری سختی او را فرا گرفت که همه طبیبان شهر از معالجهٔ او عاجز ماندند.

پدرش پیری داشت بجا رسیده که نزد وی رفته و طالب کمک شد. پیر نزد پسر آمده و در خلوت خانه یی جویای حال و احوال پسر شد.

پسر اعتراف کرد که روزی در یکی از کوچه های شهر می گذشت نظرش بر دختری در نهایت جمال و زیبایی افتاد و از آن وقت به بعد خواب از چشمان و اشتها از دهانش پریده است. پیر و پدر پسر را مطمئن ساختند تا به هر صورتی که ممکن است آن دختر را به عقد نکاح این فرزند در آورند. چنان هم شد اما وضع پسر روز تا روز خراب و خرابتر گردید.

پدر بار دیگر نزد پیر مراجعه کرده و احوال زار پسر را برایش رسانید و خواهش معالجه و تداوی کامل ویرا نمود.

پیر مکرراً نزد پسر آمده و برایش گفت امشب هنگام خواب قـدری از انگشت خود را نشتر بزن و بالای آن اندکی نمک بپاش تا از درد آن بیدار بمانی و چنان وا نمود کن کـه تـورا خـواب بـرده. و بعـد هـر چـه دیدی به هیچ کس حکایه نه کنی و فردا باهم صحبت می کنیم.

فردا پیر نزد پسر آمده و ماجرا پرسید که چه دیده و چه شنیده است. پسر گفت: نیمـه هـای شـب بـود کـه همسـرش غـرش کنـان از خـواب برخاست. کوزه ای کنار اتاق را که مملو از آب بود، سرکشـید و تشـنه گی آن فرو نه نشست. لحظه یی در خود پیچید و چون اژدهـایی طویـل شد که سرش به بیرون از خانه الیٰ دریای کابل رسـید و دمـش در اتـاق بود. پس از چندی برگشت و در خود پیچید و به همان شـکل اولـی در آمده و دوباره به جایش خوابید.

پیر گفت: این همسر با نسـل آدمـی پیونـدی نداشـته و برایـت خطـر جدی محسوب می شود. فردا از وی تقاضا کن که بسیار آرزو داری از دست وی نانی بخوری که خودش در تنور خانه بپزد.

پیر تأکید کرد: فرزندم هوشداری که هیچگونه بهانه و حیلـهء وی را نه پذیری تا اینکه وادارش کنی تا تنور را گرم کرده و نـانی بپـزد. و در جریان نان پزی طفلش را نیـز بـه بهانـهٔ شـیردادن در آغوشـش بگـذار و وقتی غافل شد، هر دو را یکـــجا در تنـــور انـــداخته و ســـر تنور را محکـم ببنـد و هرچـه عـذر و زاری نـــماید، ســـرتنور را بـاز نـــه کـــنی. آنگاه به من احوال ده.

پسر همچنان کرد و آنگاه پیر را احوال داد. پیر سر تنور را برداشت، تنور سرد شده و به دو کلوله یی از سنگ مبدل گشته بود که نامش را سنگ فارس نامید. کلولهٔ بزرگ را به پسر داد و کلولهٔ کوچک را نزد خود گرفت و گفت:

این سنگ را هرگاه بر مس بمالید، طلا و هرگاه بر برنج بمالید، نقره خواهد شد. و پیر خود نا پدید شد.

از آن وقت به بعد علی رضا خان و علی مردان خان در ثروت و پولداری به حدی معروف شدند که تمامی ظروف طعام خوری و چای خوری شان هم از طلا بود.

طبق روایات عامیانه در آن روز ها سیطرهء انگریز ها در کشورجاری بود و پادشاه وقت به امر امپراطور انگلیس ویرا خواست و سنگ فارس را از وی مطالبه کرد. اما وی به شاه یک شرط را پیشنهاد کرد که وی حاضر است سنگ فارس را به دست خود به امپراطور برتانیه بسپارد.

پادشاه شرط ویرا قبول کرده و او را از راه هندوستان آنوقت به جانب برتانیه فرستاد.

آورده اند که پسر در جریان راه در کشتی ایکه بحرهند را جانب برتانیه طی می نمود، ظرف مسی طلب کرد و آنگاه سنگ فارس را به حاضرین نشان داده و بر ظرف مسی مالید، ظرف مسی به طلا مبدل گشت. آنگاه سنگ را در برابر دیده گان همه حاضران به بحر انداخت

و به این ترتیب سنــــگ فارس مفقود الاثـــــر و حـــــکایت آن زبانزد خاص و عام شد.

در زمرهٔ سایر آثاریکه مبنی بر امکانپذیری تبدیل نمودن مس، نقره و سیماب به طلا می باشـد، یکـی هـم دهـها عنـوان کتـب روایتـی استکه حاوی نسخه های متعدد اکسیر گونه اند. مانند کتبی چون اسرار قاسمی، سرالمستتر، کنز الحسین، نقش سلیمانی، مجربات سلیمانی و دهها عنوان کتب دیگر که در بازار ها به وفرت یافت گردیده و از صد هـا سـال بـه اینطرف اذهان وافکار مردم را به خود جلب نموده است.

ب- دلایل و شواهد عینی مبنی بر تبدیلی مس به طلا:

به استناد برخـی از روایـات حکایـات و افسـانه هـای کهـن، تبـدیل نمودن برخی از فلزات مانند مس، سیماب و نقره به طـلا، منحیـث یـک علم و فن سری و پنهان شده تلقی گردیـده کـه ایـن علـم یـا فـن را در مجموع کیمیا گری می نامیدند. لفظ شـیمی یـا کیمیـا از کلمـهء عبـری شامان به معنی راز و اسرار گرفته شده است، زیرا در قدیم کیمیـا دانـان اسرار خود را از دیگران پنهان می کردند.

حتی برخی از کشیشان، جادوگران و کاهنان از خواص پـاره یـی از مواد به طور خصوصی استفاده می کردند و اسرار آنرا از دیگران پنهـان می داشتند، در قرون وسطی کیمیادانان غالباً به دنبـال تبـدیل عناصـر بـه یکدیگر بودند که آنها را کیمیا گران هم می گفتند و چگونه گـی کـار

آنها نیز پوشیده و پنهانی بود، زیرا اکثراً حکمروایان وقت کیمیاگران را اذیت و آزار می دادند و حتی در آتش می سوزانیدند و به همین دلیل علایم مرموزی برای خود بر می گزیدند.

در نتیجهٔ تحقیقات و تفحصات معاصر مبنی بر استخراج معادن برخی از فلزات، مخصوصاً فلزاتی چون سیماب، مس و طلا، در برخی از نقاط جهان معادن مس،سیماب و طلا بصورت پی در پی و در طبقات مختلف در همان یک معدن دریافت شده است.

موجودیت این سه فلز جداگانه در یک معدن طبیعی یکی از دلایلی برای هم ریشه بودن این سه فلز خواهد بود.

در برخی از کتب و روایات قدیمه آمده است: هر که بتواند سیماب را که یک یکنوع فلز مایع گونه است و به آسانی خصلت پاشان شدن را دارد، به شکل جامد در آرد، به نقره تبدیل خواهد شد و البته در زمینه به قول برخی از کتب روایتی، به نسخه های کیمیا گری معروف شده اند، سیماب رنگ زرد و خواص طلا را به خود می گیرد. یعنی در سنگ محک هرگاه بالای آن تیزاب شوره که نشان دهندهء فیصدی طلا هست انداخته شود، سیماب خواص طلا را به خود گرفته و تیزاب شوره نمی تواند آنرا از بالای سنگ محک به اکساید مبدل ساخته و از بین ببرد.

علاوتاً در نتیجهء تشعشعات اتومی نیز امکان تبدیلی سیماب به طلا موجود است.

در یکی از مجلاتیکه حدود (۳۰) سال قبل از امروز خوانده بودم، حکایتی نقل شده بود که گویا در جریان انفجارات تحقیقاتی هستوی و به طور مشخص در جریان بمباردمان های ایکه در جاپان و وتینام صورت گرفته بود، سیمابی که در پرزه های مربوط وسایط حامل بم ها تعبیه شده بود، تماماً به طلا مبدل گردیده بود.

هر گاه این حکایت حقیقت داشته باشد، تبدیل نمودن یک نوع عنصر به عناصر دیگر نه تنها نا ممکن نیست، بلکه عملی و اثبات شده نیز خواهد بود.



نمایی از بازار های جدید طلا فروشی در ساحه پل باغ عمومی شهر کابل

اما طلا به دلایل مختلف در بازار ها به صورت خالص یافت نمی شود. یکی ازین دلایل نرم بودن و شکننده بودن آنست که به همین دلیل طلا های معمولی بازار ها بعضاً به مقادیر مختلف حاوی ترکیبی از مس و طلا اند و اکثریت طلا های بازار ها حاوی مقدار زیادی از ترکیب مس، طلا و نقره می باشد.

۶- جلوگیری از حوادث مدهش ترافیکی:

طوری که دیده می شود حوادث ترافیکی در نقاط مختلف جهان، تلفات دردناک جانی و مصایب جبران ناپذیر اجتماعی و خسارات فراوان اقتصادی را به بار آورده و سالانه تعداد زیادی از انسانها جانهای شیرین شان را در اثر حوادث ترافیکی از دست می دهند. جهت جلوگیری هر چه بهتر و مؤثر از این فاجعهء دردناک بشری، طرق مختلف و متعددی وجود دارد.

الف: کم عرض ساختن وسایط نقلیه

ب: استفاده از کمپیوتر

ج: استفاده از برک های مخصوص نصب شده در قسمت پیشرو و عقب وسایط (توقف دهندهء وسایط) است که لازمست از هر سه طریقه در وسایط نقلیهٔ های موجود استفاده به عمل آید.

الف- کم عرض ساختن وسایط نقلیه: با توجه به تراکم روز افزون نفوس و تردد روز افزون وسایط نقلیه، مخصوصاً در شهر های

بزرگ، و عدم تکافوی خطوط مواصلاتی بهتر است از عرض وسایط نقلیهء موجود به حد چشمگیری کاسته شود. حتی وسایط خیلی خورد یک نفری و دو نفری نیز ایجاد شود. یقیناً همچو وسایطی ایجاب نصب ماشین های خفیفه تری را نموده هم جای کمتری از خطوط مواصلاتی را اخذ می کند و هم صدمات آن خفیف ترو کم زیانتر خواهد بود.

ب: استفاده از خدمات کمپیوتری در وسایط نقلیه:

در این طریقه نصب چشم (دیدبان Lenz) کمپیوتری توصیه می شود که به صورت احتیاطی در قسمت پیشروی و عقب وسایط نقلیه که در یک زاویهٔ معین (به طور مثال فاصله ده متری) پیشرو و عقب را دیده و تشخیص کرده بتواند، به ترتیبی که این آلهء کمپیوتری بتواند موانعی را که سد راه وسایط نقلیه واقع می شوند، تشخیص و تفکیک نموده و وسایط را هنگام ضرورت به صورت کمپیوتری و خودکار(اتومات) متوقف سازد.

ج: استفاده از توقف دهنده ها و پیش راننده ها در وسایط نقلیه:

در این طریقهٔ نصب یکسلسله توقف دهنده های فنری مانند در قسمت پیشروی وسایط و پیش راننده های فنری در قسمت عقبی وسایط نقلیه توصیه می شود. که هم ارزان و هم استفاده از آن آسان خواهد بود.

توقف دهنده (که به شکل آهن برک های اتومات) در قسمت پیشروی وسایط نقلیه نصب می گردد، شکل فنری و یا (اسپرنگی) داشته، هنگام تصادم چیزی در قسمت پیشروی، وسایط را متوقف

خواهد ساخت و از شدت تلفات و تصادم خواهد کاست. و اما پیش راننده ها که در قسمت عقبی وسایط نقلیه نصب خواهند شد،هنگام تصادم چیزی در عقب وسایط، به وسایط کمک خواهد کرد تا از محل تصادم به سرعت پیشرفته و از شدت تصادم و میزان تلفات ناشی از آن خواهد کاست.

۷- پیپ یا واترپمپ پلاستیکی:

یکی از مشکلاتیکه به صورت روزافزونی جهان با آن مواجه است قلت روز افزون آب زراعتی و آشامیدنی است. چنانچه زراعت افغانستان و بسیاری از کشور های دیگر جهان با آن مواجه اند، همانا قلت آب و عدم موجودیت سیستم آبیاری لازم در این کشور ها می باشد، زیرا آبیاری کامل اراضی ایجاب احداث بند ها و انهار و نصب واترپمپ های برقی یا نفتی را می کند که مصارف گزافی را ضرورت دارد و بسیاری از کشور های نادار، توان سرمایه گذاری آنرا ندارند.

لذا برای چنین کشور ها استفاده از واترپمپ های بادی، آفتابی، حرارتی و حتی پیپ های پلاستیکی، را بری یا فلزی در عدم واترپمپ های برقی، دیزلی و پطرولی بسیار مؤثر خواهد بود. اما چطور می توان از یک پارچهٔ پیپ پلاستیکی، رابری یا فلزی به حیث واترپمپ کار گرفت؟

وقتی می بینیم راننده گان با استفاده از یک پارچهٔ پیپ پلاستیکی عادی و معمولی، برای سهولت در انتقال تیل از یکظرف به طرف دیگر

چگونه کار می گیرند؟ آن قانون فزیک برای ما مجسم می گردد که بر اساس آن سرعت یک پارچه سنگ با سرعت یک پارچه از پر مرغ در خلا یکسان است.

این قانون برای ما می رساند که هرگاه بتوانیم در داخل پیپ ها، یک خلای هوایی را ایجاد نماییم، با استفاده از آن می توانیم از آب دریا ها، جهیل ها، جوی ها، جویچه ها و حتی آب چاه ها نیز به وسیلهٔ پارچه هایی از پیپ های فلزی، رابری، پلاستیکی و غیره جهت آبیاری در اراضی استفاده کنیم.

جهت استفاده از این شیوه برای مرتبهء اول در پیپ، به یک قوهء کشش قوی هوایی ضرورت است تا بتواند در داخل پیپ ایجاد خلای هوایی نموده و آب جوی ها، دریا ها، جهیل ها و کاریز ها را به یک سرعت قوی خارج سازد.

این کار را راننده گان ما تا حدی با کش کردن تیل به داخل پیپ توسط دهان شان انجام می دهند، که به ملاحظهٔ آن برای انتقال آب توسط پیپ ها در مرتبهء اول به یک قوهء محرکهء اولی ضرورت است و آنهم استفاده از یک ماشین هوا کش قوی و یا با استفاده از چرخهای بادی و یا دستی، میسر و ممکن خواهد بود و در آن صورت پیپ برای همه مردمان جهان، حیثیت یک واترپمپ مؤثر، آسان و ازرانی را خواهد داشت.

خلاصه با در نظر داشت معلومات این فصل به عنوان نتیجه می توان گفت: که جهان ما جهان امکانات است، و انسان منحیث یک مدار و محور اصلی این نظام، و منحیث خلیفهء خدا در زمین و اشرف المخلوقات، می تواند همهء صلاحیت ها و ماموریتهایی را که خدای متعال به دوش وی نهاده است، با دست و دیدهء باز انجام دهد به قول شاعر:

آسمان بار امانت نتوان باز کشید
قرعهٔ فال به نام من دیوانه زدند

در قرآن مجید در بیش از (۱۷۰) مرتبه در فضیلت علم و حکمت ذکر شده است. و با در نظر داشت این احکام قرآنی، حرف اول مان را که هر دانستن توانستن نیست دو باره می گیریم و با تذکر این مژدهء شاعر گرانمایه و عارف بزرگ، شیخ سعدی علیه الرحمه کلام خویشرا خاتمه می دهیم که گفته اند:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نه بیند
بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت؟

(و من الله توفیق)

فهرست مآخذ:

۱- حمیرا علمی، اطلاعات عمومی مصور، تهران،۱۳۸۲هـ ش.

۲- ویل دورانت، لذات فلسفه، ترجمهٔ عباس زریاب خویی، تهران، ۱۳۸۰هـ ش.

۳- دانا (مجله)، اینهم روزی به حقیقت مبدل خواهد شد؟، نشریه آزاد علمی، ادبی و فرهنگی، ارگان نشراتی مؤسسه DANA، پشاور، ۷۵-۱۳۷۴هـ ش.

۴- محمود حکیمی، پرسش و پاسخ علمی، تهران، ۱۳۸۲هـ ش.

۵- کتب درسی صنف هفتم مکاتب، وزارت معارف، کابل، ۱۳۸۲ هـ.

۶- میرداماد، میرداماد کبیر، پشاور ۱۳۷۷هـ ش/۱۹۹۸م.

۷- علی بهایی، خزینته الفوائد و مجربات هاشمی، بمبئ، مطبعهٔ محمدی.

۸- محمد جوزی، طم طم هندی بمبئ، مطبعهٔ محمدی.

۹- جرال واکر، اسرار شعبده بازی، ترجمهٔ کاظم فایقی، تهران، ۱۳۸۱هـ ش.

۱۰- گرگین کیانی، رموز کف شناسی و قیافه شناسی، تهران.

۱۱- خان آقا سرور، تیاتر در افغانستان، پشاور، ۱۳۷۹هـ ش.

۱۲- قصص الانبیأ فارسی، صفحات (۱۲۶-۱۲۹) پشاور.

۱۳- عبدالحسین سعیدیان، دایرة المارف شرق، انتشارات شرق، تهران.

۱۴- احمد شاه حسینی، معالجهء مسنون سحرو چشم بد، پشاور، ۱۴۲۱هـ ق.

۱۵- خلیل الرحمن نعمانی، نماز کامل، مترجم مولانا محمد شهدا سراوانی، پشاور.

۱۶- علی بهایی، جامع الدعوات کبیر، بمبئ، مطبعهء محمدی.

کتابخانه های سیار اریک این کتابها را منتشر کرده است:

۱ د افغانستان عمومي جغرافیه
۲ جغرافیای عمومی افغانستان
۳ د افغانستان تاریخی ودانۍ
٤ بناهای تاریخی افغانستان
۵ د افغانستان محلي خواړه
۶ ورزشهای محلی افغانستان
۷ سپینه کوتره
۸ کمان طلائی
۹ زده کړو چه ور زده کړو!
۱۰ بیاموزیم تا بیاموزانیم!
۱۱ په افغانستان کې د چاپیریال ساتنه
۱۲ حفاظت محیط زیست در افغانستان
۱۳ په افغانستان کې د بوزغلیو او باغونو جوړونه او روزنه
۱٤ تربیه و تهیهٔ بزق و باغها در افغانستان
۱۵ د تمدن سوغات
۱۶ ارمغان تمدن
۱۷ زلزله در افغانستان
۱۸ په افغانستان کې زلزلې
۱۹ معیوبین و جامعه
۲۰ معیوبین او ټولنه
۲۱ د افغانستان لنډه کی تاریخ
۲۲ تاریخ فشرده افغانستان
۲۳ د چرګانو ساتنه
۲٤ مرغداری
۲۵ دنیای کودك
۲۶ د ماشوم نړۍ
۲۷ نگاهی بر اوضاع اقتصادی افغانستان
۲۸ د افغانستان اقتصادي حالت ته یوه کتنه
۲۹ د شاتو مچیو روزنه
۳۰ زنبور داری
۳۱ د افغانستان مشاهیر
۳۲ مشاهیر افغانستان
۳۳ د افغانستان کلك پوستې میوې
۳٤ میوه های سخت پوست افغانستان
۳۵ جغرافیای ولایات افغانستان
۳۶ د افغانستان د ولایتونو جغرافیه
۳۷ تکنالوژي بایوگاز
۳۸ د بایوګاز تکنالوژي
۳۹ پرخوری یا خود خوری
٤۰ ډیر خوراکي
٤۱ بازی های عامیانه اطفال
٤۲ د ماشومانو اولسي لوبې
٤۳-٤٤ لندی ها
٤۵ رهنمای تشخیص و تداوی امراض چشم، گوش، گلو و بینی
٤۶ د سترګو، غوږ، ستوني او پزې ناروغیو د تشخیص او درملنې لارښود
٤۷ سرگرمی با تجربه های علمی
٤۸ په علمي تجربو سره وخت تیرول
٤۹ په افغانستان کې کاني زیرمې



PROPERTY OF
ACKU
12254

۱۰۷ اساسات تولید نباتات زراعتی در افغانستان
۱۰۸ په افغانستان کې د کرنيزو نباتاتو توليد
۱۰۹ افسانه ها و سرگرمی ها برای اطفال
۱۱۰ د ماشومانو لپاره کيسې او سرگرمې
۱۱۱ حیات وحش افغانستان
۱۱۲ د افغانستان وحشي ژوي
۱۱۳ محیط زیست و اقلیم افغانستان
۱۱٤ د افغانستان چاپېريال او اقليم
۱۱۵ گوهر شاد ستارهٔ تابناک عصر تیموریان
۱۱۶ گوهر شاد د تيموريانو په دوره کې ځلانده ستورې
۱۱۷ افسانه گلها
۱۱۸ د گلانو کيسې
۱۱۹ صحت خود را چونه وقایه نماییم؟
۱۲۰ خپل روغتيا څنگه وساتو؟
۱۲۱ جهان ما
۱۲۲ زمونږ نړۍ
۱۲۳ مشکلات مسکن در افغانستان
۱۲٤ په افغانستان کې د استوگنځي ستونزې
۱۲۵ په افغانستان کې صنايع او په ملي اقتصاد ...
۱۲۶ صنایع در افغانستان و نقش آن در اقتصاد ملی
۱۲۷ د کورنۍ ژوند لارښود
۱۲۸ رهنمای زندگی خانواده گی
۱۲۹-۱۳۰ مجموعهٔ مقالات هشتمین سیمینار بین المللی کوشانیان
۱۳۱ دستور همه گانی زبان دری (صرف و نحو)
۱۳۲ پښتو ژبې لنډ گرامر (صرف ـ نحوه)
۱۳۳ باستان شناسی در افغانستان (جلد دوم)
۱۳٤ په افغانستان کې لرغون پېژندنه (دويم ټوك)
۱۳۵ طبي بوټي
۱۳۶ نباتات طبی
۱۳۷ دانش برای نوجوانان
۱۳۸ پوهه د تنکي ځوانانو لپاره
۱۳۹ با مخلوقات خطرناك طبيعت آشنا شويم
۱٤۰ د طبيعت د ځينو خطرناکو مخلوقاتو پېژندنه
۱٤۱ څو خطرناکې ناروغې (ملاريا، کالدانه ...)
۱٤۲ چند بیماري خطرناك (ملاريا، سالدانه ...)

زنده گی نامه نویسنده:



فیض محمد (نایاب _ عطایی) فرزند حاجی عطا محمد عطایی متولد۱۳۳۸ ه ش در گذر علی رضا خان شهر کابل.

تحصیلات:

فارغ لیسه عالی حبیبیه(۱۳۵۴ ه ش)، دیپارتمنت فلسفه و علوم اجتماعی پوهنځي ادبیات پوهنتون کابل(۱۳۵۸ ه ش) و انستیتوت تعلیمات رادیویی موسسه افغان نشرات (AMRC ۱۳۷۱ ه ش) در پشاور.

تجارب کاری:

بیش از ۲۰ سال خدمت در مطبوعات کشور چنانچه از(۱۳۶۰ _ ۱۳۶۷ ه ش). ابتدا پرودیوسر، بعد ادیتر و چندی هم بحیث سرپرست اداره انسجام و ارزیابی پروگرام های رادیو افغانستان. از(۱۳۷۰ _ ۱۳۷۵ ه ش)، ابتدا همکار در سروی های نشراتی و فرهنگی موسسهٔ (DANA) و بعد مدیر مسوول مجله دانا، از(۱۳۷۵ ه ش) به بعد همکار سروی های نشراتی در موسسه افغان نشرات (AMRC)، علاوتاً بین سالهای(۱۳۷۹ _ ۱۳۸۲ ه ش) عضو بورد ایدیتوری و معاون جریده تفاهم، ارگان نشراتی شورای تفاهم و وحدت ملی افغانستان (CUNUA)، از(۱۳۸۰ه ش) به بعد عضو بورد ایدیتوری اداره کتابخانه های سیار اریک موسسه اکبر ACBAR/ARIC از(۱۳۸۰ _ ۱۳۸۱ ه ش) عضور بورد ایدیتوری جریده آیینه افغان اید در پشاور و اخیراً ایدیتور برنامه های رادیویی سلام وطندار در موسسه Internews.

آثار چاپ شده:

تخنیک ابتدایی رادیو، برخی از معلومات، نمایشهای تفننی و رموز آن و ترجمه کتاب کمپیوتر. علاوه بر آن نشر ده ها عنوان مضامین، مقالات علمی، ادبی و فرهنگی در برخی از روزنامه ها، جراید و مجلات دیار هجرت.

آثار چاپ ناشده:

تحقیق در مفهوم فلسفه، مقدمه بر اساسات روانکاوی و روانشناسی، رساله سعادت بشر، سیر پاره ای از علوم و فنون در شرق، از کیمیاگری تا کیمیا، نظری بر اوضاع اقتصادی اجتماعی ولسوالی های دولت آباد و قیصار ولایت فاریاب ...

از سلسله نشریات کتابخانه های سیار اریک
نمبر مسلسل ۱۴۳